

گام دوم دستگاه قضا



هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹ | ۲۰ جمادی الاول ۱۴۴۲ | ۴ ژانویه ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

سید مهدی حسینی
آخرین نخست وزیر

۱۰
تاریخ

فرامرز عابدینی
امیدها و بیم‌ها

۴
راهبرد

فرزان شهیدی
امنیت هزینه دارد

۳
دیدگاه

دکتر علی کریمی
واکسن مطمئن

۲
نگاه

حکیم مجاهد

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر فراوان خبر درگذشت عالم ربانی، فقیه و حکیم مجاهد، آیت الله آقای حاج شیخ محمدتقی مصباح یزدی را دریافت کردم. این، خسارتی برای حوزه علمیه و حوزه معارف اسلامی است. ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند. خدمات ایشان در تولید اندیشه دینی و نگارش کتب راهگشا، و در تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار، و در حضور انقلابی در همه میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می شد، حقاً و انصافاً کم نظیر است. پارسایی و پرهیزگاری خصلت همیشگی ایشان از دوران جوانی تا آخر عمر بود و توفیق سلوک در طریق معرفت توحیدی، پاداش بزرگ الهی به این مجاهدت بلندمدت است.
اینجانب که خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز می باشم، به خاندان گرامی و فرزندان صالح و دیگر بازماندگان ایشان و نیز به شاگردان و ارادتمندان این معلم بزرگ و به حوزه علمیه تسلیت عرض می کنم و علو درجات ایشان و مغفرت و رحمت الهی را برای ایشان مسئلت می نمایم.

سید علی خامنه ای
۱۳ دی ماه ۱۳۹۹

سید علی خامنه ای

صفحات ویژه ارتحال آیت الله مصباح یزدی
۱۴-۱۵
مصباح

۲
سرمقاله

ایستاده در برابر فتنه و تحریف

یادداشت

واکسن مطمئن

دکتر علی کرمی

استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)

در مسئله کرونا «واکسن» اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه قرنطینه‌های شاید ضعیف و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی که داریم، نیاز است که اقتشار ضعیف واکسن دریافت کند تا در مقابل ویروس ایمن شوند.

در همین جای بحث به عنوان یک متخصص که هم در طب سنتی و هم در طب مدرن تخصص دارم، نظریه بد بودن واکسن را رد می‌کنم که البته بحث در این مجال موضوعی دیگری است.

در شرایطی که واکسن ایرانی کرونا هنوز آماده واکسیناسیون سراسری نشده است و در مراحل تحقیقاتی قرار دارد، یکی از راه‌های مهم، خرید واکسن خارجی است. بحث‌های تخصصی بین دانشمندان کشور مطرح است که کدام واکسن مطلوب‌تر است.

دانشمندان ما نظر مثبتی روی واکسن‌های مدرنا، بیون تک، فایزر و آکسفورد ندارند، چون اینها ایمن‌بخشی صددرصد و بالایی ندارند و نه تنها در درازمدت ممکن است ایمنی ندهند، همین طور هم که دیده می‌شود عوارض آن در تزریق‌های اخیر روی بعضی از افراد مشخص شده است.

اینکه خبر می‌رسد شرکت فایزر آمریکایی ۱۵۰ هزار دوز از این واکسن را می‌خواهد به ایران هدیه کند و این خبر بعضی‌ها را ذوق زده کرد و بسیاری دیگر را نگران که اینجا محل بحث است. آمریکایی که سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی، از جمله در حوزه غذا و دارو را علیه ملت ایران وضع کرده و جنایت‌هایی برخلاف قواعد بین‌المللی مرتکب شده است.

در حالی که هیچ کشوری حق تحریم دارو را ندارد، اما دولت ایالات متحده آمریکا در ماه‌های گذشته نه تنها به ما دارو نداده و سعی کرده ما نتوانیم دارو و واکسن آنفلوآنزا و کرونا را تهیه کنیم و حتی دستگاه‌های ونتیلاتور و سایر اقلام پزشکی برای درمان کرونا در اثر تحریم‌ها به دست ما نرسید و ما با تکیه بر تولید داخل مشکلات را حل کردیم.

حتی جلوی خرید واکسن آنفلوآنزای ما را گرفت؛ حالا یک دفعه مهربان شده و ۱۵۰ هزار دوز واکسن فایزر به ما هدیه می‌کند و عده‌ای هم خوشحال می‌شوند و سوژه برای بزرگ کردن کدخدای پیدا می‌کنند، لذا باید تردید کرد و با سوظن نگاه کرد. آنهایی که پانسمان بیچه‌های بیمار «ای بی» را دریغ کردند تا خیلی از این بیچه‌ها بمیرند، حالا مهربان شده‌اند! آنهایی که جلوی خرید واکسن را می‌گیرند، چطور می‌خواهند هدیه بدهند!

اول اینکه ۱۵۰ هزار دوز به درد ما نمی‌خورد؛ چرا که با ۸۳ میلیون جمعیت حداقل دو میلیون جامعه پرخطر از افراد مسن، کادر درمانی و بیماران خاص داریم.

ترجیحاً باید یا واکسن داخلی تولید شود و برای آن صبر کرد یا اینکه واکسن در صورت نیاز فوری از منابع معتبر و کشورهای دیگر تأمین شود. واکسنی که از خارج خرید می‌کنیم، باید واکسن سالم‌تری باشد. در این مورد اعتقاد داریم این اهدا احتمالاً برای آزمایش روی ملت ایران است.



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



آیت الله محمدتقی مصباح یزدی که عمر با برکتش را در راه ترویج مکتب اهل بیت(ع) و اسلام سیاسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران سپری کرد، به دیار باقی شتافت و دوستانداران و جامعه اسلامی و انقلابی را با رفتش که گریزناپذیر است، در غم و اندوه فرو برد.

این عالم متقی و پرهیزکار، این فیلسوف گرانقدر و متفکر ارزشمند صاحب سبک، به معنای دقیقی کلمه از ارادتمندان مخلص و یاران صدیق حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) و حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) بود.

این عالم مبارز خستگی‌ناپذیر، بصیرتی نافذ و بیانی صریح در دفاع از اسلام ناب محمدی(ص) و افشای توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و نظام ولایی داشت. او به درستی فتنه‌ها، انحرافات، التقاط‌ها و تحریف‌های زمان خود را به‌هنگام می‌شناخت و بر اساس تکلیف شرعی، با بهره‌گیری از توان بالای علمی، به صورت مستدل و منطقی، با فتنه‌گران و منحرفان و گروه‌های دارای افکار التقاطی مبارزه می‌کرد.

احسان امیری

خبرنگار

هفته گذشته هفته‌ای پر فراز و نشیب در ماجرای کرونا بود، به ویژه در رابطه با واکسن، موضوع واکسن آمریکایی فایزر که به تازگی مجوز تزریق اضطراری از سازمان جهانی بهداشت دریافت کرده و تا هفته‌های قبل واردات آن به برخی از کشورها صورت گرفت. البته در تزریق‌های آن هم گزارش حساسیت و مرگ وجود داشت. ارتباط دادن عدم امکان خرید آن به موضوع ملحق نشدن ایران به کارگروه fatf بحث‌هایی را در محافل مختلف ایجاد کرد. برخی سیاسیون جناح خاص و حتی سخنگوی دولت در این زمینه نظراتی دادند، حتی وزیر امور خارجه و رئیس کل بانک مرکزی هم در خصوص امکان تخصیص ارز یا امکان خرید این واکسن اظهار نظر کردند. البته بعداً مشخص شد بخشی از این بحث‌ها در واقع سوءاستفاده عده‌ای از کرورناهراسی در جهت رسیدن به اهداف سیاسی است و هنوز واکسنی به ایران تحویل داده نشده و تحویل آن عملی نیست که بتوان با آن آمریکارا بزرگ کرد و تحویل ندادن آن هم با توجه به توان داخلی اهمیتی ندارد. چه اینکه در خصوص خود واکسن فایزر در زیر مجموعه وزارت بهداشت هم دو صدایی دیده شد، عده‌ای که طرفدار خرید و تزریق این واکسن بودند و دیگرانسی که علیه آن مطالبی بیان کردند. البته در میان مخالفان دو گروه مخالف کلی واکسن و مخالفان واکسن فایزر دیده می‌شد. جریانی در کشور به صورت کلی واکسن را رد کرده

خطابه‌ها، بیانات، مناظره‌ها و آثار قلمی فراوان بر جای مانده از این عالم انقلابی ولایتمدار، همگی یک واقعیت را آشکار می‌کند که او، «مرد میدان دفاع عالمانه از مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی» بود.

بصیرت، زمان‌شناسی، مبارزه منطقی و بهنگام با مکاتب وارداتی غربی و شرقی، شناسایی و رویارویی عالمانه و صادقانه با جریان‌های انحرافی و صاحبان تفکر‌های التقاطی، علامه مصباح‌یزدی را از دیگران به صورت جدی متمایز کرده بود. او از این نظر، وجوه مشترک فراوان با شهید استاد مطهری(رضوان‌الله تعالی علیه)داشت.

براساس همین اشتراکات و وجوه مشابه بین ایشان و شهید مطهری، رهبر معظم انقلاب در وصفش فرمودند:

«امروز بحمدالله نظام اسلامی ما مفتخر است که شخصیت‌های برجسته علمی و معنوی در آن حضور دارند؛ مثل همین شخصیت عزیز و عظیم، جناب آقای مصباح. من ایشان را نزدیک به چهل سال است که می‌شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه طباطبایی یا مرحوم شهید مطهری استفاده کند، بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کنند.»

سر مقاله

ایستاده در برابر فتنه و تحریف

مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی در دوران عمر با برکت جمهوری اسلامی، همواره نسبت به تحولات و رویدادهای سیاسی کشور، دارای مواضع شفاف، صریح و تأثیرگذار بود. با پدیدآیی جریان اصلاحات و آغاز یک دوره جدید از التقاط، تحریف و انحراف در مسیر انقلاب اسلامی، او با حضور در چندین نماز جمعه تهران به عنوان سخنران قبل از خطبه‌ها، با بیانی صریح مبانی نظام ولایی را بر اساس آیات الهی، احادیث و عقل و منطق تبیین کرد و نسبت به بروز و ظهور اندیشه‌ها و جریان‌های التقاطی که به دنبال سکولاریزه کردن کشور و حکومت بودند، هشدار داد.

رویکرد روشنگری و بصیرت‌افزایی وی سبب شد تا علامه مصباح آماج هجمه‌های سنگین قرار گیرد. در دوران فتنه سال ۱۳۸۸، او از مردان اصلی میدان مبارزه با فتنه بزرگ آمریکایی-صهیونیستی بود. به صورت خستگی‌ناپذیر با سفر به استان‌های مختلف و در دیدارهای مختلف با اقشار گوناگون، و به ویژه جوانان و دانشجویان، به تبیین حقایق می‌پرداخت.

آیت‌الله مصباح اهداف راهبردی فتنه‌گران را به درستی تشخیص داد و روشنگری کرد. ایشان در یکی از جلسات، از فتنه ۸۸ به عنوان یک «فتنه شیطانی» یاد کرده و هدف فتنه‌گران را این چنین شرح می‌دهد:

«ما در این زمان مواجه هستیم با یک فتنه عظیم

سیاسی خویش به آن اشاره کردند که عده‌ای سر تا پا غربی بودن را به هویت واقعی ایرانی اسلامی خویش ترجیح می‌دهند، اینجا هم دوباره این بحران هویت عیان شد. از همین رو در ماجراهایی مثل دست یافتن کشور به فناوری‌های روز دنیا مانند نانو، موشک، پهپاد، فضا، هسته‌ای و... این عده همواره یا باور نکردند یا آنکه به سخره گرفتند؛ حالا هم که در وضعیت وخیم همه‌گیری کرونا هستیم، دست از این تفکر برنداشته و نمی‌توانند باور کنند که پزشکان و محققان ایرانی به چنین توانایی دست پیدا کرده‌اند.

البته از آن‌رو بام افتاده‌هایی هم هستند که کلاً موضوع واکسن را قبول نداشته و همه را توطئه استکبار می‌دانند که در بالا هم به آنها اشاره شد.

در ایسن میان زمانی که بحث تزریق واکسن داخلی یا خارجی مطرح شد، یک جریان گفت که باید واکسن خارجی را اول به مسئولان تزریق کنند و ایران نباید آزمایشگاه خارجی‌ها شود، کما اینکه ظاهراً دکتر ملک‌زاده، معاون مستعفی وزیر بهداشت نیز به این موضوع اشاره داشته است که برخی داروهای اعلامی از سوی سازمان جهانی بهداشت روی بیماران ایرانی آزمایش شده و عمدتاً هم پاسخ مناسبی نداده است. البته تبلیغات علیه واکسن فایزر یک کار جهانی بود و اکثر کشورها با نگاه منفی به آن واکنش نشان دادند و عمدتاً هم همان سخن مشاور وزیر بهداشت را در خصوص مافیای پشت واکسن را مطرح کردند. حتی وزیر بهداشت لبنان هم گفت اغراض سیاسی پشت واکسن فایزر برای لبنان وجود دارد و با اینکه آن را

شیطانی، برای اینکه ما را از رهبری الهی و آن حقی که خدا برای رهبری دینی بر مردم قرار داده است؛ جدا کنند.... آنچه روح انقلاب اسلامی، آنچه مشخصه این حکومت است و در همه عالم، این حکومت به نام حکومت ولایت فقیه شناخته می‌شود، می‌خواستند این را بگیرند؛ اگر بشود آن را حذف کنند، اگر نه، لااقل با تغییر قانون اساسی و ایسن حرف‌ها، ولایت فقیه را تضعیف کنند، کم رنگ بشود، ولایت فقیه نقشی نداشته باشد، مسئله این بود.»

این نقشه روشنگرانه علامه مصباح تا آخرین لحظات عمر پربرتک ادامه داشت. وقتی جریان انحراف در دولت دهم پدید آمد، ایشان بدون ملاحظات قبلی، با این تفکر انحرافی نیز مبارزه کرد. برای ایشان، حق و اسلام و ولایت شاخص اصلی در حرکت و پیشبرد امور بود. آیت‌الله مصباح به گونه‌ای در راه تحقق حاکمیت دینی و گسترش معارف اسلامی و ساخت جامعه اسلامی مجاهدت کرد که رهبر معظم انقلاب در پیام‌شان به مناسبت رحلت این عالم ربانی، او را چنین توصیف کردند:

«ایشان متفکری برجسته، مدیری شایسته، دارای زبانی گویایی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم بودند.» بر همین اساس می‌توان او را ایستاده و ثابت قدم در برابر فتنه‌ها و تحریف‌ها دانست. روحش قرین رحمت و واسعة الهی باد.

واکسن ایرانی

ماجرای کووایران و لزوم بازیابی هویت ایرانی

وارد کرده‌اند، مردم واکسن فایزر را نزنند. به هر حال واکسن تولید ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با تزریق به تعدادی داوطلب از جمله عزیزترین فرد زندگی رئیس این ستاد، یعنی دختر آقای مخبر، آزمایش انسانی شد تا به زودی برای واکسیناسیون افراد دارای اولویت و سپس واکسیناسیون سراسری آماده تولید باشد.

در انتهای هفته نیز خبر از رسیدن مراحل تست انسانی تحقیقات هشت واکسن دیگر داده شد که البته یکی با کشور کوبا به صورت مشترک در حال انجام است. خبر افتتاح خط تولید واکسن اشاره شده تا چهل روز دیگر هم خبری بود که روز انتهایی هفته منتشر شد تا خط بطلانی باشد برای همه واکسن‌های مشکوک و غیر مشکوک خارجی.

البته باید یادی هم از شهید دانشمند محسن فخری‌زاده کرد که یکی از پروژه‌های واکسن کرونا را مدیریت می‌کرد. پروژه‌هایی هم در مؤسسه واکسن‌سازی رازی، انستیتو پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) و... در حال پیگیری است که همگی از رشد بالای علمی کشور در حوزه میکروبیولوژی خبر می‌دهند؛ اما هنوز هم عده‌ای دل در گرو غرب دارند. همه این اتفاقات در حالی بود که هفته آخر سال میلادی گذشته پرشمارترین ابتلاها، مرگ و میرهای روزانه کرونا رقم خورد و کرونا ی انگلیسی هم دارد دامن گیر جهان می‌شود.

حال باید دید ایران به عنوان چهارمین کشور تولیدکننده واکسن بعد از روسیه، چین و آمریکا در مقابله با کرونا می‌تواند رکوردهای جدیدی را رقم بزند یا نه.



روزنه

اضلاع اصلاح طلبی

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی



نقدهای درون گروهی اردوگاه اصلاح طلبان در ماه‌های اخیر با شدت بیشتری دنبال می‌شود. در یک نگاه کلی اصلاح طلبان را در این مقطع می‌توان به دو ضلع رادیکال‌های ساختارشکن و اعتدالیون محافظه‌کار تقسیم کرد.

دسته اول را افرادی چون تاج‌زاده، علوی‌تبار و... در داخل کشور تا بخشی از جریان‌های اپوزیسیون خارج کشور مدیریت و پرچمداری می‌کنند که به شدت به دنبال تغییر قانون اساسی و پیشبرد فرآیند آشکار سکولاریزاسیون در کشورند. برای رسیدن به اهداف خود نیز بر طبل جنجال و آشوب در کشور می‌مدند و با صراحت به ارکان نظام از رهبری تاشورای نگهبان و... حمله می‌کنند، پرچم رفرائندوم را علم می‌کنند، امثال امجد را بزرگنمایی می‌کنند و انتخابات را نیز فرصتی برای شورش علیه نظام می‌بینند و فرصتی برای تداوم همین سیاست.

دسته دیگر بسا طمانینه بیشتری قدم برداشته و حاضر نیستند خود را در مقابل نظام اسلامی معرفی کنند. این طیف که افرادی چون بهزاد نبوی و... در رأس آن قرار می‌گیرند، خود را منتقد وضع موجود معرفی می‌کنند، امانه‌منتقدی ساختارشکن که با صراحت پرچم هجمه به ارکان نظام را بلند کرده باشد. آنان معتقد به اصلاحات در چارچوب قانون اساسی بوده و علاوه بر نقد، تعامل با ارکان نظام را نیز در دستور کار خود دارند. انتخابات را نیز فرصتی برای ماندن در قدرت می‌بینند و خط تحریم را پیشه نمی‌کنند. (فهم آنان از صحنه سیاست کشور را می‌توان در اظهارات بهزاد نبوی در روزنامه شرق چهارشنبه ۱۰ دی مطالعه کرد).

در این میان موضوعات مختلفی به‌محور اختلافات این دو ضلع اصلاح طلبی بدل شده است. یکی از موضوعات مورد مناقشه در اردوگاه اصلاح طلبان چگونگی مواجهه با عملکرد دولت اعتدال است. دولتی که با حمایت تمام قد اصلاح طلبان در سسال ۱۳۹۲ به قدرت رسید.

طیف رادیکال اصلاح طلبان به شدت در تلاشند خرج خود را از این دولت جدا کرده و بر طبل نقد و مرزبندی بکوبند و اعلام برائت کنند! اما طیف میانه‌رو همچنان خود را در ائتلاف با اعتدالیون می‌بیند و حامی دولت معرفی می‌کند و در تلاش است دولت را تطهیر کرده و آن عامل همه نابسامانی‌های امروز کشور معرفی نکند! سیاست این دو ضلع در معرفی نامزدهای انتخاباتی نیز متفاوت است. طیف رادیکال بر انتخاب گزینه حداکثری با قلدو قواره تمام عیار اصلاح طلب تأکید دارد و از گزینه‌هایی چون محمدرضا خاتمی و... سخن می‌گوید و در صورت عدم احراز صلاحیت مدعی است پرچم تحریم را بالا خواهد برد. طیف دوم بر ائتلاف با اعتدالیون تأکید دارد و حتی حاضر است از افرادی چون ناطق نوری، لاریجانی و نوبخت نیز در انتخابات حمایت کنند.

نکته پایانی آنکه این دو ضلع هرچند در راهبردها و تاکتیک‌ها با هم اختلافات جدی دارند؛ اما در برخی از موضوعات از جمله آنکه به قدرت رسیدن دموکرات‌ها در آمریکا می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای دستیابی به قدرت در سال ۱۴۰۰ بدل شود، هم نظرند! همچنین از این توان برخوردارند که در روزهای مانده به انتخابات، بار دیگر اختلافات را به طور موقت کنار بگذارند و با نامزدی واحد در انتخابات شرکت کنند!

امنیت هزینه دارد

نگاهی به شبهه‌افکنی پیرامون حمایت‌های ایران از محور مقاومت

می‌دهند تا به زعم خود ایران و محور مقاومت را در منطقه مهار کنند. البته این گونه جنجال‌های تبلیغاتی بی‌سابقه نیست. در گیر و دار فتنه سال ۱۳۸۸ برخی جریان‌های مشکوک اقدام به فضاسازی کرده و شعارهایی مانند «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» را سردادند که حاکی از ایجاد تردید در سیاست‌های منطقه‌ای و حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت بود. با آگاه‌سازی و روشنگری نسبت به کارنامه و نقش ویژه شهید سلیمانی و دستاوردهای سترگی که نه فقط برای ایران، بلکه منطقه و جهان کسب کرد، می‌توان توطئه تبلیغاتی دشمن را خنثی کرد.

۲

کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جبهه مقاومت اعم از سیاسی، مالی و نظامی در راستای راهبرد کلان صدور انقلاب و تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه است. در واقع اگر با نگاه ژرف بنگریم، هر گونه هزینه‌ای در این راستا، عوایدش به امنیت و منافع ملی کشور بازمی‌گردد. از این منظر، دادن پول و موشک به حزب‌الله و حماس که البته مشتمل بر مبالغ چندان بالایی نیست، موازنه را به نفع مقاومت تغییر داده و در برابر دشمن صهیونیستی یک بازدارندگی قوی ایجاد کرده است. نباید فراموش کنیم که روزگاری ارتش صهیونیستی، اسطوره

شکست‌ناپذیری در غرب آسیا قلمداد شده و بی‌محایا کشورهای عربی را تهدید می‌کرد.

۳ امداد انسانی مانند کمک به وضعیت وخیم فلسطینی‌ها یا جنگ‌ده‌های لبنانی، سوری، یمنی و... صرف نظر از آنکه برد سیاسی دارد، عمدتاً بر خاسته از انگیزه‌های دینی و انسانی است. این در حالی است که جمهوری اسلامی طبق ماده ۱۵۴ قانون اساسی، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند. بنا بر این، کسانی که این گونه کمک‌ها را زیر سؤال می‌برند و آن را فاقد وجاهت ملی یا قانونی می‌دانند، در اشتباه هستند؛ چرا که وظیفه دینی، انسانی و ملی ملل و دولت‌های مسلمان آن است که در حد توان به هم‌نوعان خود به ویژه مسلمانانی که تحت ظلم و فشار و محاصره هستند کمک کنند.

۴

هزینه‌های مالی، امنیتی و نظامی در منطقه، مختص جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه دشمنان و رقبای ایران چندین برابر این ارقام را هزینه می‌کنند. برای نمونه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در سفری که دو سال پیش به عراق داشت اظهار کرد، خیلی غم‌انگیز است که ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کنی، اما برای رفتن

دریچه

تروریسم ادراکی

اصابت گلوله دشمن قرار می‌گیرند؛ ولی هیچ گونه جراحتی را در بدن خود احساس نمی‌کنند. در تروریسم ادراکی به قوه شناخت و بصیرت به منزله قطب‌نما و معیار تشخیص روایت واقعی از جعلی حمله می‌شود؛ برای نمونه در ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان، شهید فخری‌زاده فضاسازی گسترده‌ای از سوی رسانه‌های معاند صورت گرفت و از تعابیری، مانند پدر بمب هسته‌ای ایران به صورت پرتکرار استفاده شد تا نگرش و باور جامعه دچار فهم غلط شود. در زمینه چرایی به کارگیری این روش، موجه نشان دادن ترور، زمینه‌سازی برای عدم واکنش متقابل، ایجاد زمینه‌های توصیه به محاسبه‌گری و پرهیز از در تله تهدیدات افتادن در صورت اقدام مقابله به مثل، بخش‌هایی از چرایی استفاده از ترور ادراکی است. در واقع ترور ادراکی نوعی دست پیش گرفتن برای جلوگیری از

عواقب و پیامدهای ترور برای طراحان و عاملان است. در زمینه چگونگی ترور ادراکی بهربرداری گسترده از زیرساخت رسانه‌های نوین سایبری، فضاسازی گسترده از رسانه‌های ضد انقلاب و استفاده از برخی ظرفیت‌های داخلی مانند جریان روشنفکر غرب‌زده و تقی‌زاده‌های داخلی، برخی مطبوعات و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی طرفدار غرب همگی مکمل مدیریت ادراک جامعه هدف می‌شوند. این ظرفیت‌ها و زیرساخت‌ها با سه شگرد در خدمت طراحان قرار می‌گیرد و بزرگنمایی تهدید در پساترور در صورت واکنش متقابل، قلب واقعیت ترور و تصویرسازی وارونه و در نهایت کاهش تاب‌آوری اجتماعی از شگردهای تروریسم ادراکی است. راهکار مقابله با این ترور ادراکی، و تصویرسازی غلط، تبیین و افق‌سازی و ارتقای سطح بصیرت و بینش جامعه هدف، با تصویرسازی

شفاف و واضح از شرایط پساترور است. راهکار بعدی برای مقابله با تروریسم ادراکی پساترور شناسایی روزه‌های نفوذ در جنگ اطلاعاتی است. در این زمینه «نفوذ» یکی از آن زخم‌هاست که باید قاطعانه و مقتدرانه روزه آن سد شود. راهکار بعدی، اتخاذ تصمیم محکم و با صلابت در حوزه دیپلماسی خارجی است. در شرایط پساترور است که هر گونه مذاکره با آمریکای بایدن انجام نشدنی است و هرگز آمریکای بایدن فرصت نیست که با پس زدن آن فرصت‌سوزی شکل بگیرد و این انجام نشدن مذاکره در بیانات حکیمانه رهبر بصیر و بیدار و شجاع نظام اسلامی مان به صراحت بیان شده است تا دشمن گمان نکند می‌تواند از ویرای تروریسم ادراکی نگرش ملت انقلابی کشورمان را تغییر دهد و آرمان شهدای هسته‌ای کشورمان، همچون شهید فخری‌زاده را مخدوش کند.

فرزان شهیدی

کارشناس بین‌الملل



مسئله کمک‌های مالی ایران به جبهه مقاومت به ویژه فلسطین و لبنان، هر از گاهی به مناسبت‌های مختلف از جانب رسانه‌های مغرض برجسته‌سازی شده و تلاش می‌کنند؛ این بار رسانه‌های ضدانقلاب از اظهارات سید حسن نصرالله و محمود الزهار را مستمسکی برای ایجاد شکاف بین مردم و نظام کردند. در این باره، چند نکته مهم – جهت رفع شبهه مربوط به کمک‌های ایران به مقاومت – قابل ذکر است:

۱

در سالروز شهادت شهید سلیمانی، تخریب چهره سردار دل‌ها در دستور کار رسانه‌های معاند قرار گرفته و قصد دارند با زیر سؤال بردن عملکرد او، ضمن منفی کردن افکار عمومی نسبت به وی، در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی خلدشه کنند؛ به‌ویژه آنکه پرونده فعالیت‌های منطقه‌ای ایران همچنان به عنوان تهدید بزرگی فراروی طرح‌های توسعه طلبانه آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داشته و تلاش زیادی انجام

ابوالحسن سلطانی زاده

هادی سیاسی



«تروریسم ادراکی» یکی از ابعاد و اضلاع برجسته و نقطه ثقل و کانونی جنگ هیبریدی یا ترکیبی بوده و نقش مکمل و هم‌افزا برای ترور فیزیکی را دارد. ترور ادراکی بلافاصله پس از ترور فیزیکی با هدف تغییر محاسبه دستگاه ذهنی نخبگان و افکار عمومی در دستور کار طراحان قرار می‌گیرد و در پساترور با جعل روایت‌های دروغین و تحریف واقعیت، نگرش و بینش جامعه هدف را مورد رهزنی و دستبرد قرار می‌دهد و تصویری غیر واقعی برای چگونه نگرستن و چگونه فکر کردن در مورد آن ترور را القا می‌کند؛ این همان مدیریت ادراکی است که افراد، مورد



آغوش انقلابی! آیت‌الله مصباح‌یزدی از هفته‌های گذشته در پی وفامت حال‌شان، در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شده و تحت مداوا قرار گرفته بودند که متأسفانه این فقیه انقلابی در شب سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، دعوت حق را لبیک گفتند. رهبر معظم انقلاب درباره ایشان گفته‌اند: «خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی در قم این است که ایشان برخلاف خیلی از فضایی ما که فضل‌شان در خودشان منحصر مانده، فضلش در شاگردان خوب سرریز شده است.»



اعترافات ادامه‌دار! هزاران نفر در سرزمین‌های اشغالی برای بیست و هفتمین هفته متوالی علیه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تظاهرات کردند. معترضان کماکان خواستار برگناری نتانیاو هستند و صدای آنها پس از این مدت طولانی هنوز به نخست‌وزیر اشغالگران نرسیده است! صهیونیست‌ها نه تنها تابستان‌شان داغ شده است، بلکه پاییز و زمستان و بهار داغی هم دارند و نتوانی در جلوگیری از شیوع کرونا هم بر گستردگی این اعتراضات افزوده است.



ساخت یادمان شهیدای مقاومت در فرودگاه بغداد! باقی‌مانده انومبیل شهیدان حاج قاسم سلیمانی و حاج ابومهدی المهندس و همراهان شهیدشان به یادمان محل شهادتشان در فرودگاه بغداد منتقل شد. یادمانی در محل شهادت این شهیدان بزرگ مبارزه با تروریسم در فرودگاه بغداد، بلوار ابومهدی المهندس در مراسمی با شکوه با حضور مردم عراق در معرض دید عموم قرار گرفت. این یادمان با همکاری حشدالشعبی و حکومت عراق بر پا شده است.



وقتی نه مسلمانی و نه سپاه پوست و نه مهاجر! آنتونی کوین وارنر، یعنی همان کسی که مدتی قبل با بمب‌گذاری، در یک ون و پارک کردن آن در کنار خیابان، باعث انفجاری سهمگین در نشوویل ایالت تنسی آمریکا شده بود و چندین نفر را زخمی کرده بود و خسارات بسیاری به بار آورد، نه مهاجر است، نه مسلمان، نه سپاه پوست، نه مکزکی و نه ... پس فقط اسمش در رسانه‌ها گفته و شنیده می‌شود نه تژاد، رنگ و دینش، حتی ترویرست هم خطابش نمی‌کنند. این سنده‌بندی‌ها فقط برای غیر خودی‌هاست.

تبیین

خطای تضعیف مجلس!



حنیف غفاری

دکترای روابط بین‌الملل

رئیس جمهور در زمینه مصوبه اخیر مجلس با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» تأکید کرده بود:

«دولت به اتفاق آرا این قانون را برای کشور مفید نمی‌داند. تفسیری که ما از این قانون برای اجرا داریم و آیین‌نامه‌اش را بر همان مبنا خواهیم نوشت، در چارچوب آن عنوان است یعنی قانونی که می‌خواهد تحریم را برادرار، نه قانونی که تحریم را تأخیر ببندازد.» مواضع دولت در تقابل با قانونی که از سوی مجلس و شورای نگهبان به تفسیر رسیده است، در دو بعد «حقوقی» و «فرامتنی» قابل تحلیل است.

۱- **حقوقی:** دولت قطعاً نمی‌تواند «تفسیر خاص» خود از «مصوبه مجلس» را ارائه دهد. در این زمینه، لازم است «نیت و هدف قانونگذار» و فراتر از آن، «راهکارهای پیش‌بینی شده از سوی مجلس»، به صورت دقیق و بدون هیچ گونه کم و کاستی اجرا شود. از سوی دیگر، مصوبه مجلس مراحل حقوقی و قانونی لازم را طی کرده و مشمول اصلاح و تأیید نهایی شورای نگهبان شده است. فراتر از آن، ارائه تضمین‌های مستقیم یا غیرمستقیم به طرف‌های مقابل مبتی بر اینکه چنین قانونی اجرا نشده یا بر اساس تفسیری غیر از آنچه در مصوبه مجلس لحاظ شده، اجرایی می‌شود، مترادف با «کوچک‌انگاری» نقش قوه مقننه آن هم نزد بازیگران خارجی است. قطعاً اعضای دولت، به خوبی به یاد دارند که در مذاکرات منتهی به برجام و حتی پس از اجرایی شدن توافق هسته‌ای، دولت اوپاما بارها «جایگاه حقوقی» کنگره آمریکا را به مذاکره‌کنندگان و وزارت خارجه کشورمان یادآوری کرده و دوزدن قانون‌هایی، مانند «کاتسا» و «آیسا» را ناممکن می‌دانست. در شرایطی که آمریکا، از «مصوبات کنگره آمریکا» به مثابه یک «خط قرمز حقوقی» یاد می‌کنند، آیا صلاح است که ایران به سادگانگاری قانون مصوب مجلس روی آورده و به ظن خود، خیال طرف مقابل را در خصوص اجرایی شده این مصوبه راحت کند؟!

۲- **فرامتنی:** متأسفانه پس از پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، شاهد ارسال سیگنال‌های مشترک آمریکا و اروپا علیه منافع ایران بودیم. تلاش‌های دولت جدید آمریکا و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس برای «گذار عملی از برجام» و «بسط آن به توافقات موشکی-منطقه‌ای» کاملاً ملموس بوده و کسی در قبال این نیت شوم بازیگران غربی شک و شبهه‌ای ندارد. بدیهی است که در چنین شرایطی قانون مصوب خانه ملت، حکم یک «اهرم فشار بازدارنده» را در قبال راهبرد «مهار همه‌جانبه ایران» دارد. در صورتی که این اهرم فشار از سوی دولتمردان کشورمان کم‌رنگ یا بی‌اهمیت جلوه داده شود، قطعاً طرف مقابل جسارت بیشتری در خصوص «بازگشت صوری به برجام» و «بسط تعهدات ایران» از خود نشان خواهد داد.

در نهایت اینکه باید در مقابل «نقش‌آفرینی خصمانه کنگره آمریکا» و «بازی چنگانه دولت‌ها و پارلمان‌های اروپایی با برجام تضعیف جایگاه مجلس شورای اسلامی، نه تنها به لحاظ حقوقی و بر اساس جایگاه قانونی قوه مقننه قابل توجه نیست، بلکه به لحاظ راهبردی نیز خط بزرگی به شمار آمده و ضریب آسیب‌پذیری دستگاه دیپلماسی ما را در هر گونه مواجهه با طرف مقابل افزایش خواهد داد. حقیقتی که امیدواریم اعضای دولت به درستی درک کنند!

حسین چخماقی

خبرنگار

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۶ اسفند سال ۱۳۹۷ در بخشی از حکم انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی، خطاب به رئیس جدید قوه قضائیه گفتند: «سند تحول قضائی پیشنهادی جناب‌عالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورت‌ها و نظرات کارشناسی، آن را مفید و کارساز می‌دانم.» تیرماه امسال نیز در جریان نشست ویدئوکنفرانسی شورای عالی قسوه قضائیه با رهبر معظم انقلاب، ایشان بار دیگر بر جنبه‌های مثبت این سند تأکید کردند و بیان داشتند: «حرکت تحولی در قوه قضائیه نمی‌تواند صرفاً متکی باشد به یک مجموعه در رأس قوه حلال ریاست محترم قوه خب معلوم است که به معنای واقعی کلمه دنبال تحول است. با عناصر برجسته و صاحبان مناصب بالا؛ [بلکه] باید در کل بدنه قوه قضائیه اعتقاد به تحول وجود داشته باشد.» ۲۱ ماه پس از شروع به کار حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در منصب ریاست دستگاه قضا سند تحول قضائی در ۶۹ صفحه منتشر شد. سندی الزام‌آور که همه واحدهای قضائی در سراسر کشور مکلف به اجرای دقیق بند بند آن هستند؛ نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، این است که از روزهای نخست شروع به کار رئیس جدید قوه قضائیه تا روز ۶ دی امسال که سند تحول قضائی منتشر شد، یک سند تحت همین عنوان در دستور کار دستگاه قضا بود و به این ترتیب سند جدید را باید نسخه ارتقا یافته و کامل سند پیشین به شمار آورد.

ویژگی‌های سند تحول قضائی

در فرآیند نگارش سند تحول قضائی، هفت مأموریت اصلی قوه قضائیه منبعث از تکالیف تعیین شده در قانون اساسی و همچنین سیاست‌های کلی نظام، مشخص شده است که عبارتند از: «رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات»، «احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع»، «نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور»، «کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام»، «پیشگیری از وقوع جرایم و دعاوی»، «اصلاح مجرمان» و «حمایت از حقوق مالکیت اشخاص». در این سند به ۱۴ تغییر اساسی در جهت‌گیری‌های کلان قوه قضائیه اشاره شده است. «حرکت به سمت مواجهه قضائی فعال و ابجایی به جای مواجهه منفعل و پسینی»، «حرکت از قوه قضائیه دادخواست محور به قوه قضائیه گسترش دهنده عدل و حامی حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع»، «تقویت نگرش‌های پاسخگو، شفاف و هوشمند به جای نگرش‌های غیر پاسخگو، غیر شفاف و قدیمی»، «تلاش برای شناخت و حذف بسترهای

گزارش ویژه صبح صادق از چندو چون تحول در قوه قضائیه

گام دوم دستگاه قضا



حفظ کرامت مردم

در همین زمینه حجت‌الاسلام «نصرالله پژمانفر» رئیس کمیسیون اصل نود مجلس به صبح صادق گفت: «تک‌تک بندهای سند تحول قضائی، برآمده از احصای چالش‌ها و نقاط ضعف و قوتی است که در مجموعه دستگاه قضا وجود داشته و برای هر کدام از این چالش‌ها که عقیه خیلی از مشکلات را در سیستم قضائی تشکیل می‌دادند، به صورت کاملاً شفاف و عینی و واقع‌گرایانه، چاره‌اندیشی و راهکار متناسب ارائه شده است.» وی با بیان اینکه برای همه راهبردها و راهکارها در سند تحول قضائی زمان و مسئول مشخص تعیین شده است، گفت: «تغییر کلی شیوه جذب قضات و کارمندان، تغییر نحوه ارتقای شایگانان در دستگاه قضا و تحول در جابه‌جایی‌های دستگاه قضا که در سند تحول فصل مجزایی را به خود اختصاص داده، به همین منظور است.» حجت‌الاسلام پژمانفر با بیان اینکه تهیه سند تحول قضائی در راستای پایداری و استمرار امید به قوه قضائیه شکل می‌گیرد، بیان داشت: «به واقع ضمانت اجرایی سند تحول قضائی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، به تحقق این سند کمک خواهد کرد.» رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با اشاره به وجود مسائلی از جمله مبارزه با فساد، حفظ کرامت مردم و حمایت از تولید در سند تحول قضائی اظهار داشت: «سند تحول قضائی به مانند یک ریل ثابت و پایدار است و می‌تواند به عنوان یک چشم‌انداز برای این قوه تلقی شود.» وی با بیان اینکه حضور حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در دستگاه قضا باعث شد تا مسیر تظلم‌خواهی مردم در دستگاه قضا تسهیل شود، به

فساد را به جای مقابله صرف با مفسدین» و «توجه به نظارت‌های همه‌جانبه، مأموریت محور، حین فرآیند، هوشمند و همگانی به جای نظارت‌های گذشته نگر، عملکرد محور، انسان پایه و متمرکز» برخی از این چرخش‌های تحول‌آفرین و تغییرات اساسی هستند. ۲۰ عنوان چالش اولویت‌دار دستگاه قضا و راهکارهای مرتفع کردن آنها در سند تحول قضائی ذکر شده است. همچنین برای هر یک از راهکارها، واحد سازمانی مسئول، واحد یا واحدهای سازمانی همکار و زمان‌بندی اجرا شامل کوتاه‌مدت (تا تیرماه سال ۱۴۰۰)، میان‌مدت (تا تیرماه سال ۱۴۰۱) و بلندمدت (تا پایان سال ۱۴۰۲) مشخص شده است. طبق گفته «سیدمحمد صاحبکار» معاون راهبردی قوه قضائیه، «تمرکز بر احیای برخی از مأموریت‌های مغفول قسوه قضائیه به ویژه مأموریت احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور»، «تمرکز بر شناسایی چالش‌ها از منظر مردم»، «تمرکز سند بر شناسایی عوامل پدیدآورنده چالش‌ها (نشانه‌ها) و شناسایی عوامل ریشه‌ای به عنوان عوامل دارای نقش اهرمی و محرک برای سایر عوامل و اجتناب از توجه هم‌زمان و همسان به تمامی عوامل ریشه‌ای و تمرکز بر عوامل ریشه‌ای اولویت‌دار»، «تدوین راهبردها و راهکارهای تحولی دارای امکان رفع پایدار و باصلاح معنادار عوامل ریشه‌ای اولویت‌دار و دارای مؤلفه‌های مردم پایه، هوشمند و شفاف» و همچنین «توجه ویژه به بازطراحی نظام مدیریتی حاکم بر قوه قضائیه از قبیل ساختار، منابع انسانی، منابع مالی و فناوری‌ها به عنوان بستر تحقق مأموریت‌ها» مهم‌ترین ویژگی‌های سند تحول قضائی هستند.

امیدها و بیم‌ها

مسئولان، مدیران و قضات محترم قوه قضائیه میسر می‌شود. بدون شناسایی، افتاد، کادرسازی و توانمندسازی مدیران درجه ۱ و ۲ قوه، متناظر با سطح و افق تحول مورد انتظار رهبر معظم انقلاب، تحول در قوه قضائیه امکان‌پذیر نیست.

تحول قوه باید در دو حوزه «پیشرو» و «پیش‌برندگی» قوه قضائیه به نحو «متوازن» انجام پذیرد. پیشرو بودن قوه قضائیه در امر تحول مستلزم آن است که قوه قضائیه در بالاترین سطح از سلامت، کارآمدی و مقبولیت اجتماعی قرار گیرد و پیش‌برندگی آن نیز در گرو، اقدام عالمانه، حکیمانه و شجاعانه جهت اثربخشی بر مدیریت کلان کشور، احیای حقوق عامه، صیانت از آزادی‌های مشروع و دفاع از مظلومان عالم، نهفته است.

علی القاعده سند تحول قوه قضائیه مبتنی بر نگرش سیستمی و به نحو شبکه‌ای و یکپارچه طراحی و تدوین شده است. از این رو، اجرای سند تحول نیز باید در همه اجزا و بخش‌های قوه از ستاد تا صاف، به صورت مکمل

صبح صادق گفت: «رئیس قوه قضائیه بعد از ورود خود به دستگاه قضا تلاش کرد یک ریل‌گذاری در جهت تحول قوه قضائیه انجام دهند که این مقوله، بسیار امیدبخش است.»

اعتمادبخش و اعتمادآور

«احمد امیرآبادی فراهانی» عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص سند تحول قضائی به صبح صادق گفت: «سند تحول قضائی سندی جامع و اساسی است که می‌تواند بخش‌های زیادی از اشکالات کار قضائی را رفع کند.» امیرآبادی فراهانی با بیان اینکه هر اندازه که به سمت تحول در دستگاه قضا حرکت شود و این دستگاه بیش از پیش قالب الکترونیکی به خود بگیرد، سلامت در دستگاه عدلیه دوچندان خواهد شد، گفت: «حضور زندانیان در دادگاه بسیار کاهش یافته و رسیدگی به پرونده‌ها الکترونیکی شده است که این اقدام قابل توجهی در راستای تحول قضائی کشور است.» عضو هیئت رئیسه مجلس با بیان اینکه در گام دوم انقلاب استفاده از نسل جوان در سیستم قضائی و همچنین رسیدگی به مشکلات مردم در سازمان‌های اجرایی می‌تواند اعتمادبخشی و اثربخشی زیادی داشته باشد، تصریح کرد: «سند تحول قضائی دارای نکات، برنامه‌ها، راهکارها و ایده‌های بسیار جالب و متناسب با زمان است.» وی سند تحول قضائی را یک سند اعتمادبخش و اعتمادآور دانست و تأکید کرد: «اجرای دقیق سند تحول قضائی نیازمند همکاری تنگاتنگ سه قوه با همدیگر است.»

تحول در دستگاه قضا

«ابوالفضل ابوترابی» عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس نیز با اشاره به رویکرد سند تحول قضائی، به صبح صادق گفت: «رویکرد سند تحول قضائی «چالش محور» است و «دستیابی به عدالت» و «افزایش رضایتمندی و اعتماد عمومی مردم نسبت به دستگاه قضائی و نظام» اهداف کلان آن به شمار می‌آید.» وی با بیان اینکه سند تحول قضائی، یک چارچوب کامل، هدفمند و بدیع برای تحقق تحول واقعی در دستگاه قضاست، تأکید کرد: «با توجه به اهتمام دستگاه قضا در نگارش و تدوین این سند، برای اجرای دقیق آن نیز جای امیدواری بسیار زیادی وجود دارد.» ابوترابی با بیان اینکه این سند دربردارنده شمار قابل توجهی از تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب است، خاطر نشان کرد: «دستگاه عدلیه با رونمایی از سند تحول قضائی در پی ایجاد یک انقلاب بزرگ در حوزه قضاست.»

در پایان به نظر می‌رسد با تحقق مفاد سند تحول قضائی، آرای قضائی به لحاظ شرایط قانونی در معرض افکار عمومی، متخصصان، صاحب‌نظران، نخبگان و استادان حوزه و دانشگاه قرار می‌گیرد و به این ترتیب علاوه بر تعمیق شفافیت، نقطه نظرات متخصصان نیز طمع نظر قرار خواهد گرفت و فرآیند توسعه عدالت تسریع و تسهیل می‌شود.

و هم‌افزا انجام پذیرد. اقدامات بخشی، جزیره‌ای و غیر مکمل، امید به تحول قوه قضائیه با شتاب معقول را کم‌رنگ می‌کند.

مشکل راهبردی امروز عرصه‌های مختلف جامعه فقدان یا کمبود «حرف خوب» نیست. تولید حرف‌های خوب و ایده‌های نو در ادوار مختلف مدیریتی رؤسای قوه قضائیه جاری و ساری بوده است. آنچه در مطلع گام دوم انقلاب از مدیران راهبردی متوقع است، «هنر تبدیل حرف‌های خوب به عمل صالح است» و این مهم به اعتبار «العلم سلطان» از رهگذر سلطنت علمی و جنبش نرم‌افزاری صورت می‌پذیرد. تصمیمات شتابزده، فاقد عمق‌بخشی و بدون پیامدسنجی کاربردی، مانع دستیابی به تحول مورد انتظار است.

در کنار بیم‌ها و نگرانی‌ها، با امید وافر و انگیزه‌های راسخ به مجاهدت انقلابی رئیس قوه در عبور از موانع و مشکلات در دستیابی به تحول قوه قضائیه چشم دوخته‌ایم و برای موفقیت ایشان و اعتلای نظام قضای اسلامی، دست به دعا بلند می‌کنیم.

نمایش پوچ

واکاوی تحرکات ایالات متحده در خلیج فارس



ایوب منادی

کارشناس مسائل منطقه

اعزام ناوهای هواپیمابر آمریکایی به منطقه و نزدیک شدن زیردریایی اتمی رژیم صهیونیستی به خلیج فارس، پروازهای مشکوک جنگنده‌های ارتش آمریکا در عراق، اظهارات مقامات آمریکایی و اخبار دیگری از این دست در روزهای گذشته در صدر توجه رسانه‌های داخلی و بین‌المللی قرار دارد.

پرداختن بیش از حد به اخبار فوق و بزرگنمایی آن در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های زرد مجازی موجب نگرانی افکار عمومی از ماجراجویی قریب‌الوقوع آمریکا به مواضع محور مقاومت در ایران یا سایر کشورهای منطقه شده است.

در این زمینه اگرچه هوشیاری و داشتن آمادگی نظامی و دفاعی برای دفع هرگونه ماجراجویی احتمالی ضروری است، اما به نظر می‌رسد آنچه در خصوص تحولات فوق مخابره می‌شود، بیشتر به یک فضاسازی گسترده رسانه‌ای برای ایجاد بازدارندگی در برابر گروه‌های مقاومت و جمهوری اسلامی ایران آن هم در ایام جنایت تاریخی آمریکا و شهادت شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی و هم‌راهان ایشان است.

به بیان دیگر، آمریکا می‌خواهد با جوسازی و مانور قدرت و ایجاد بازدارندگی، خود را در برابر هرگونه پاسخ احتمالی به زیاده‌خواهی آمریکا که این روزها در موضع‌گیری شخصیت‌های محور مقاومت به آن اشاره می‌شود، مصون کند.

این ترنفد در دهه‌های اخیر تحت عنوان «دیپلماسی اجبار» در سیاست خارجی آمریکا بارها مشاهده شده است و در آن دشمن به جای تهدید مستقیم نظامی، با نشان دادن جنگ و دندان خود، علاوه بر منصرف کردن حریف از هرگونه اقدام احتمالی، گزینه‌های تحمیلی خود را در مقابل او قرار می‌دهد و او را وادار می‌کند که از بین گزینه‌های مطرح به اجبار یکی

فهرست ترور صهیونیست‌ها

القدس العربی: اگر هر کشور عربی با اسلامی حتی مسیحی در آمریکای لاتین یا اروپای شرقی هم توسعه صنایع جنگی اتمی خود را آغاز کند، در معرض تحریم و ترور دانشمندان خود قرار خواهد گرفت. قدرت‌های بزرگ اجازه تکرار سناریوی پاکستان را نخواهند داد؛ از این رو عملیات ترور فخری‌زاده احتمالاً به رهبری اسرائیل و کمک لجستیکی مهم چندین کشور همسایه ایران و نیز قدرت‌های بزرگ انجام شده است؛ زیرا یک هدف مشترک یعنی ایجاد مانع در برابر ایران برای توسعه پژوهش‌های هسته‌ای را دنبال می‌کنند. این سناریو درباره عربستان یا ترکیه نیز چنانچه به خطوط قرمز در زمینه هسته‌ای نزدیک شوند، تکرار خواهد شد. فهرست ترور تنها شامل دانشمندان ایرانی نیست؛ بلکه شامل دانشمندان کشورهای عربی مانند مصر، الجزایر و مراکش نیز می‌شود؛ یعنی کسانی در زمینه هسته‌ای در دانشگاه‌های غربی تجربه کسب کرده بودند و می‌خواستند به کشورشان بازگردند، اما در شرایط مبهمی درگذشتند.

را انتخاب کند.

آنچه واضح است، این است که رفتار آمریکا در شرایط کنونی با توجه به اوضاع نابسامان داخلی و شکنندگی حضور منطقه‌ای که ناشی از فشار جبهه مقاومت برای اخراج است، متفاوت از دفعات قبلی است؛ به عبارتی جبهه ترس و هراسی که مقاومت با نبوغ و پیشرفت کمی و کیفی‌اش برای آمریکا در منطقه غرب آسیا به وجود آورده و با طرح مطالبه عمومی اخراج آمریکا از کشورهای منطقه، هژمونی چندین ساله آن را به چالش کشیده است.

پراکندگی پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و آسیب‌پذیری بالای آنها از خط آتش مقاومت، تبدیل مصوبه ضد آمریکایی مجلس عراق به یک مطالبه و کابوس پایان حضور آمریکا در منطقه، ضعف ناشی از مشکلات داخلی و اختلافات پس از انتخابات ۲۰۲۰ و آسیب‌پذیری از حملات اخیر سایبری به زیرساخت‌های مهم این کشور تنها بخشی از مشکلاتی است که توان و تمایل آمریکا را برای شروع جنگی جدید آن هم در مقابل کشوری که تاکنون بارها از معرکه جنگ و درگیری سربلند بیرون آمده است، به شدت کاهش می‌دهد و در نهایت سناریوی تکراری نمایش قدرت و ارباب حریف را به عنوان راه نجات از بحران‌های فوق برای دشمن زنده می‌کند.

همان طور که در ابتدای این نوشته تأکید شد، محور مقاومت با علم به ضعف و ترس و استیصال دشمن خود، علاوه بر هوشیاری بالا، این دو نکته را به دشمن خود گوشزد می‌کند. نخست اینکه، دوران سلطه‌گری و گردن‌کشی در منطقه به پایان رسیده است و انتقام خون فرماندهان شهید مقاومت یک تصمیم قطعی است که هیچ‌گونه چانه‌زنی و معامله‌ای بر سر آن صورت نمی‌گیرد و دوم اینکه، شروع هر اقدامی از طرف آمریکا و متحدانش که سبب بی‌ثباتی و ناامنی منطقه شود، با استناد به جمله تاریخی فرمانده کل سپاه پاسداران به پایان عمر منحوس رژیم صهیونیستی که محبوب و قبله آمریکایی‌هاست، منجر خواهد شد.

توان مقابله با ایران را نداریم!

هاآرتص: تهران ماه‌هاست که به حملات سایبری علیه اسرائیل دست می‌زند و تعداد این حملات هم روز به روز افزایش می‌یابد. دقیقاً مانند جنگ این یک تقابل آشکار است. قربانیانی که ما از آنها می‌دانیم در حقیقت فقط نوک کوه یخ هستند. اقتصاد اسرائیل جبهه اصلی این جنگ است و ما باید از آن دفاع کنیم. ایران موفق شده است به صنایع هوافضای اسرائیل و وزارت بهداشت و حمل‌ونقل نفوذ کند. ما نمی‌توانیم و نباید آنها را دست کم بگیریم. بازار اسرائیل از شهرهای کوچک گرفته تا شرکت‌های خصوصی و حتی سایت‌های زیربنایی آماده مقابله با چنین حملاتی نیستند

آمریکا دیگر به ریاض نیازی ندارد!

فارین پالیسی: لحظه بسیار مهمی در روابط عربستان و آمریکا فرا رسیده است. همواره فراز و نشیب‌هایی در روابط دو کشور وجود داشته، اما این رابطه دوام آورده و بهبود یافته است؛ چرا که هنوز عهد و پیمان اساسی بین دو طرف وجود

چرخش مجدد

چرایی نزدیکی اردوغان به رژیم صهیونیستی



علی مهردوست

کارشناس مسائل ترکیه

اردوغان در چرخشی آشکار در مواضع دولت خود از تمایل کشورش برای بهبود مناسبات با رژیم صهیونیستی خبر داده و تأکید کرده است: «روابط اطلاعاتی دو طرف طی سال‌های اخیر تداوم داشته و آرزو می‌کند که روابط به نقطه‌ای بهتر از وضعیت موجود برسد. البته سیاست رژیم صهیونیستی علیه فلسطین خط قرمز ما بوده و پذیرش آن غیر ممکن است.» این اظهارات با عنوان «چرخشی دیگر» بازتاب یافت. ترکیه که همواره یکی از منتقدان سیاست‌های تل‌آویو و رویکرد برخی کشورهای عربی برای برقراری ارتباط با این رژیم بود و حتی اصرارات را تهدید کرده بود که در صورت گشودن سفارت‌خانه خود در تل‌آویو، سفارت کشورش را در ایوطلبی تعطیل می‌کند، حالا به فکر ترمیم مناسبات سیاسی خود با رژیم صهیونیستی است. پرسش اینجاست چرا ترکیه با وجود اینکه هنوز سیاست رژیم صهیونیستی علیه فلسطین را خط قرمز خود تلقی کرده و مخالف روند عادی‌سازی کشورهای اسلامی با آن رژیم است، در این مسیر گام برمی‌دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت: ۱- با توجه به مواضع منفی بایدن علیه ترکیه و شخص اردوغان طی سال‌های اخیر، انتخاب بایدن در آمریکا گزینه مطلوب تر کها نبوده و امروز ترکیه برای رفع نگرانی از سیاست‌های منفی او، نیازمند تقویت ارتباطات خود با لابی‌های صهیونیستی و تأثیرگذاری بر بایدن است. بایدن هم روابط خوبی با جریان گولن دارد و هم بر سرنگونی اردوغان از طریق حمایت از جریان‌های مخالف در انتخابات نه از طریق کودتا تأکید کرده است. ترامپ به سبب تیپ شخصیتی و روابط شخصی که با اردوغان و پوتین داشت، همواره مخالف اعمال تحریم‌های غرب علیه آنکارا به سبب برخی سیاست‌های آن کشور از جمله خرید سامانه اس ۴۰۰ و... بود که وتوی تحریم‌های کاتسا علیه ترکیه از سوی ترامپ از

جمله آنهاست. اکنون با شکست ترامپ، ترکیه نگران تغییر احتمالی این رویکرد بوده، لذا به فکر ترمیم روابط خود با غرب از جمله رژیم صهیونیستی است. انتصاب «مراد مرجان» از افسراد نزدیک به اردوغان به‌عنوان سفیر آنکارا در واشنگتن و تلاش برای توسعه روابط سیاسی با رژیم صهیونیستی در این راستا قابل ارزیابی است. ۲- دو طرف که در جنگ اخیر قره‌باغ در جبهه ارتش آذربایجان علیه ارمنستان می‌جنگیدند، به سبب همکاری مشترک اطلاعاتی-نظامی به یکدیگر نزدیک شده و تصمیم به حل اختلافات خود کرده‌اند. شاید علت میانجیگری «الهام علی‌اف» میان ترکیه و رژیم صهیونیستی، نگرانی این کشور از شکننده بودن آتش‌بس و نیاز به حمایت آتی آنها باشد. ۳- ترکیه نگران جا ماندن از قافله برخی کشورهای عربی از جمله عربستان و امارات برای برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی بوده و احساس می‌کند همگرایی آنها با یکدیگر در صورت تداوم روابط سرد میان آنکارا و تل‌آویو می‌تواند علیه منافع این کشور صورت گیرد. ۴- نیاز ترکیه به مدیریت پرورنده مدیترانه از دیگر دلایل این کشور برای بازسازی روابط با رژیم صهیونیستی است. دو هفته پیش «جی‌هاث یایجی» ژنرال نیروی دریایی ترکیه که به «مغر متفکر مدیترانه» این کشور معروف است، در مقاله‌ای در روزنامه «هاآرتص» لازمه حل مشکلات ترکیه در مدیترانه را ترمیم روابط با رژیم صهیونیستی و لزوم همکاری آن دو با یکدیگر خطاب کرد که مورد استقبال صهیونیست‌ها واقع شد.

پرواضح است که بنابه‌هر دلیلی ترکیه به سمت رژیم صهیونیستی گرایش پیدا کرده باشد، این سیاست نه تنها بر مناسبات جریان‌های اسلام‌گرای داخلی و خارجی با ترکیه تأثیر منفی خواهد گذاشت، بلکه ارزش و جایگاه اردوغان را که غاصبان قدس شریف را ظالم و خود را مدافع مردم فلسطین می‌داند، نزد افکار عمومی خدشه‌دار می‌کند؛ زیرا از منظر اسلام‌گرایان، اردوغان به هیچ‌یک از خواسته‌های خود نرسید.

جهان

شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

ابعاد نرم‌افزاری انتقام سخت

حمید خوش‌آیند

کارشناس بین‌الملل

چنانکه امام خامنه‌ای فرمودند، حق جمهوری اسلامی ایران برای انتقام از قاتلان سردار سلیمانی محفوظ بوده و حتماً و قطعاً و در زمان و مکان مناسب که جمهوری اسلامی ایران مختصات آن را تعیین می‌کند، گرفته خواهد شد. موشک‌باران پایگاه عین‌الاسد، اگرچه ضربه سخت، منحصربه‌فرد و بی‌سابقه به آمریکاد در تاریخ روابط بین‌الملل بود، اما هرگز به معنای انتقام قطعی وعده داده شده نیست. درباره انتقام سخت خون حاج قاسم که یک مطالبه ملی و منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است و بسیاری از ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان از اقصی نقاط جهان، کماکان منتظر انتقام سخت‌از دولت باغی آمریکا هستند. در این باره دو نکته را باید مورد توجه قرار داد:

۱- انتقام لزوماً نباید با استفاده از ابزارهای سخت انجام شود. اینکه تصور شود ایران برای انتقام سخت وارد یک جنگ تمام‌عیار با آمریکایی‌ها خواهد شد، ارزیابی درستی نیست و اصلاً جمهوری اسلامی نیز انتقام سخت خون حاج قاسم را در این چارچوب هدفگذاری نکرده است. در اینجا منظور از «سخت» بودن انتقام به این معناست که این انتقام در هر سطحی و با استفاده از هر ابزاری که قرار است صورت بگیرد، باید به برآیندهای مطلوب مورد نظر ایران که دربردارنده دستاوردهای بزرگ و بلندمدت است، برسد.

۲- ابعاد نرم‌افزاری، مهم‌ترین ویژگی انتقام سخت است که رهبر معظم انقلاب نیز به تازگی و در دیدار با خانواده سردار سلیمانی و اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد شهدای مقاومت بر آن تأکید کردند. اخراج آمریکا نه تنها از عراق، بلکه از منطقه غرب‌آسیا، مرکز ثقل انتقام سخت نرم‌افزاری است؛ کم‌اینکه در طول یک سال گذشته نیز در مسیر نیل به این هدف اتفاقات بزرگی در منطقه و در جهت تضعیف حضور و نفوذ ایالات متحده افتاده است که نباید آن را نادیده گرفت. اینکه موشک‌باران پایگاه عین‌الاسد بدون پاسخ می‌ماند در حالی که بعد از جنگ جهانی دوم هیچ کشوری در دنیا به صورت رسمی جرئت شلیک یک تیر به سمت مراکز و مواضع آمریکا را نداشته است، حکایت از این دارد که ایران به سطوحی از قدرت و اثرگذاری رسیده است که می‌تواند در چارچوب آن با تلفیق قدرت سخت و نرم خود، در هیمنه دشمنی در سطح آمریکا شکاف ایجاد کرده و قدرت اقدام متقابل را از او بگیرد. موشک‌باران عین‌الاسد اگرچه یک اقدام سخت‌افزاری بود، اما پیامدهای بعدی و مستمر آن که از منظری خاص باعث پرهزینه شدن حضور آمریکا در عراق و منطقه شده و این موضوع از طریق شکستن هیمنه آمریکا به یک گره کور و کلاف سردرگم در سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است، موضوعی نیست که بتوان آن را دست‌کم گرفت؛ این در حقیقت یکی از ابعاد نرم‌افزاری انتقام سخت است که همچنان تداوم خواهد داشت. علاوه بر این، در چارچوب قانون مجازات اسلامی و مقررات کیفری و حقوق بین‌الملل عاملان و آمران ترور حاج قاسم که اقدامشان مصداق بارز جنایت جنگی است نمی‌توانند از محکمه عدل فرار کنند و دیر یا زود به سزای اعمال‌شان خواهند رسید.

رصد

تل آویو در مقابل ایران ناتوان است!

پیکربندی جدید

میدل‌ایست‌آی: منطقه خاور میانه یک پیکربندی ژئوپلیتیکی جدید را تجربه می‌کند که در آن تعامل بین سه حوزه نفوذ شمالی در دست ترکیه، مرکزی در دست ایران و جنوبی در دست اسرائیل و عرب خطوط جدید گسل منطقه‌ای را شکل می‌دهد.



پایان صبر استراتژیک تهران

المیادین: پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۱ اسرائیل (رژیم صهیونیستی) به حملات خود در سوریه ادامه داده و سیاست قبلی خود را کنار نگذارد. در این شرایط احتمال وقوع درگیری بین اسرائیل و ایران مطرح می‌شود، چرا که اسرائیل به خروج ایران از سوریه تمایل دارد و در مقابل، تهران در جبهه نبرد با اسرائیل از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و چه بسا به دنبال افزایش حملات صهیونیست‌ها به سوریه، تهران هم سیاست صبر استراتژیک خود را کنار بگذارد.

یادداشت

نورم محصول
هدایت نشدن نقدینگی

حجت الله عبدالملکی
عضو هیئت علمی
دانشگاه امام صادق(ع)

طبق آمارهای که بانک مرکزی اعلام کرده است، میزان نقدینگی در پایان بهار ۱۳۹۹ از عدد ۲ هزار و ۶۵۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته است؛ براساس این گزارش، در سه ماهه نخست امسال ۸.۸ درصد میزان نقدینگی کشور بیشتر شده که اگر نقدینگی با همین روند پیش برود، می‌توان گفت میزان نقدینگی کشور در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ افزایش پیدا می‌کند. این یعنی مادر در اواخر سال جاری به سمت نقدینگی حدود سه هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رویم. طبیعتاً این نقدینگی می‌تواند اثرات بسیار متناقض و متفاوتی برای اقتصاد ایران داشته باشد؛ اگر این نقدینگی به سمت تولید نرفته و وارد بازارهای سوداگرانه شود، در هر صورت سبب تورم می‌شود. اثرات تورمی که امروز یا در چند ماه آینده خودش را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم پایان سال ۱۳۹۸ را با سال ۱۳۹۲ مقایسه کنیم حجم نقدینگی در طول دولت آقای روحانی چهار و نیم تا پنج برابر شده است؛ در حالی که طی این سال‌ها نرخ رشد اقتصادی کشور به طور متوسط منهای نفت، از یک درصد بیشتر نبوده، یعنی نقدینگی چهار تا پنج برابر می‌شود؛ اما تولید واقعی افزایش پیدا نمی‌کند که به طور خودکار این مسئله منجر به تورم می‌شود. حالا این تورم به دو شکل ایجاد می‌شود: اگر این نقدینگی به صورت غیر متوازن توزیع شود؛ یعنی بخش عمده آن به جیب افراد معدودی از جامعه برود آنها تقاضای خود را برای کالاها سرمایه‌ای مثل ملک و ارز و طلا افزایش می‌دهند که آن وقت یک تورم بالقایی شکل می‌گیرد. در واقع وقتی قیمت کالاهایی چون طلا، دلار یا ملک بالا می‌رود این تورم به همه کالاها القا می‌شود و بعد همه اجناس، افزایش قیمت خواهند داشت؛ به گونه‌ای که قیمت مواد خوراکی و لوازم خانگی و بقیه کالاها نیز بالا می‌رود. در هر صورت این افزایش نقدینگی اگر در رشد تولید تخلیه نشده و منجر به افزایش تولید نشود، قطعاً در رشد قیمت‌ها تخلیه شده و به تورم می‌انجامد کمالاتی که گرانی‌هایی که در سال‌های اخیر داشته‌ایم، بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها به همین دلیل بوده است.

نرخ ارز از سال ۱۳۹۶ روی یک آسانسور صعود قرار گرفته و همین‌طور در حال بالا رفتن است؛ به گونه‌ای که در ماه‌های اخیر نیز دوباره یک افزایش نسبتاً جدیدی داشته و اگر بخواهیم تحلیلی از دوره بعد از برجام که مقداری ارز در اختیار دولت قرار گرفت، طبق آمارهایی که بعضاً خود مسئولان دولتی ارائه می‌کنند بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ بانک مرکزی ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار ارز مداخله‌ای در بازار تزریق کرد تا قیمت ارز را متعادل نگه دارد که این عدد نسبتاً بزرگی است. بعدها نیز که اتفاقاتی مانند خروج آمریکا از برجام رخ داد و دسترسی دولت به ارز، محدودتر شد دیگر نتوانست چنین پیمیزی در بازار ارز انجام دهد. بنابراین از طرفی ما بارکسود در حوزه تولید و صادرات مواجه بودیم. طبیعتاً اگر شما نتوانید از طریق صادرات نفت، ارز را تأمین کنید؛ این کار باید از طریق صادرات غیرنفتی انجام شود که این اتفاق نیز در حدی که مورد انتظار بود رخ نداد؛ یعنی حمایت‌های لازم از تولید و صادرات انجام نشد.

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

عمده مشکلات و چالش‌های احتمالی
در لایحه بودجه ۱۴۰۰ چیست؟

یکی از چالش‌هایی که در لایحه بودجه ۱۴۰۰ وجود دارد، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی است. در حالی که این سهم در سال ۱۴۰۰ باید به ۳۸ درصد می‌رسید؛ اما به ۲۰ درصد تقلیل پیدا کرده و دولت از تخصیص ۱۸ درصد از این درآمدها که باید به صندوق توسعه می‌رفت، سر باز زده و به اصطلاح از صندوق استقراض کرده است. از این رو با این‌گونه بودجه‌ریزی‌ها، انتظاری که از صندوق توسعه داشتیم تا به یک لوکوموتیو در اقتصاد کشور تبدیل شود، محقق نشده و صندوق توسعه نمی‌تواند نقش خودش را ایفا کند. موضوع دیگر مسئله اوراق سلف نفتی است که در لایحه بودجه ۱۴۰۰ برای پیش‌فروش نفت دیده شده و به این معناست که منابعی در بودجه ۱۴۰۰ دیده شده که اگر محقق شود مشکلات خودش را داشته و اگر محقق نشود اتکای به این درآمدها در بودجه، مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. اگر شما به امید اینکه در آینده پولدار شوید، قرض کنید تا فعلاً مصرف کنید؛ اگر آن آینده پیش نیاید این بدهی‌ها به دولت و سال‌های بعدی منتقل می‌شود. در حوزه ارز نیز بحث نرخ تسعیر ارز و اینکه این نرخ در بودجه باید چه مبلغی باشد، از جمله چالش‌هایی است که به لحاظ ارزی در بودجه ۱۴۰۰ وجود دارد. موضوع دیگر ۳۰ میلیارد دلار فاباننسی است که در محل مصرف آن مصارف پزشکی، دانشگاهی و کشاورزی دیده شده است، یعنی قرار نیست منابع ارزی کشور در سال آینده سرمایه‌گذاری شوند تا دوباره به چرخه اقتصادی بازگردد، پس مشخص است که این ۳۰ میلیارد دلار فاباننس باید از محل فروش نفت یا درآمدهای دیگر ارزی دولت جبران نشود که امکان تحقق آن با توجه به وضعیت موجود خیلی سخت است. با جمع‌بندی آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد لایحه بودجه از بابت مباحث ارزی استحکام کافی ندارد. این موضوع در سال آینده یا موجب گران شدن ارز و در پی آن گرانی کالاها خواهد شد یا ممکن است با قید و بندهایی که در مصرف ارز می‌گذاریم، کشور دچار کمبود کالا شود که این موضوع نیز می‌تواند سبب افزایش قیمت کالاها شود. پس باید رابطه بخش ارزی بودجه با نیازها و مصارف ارزی کشور مشخص شود تا بتوانیم نرخ ارز را پیش‌بینی کنیم. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که دولت و مجلس ممکن است عده‌هایی را در بودجه تحت عنوان منابع و مصارف بودجه پیش‌بینی کنند که گاهی اوقات درآمدهای پیش‌بینی شده محقق نشود؛ اما هزینه‌ها نه تنها به میزان پیش‌بینی شده، بلکه خیلی بیشتر از آن ایجاد شوند. در این مواقع ممکن است دولت‌ها از طریق شیوه‌های مختلفی چون استقراض، چاپ پول

دکتر مهدی غضنفری وزیر اسبق صمت در گفت‌وگو با صبح صادق

اقتصاد قوی دولت مقتدر می‌خواهد

موضوع لایحه بودجه ۱۴۰۰، پیش‌بینی‌های دولت از منابع درآمدی، افزایش بودجه جاری و چالش‌های احتمالی بودجه از جمله سؤالاتی بود که هفته‌نامه صبح صادق در گفت‌وگو با دکتر مهدی غضنفری، وزیر اسبق صمت آنها را بررسی کرده است. متن کامل این گفت‌وگو از نظرثان می‌گذرد.

است که آیا وزارتخانه‌های تولیدی ما موفق می‌شوند در مقوله تولید نشاط و تحرک ایجاد کنند؟ آیا موفق می‌شوند در کسب و کار رونق ایجاد کنند یا مجوزها و امضاهای طلایی و فسادزا را حذف کنند؟ اگر این اتفاق‌ها نیفتد، طبیعتاً درآمدی که می‌خواهیم از آن مالیات بگیریم نیز محقق نشده و به تبع آن درآمدهای مالیاتی نیز محقق نخواهد شد. در چنین شرایطی ریسک درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد.

به نظرثان دلیل اصلی افزایش بودجه عمومی چیست؟

یک مقداری حقوق و دستمزد و یک مقداری یارانه‌های پرداختی افزایش پیدا کرده‌اند. بخشی از گیرندگان این افزایش هم طبقه ضعیف جامعه هستند تا بتوانند در این شرایط کرونایی به زندگی‌شان ادامه دهند؛ یعنی برخی از این افزایش‌ها ضروری است؛ اما خلأهایی وجود دارد که مجلس باید آنها را بررسی کند. مجلس باید بررسی کند افزایش ۴۷ درصدی بودجه عمومی به چه بخش‌هایی رفته است. مادر بودجه چیزی تحت عنوان هرز رفتن بودجه داریم. وقتی وضعیت اقتصادی شما خوب است ممکن است در روز تولد فرزندان هدیه‌های خوب و زیادی برای فرزندان بخرید؛ اما وقتی اوضاع اقتصادی خوب نیست، طبیعتاً شما باید متناسب با شرایط اقتصادی‌تان جشن تولدتان را محدودتر برگزار کنید. برخی از ردیف‌های بودجه‌ای برای سال‌هایی است که دولت‌ها پردرآمد بودند و هزینه‌های تشریفاتی آنها خیلی زیاد بوده است، ردیف‌هایی که در شرایط فعلی می‌توانند حذف شوند.

نظرثان درباره پیش‌بینی فروش نفت و درآمدهای نفتی در سال آینده چیست؟

دولت‌های جمهوری اسلامی ایران باید توانایی فروش نفت را داشته باشند. نخواستن یا نتوانستن فرق دارد. اینکه نتوانیم نفت بفروشیم با اینکه نخواهیم نفت بفروشیم، متفاوت است. متأسفانه در وضعیت فعلی ما نمی‌توانیم نفت بفروشیم که این خیلی بد است. کشور در چنین شرایطی به یک دولت قلدر نیاز دارد تا بتواند نفت خود را به طرق مختلف بفروشد و درآمدهای ارزی کسب کند. حالا این را که این درآمدهای ارزی وارد بودجه شوند یا به صندوق توسعه ملی واریز شود، قانون مشخص کرده است. اما چیزی که دولت در بودجه ۱۴۰۰ به مردم وعده داده، این است که با بودجه ۱۴۰۰ درآمدهای کشور درون‌زا شده و بخش غیر دولتی در اقتصاد تقویت می‌شود. ضمن اینکه حمایت‌های معیشتی دنبال شده و اشتغال خرد و متوسط نیز گسترش می‌یابد، اینها اگر چه شعارهای دهن‌پرکنی است؛ اما هیچ علامتی از تحقق آنها در بودجه سال ۱۴۰۰ دیده نمی‌شود.



مطمئن نباشند، به نوعی کلاه گذاشتن سر مردم است. در واقع مردم اعدادی را می‌بینند که به درآمدها و دریافتی آنها اضافه شده، اما در زندگی شخصی‌شان احساس رشد و بهبود نمی‌کنند بلکه احساس می‌کنند نسبت به تورم عقب مانده‌اند. به همین دلیل می‌گوییم اگر نقاط ریسک منابع درآمدی، در مجلس تجزیه و تحلیل نشود و ریسک محقق نشدن‌شان بالای ۵۰ درصد باشد، عملاً این بودجه ممکن است منجر به فقیرتر شدن مردم شود.

به نظرثان این اتفاق خواهد افتاد؟

وقتی درباره درآمدهای مالیاتی می‌گوییم قرار است این درآمدها حدود ۲۹ درصد افزایش داشته باشد، باید ببینیم چه پیوستی برای تحقق این موضوع وجود دارد؟ آیا قرار است فضای کسب و کار پر شور و نشاط شود؟ قرار است چقدر تسهیلات بانکی به سمت تولیدکنندگان و چقدر ارز رسانی به خرید و واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای صورت گیرد؟ در واقع، بودجه چیزی جز یک مشت عدد و رقم نیست. حتماً باید یک سری فعالیت‌ها و تکاپوهای اقتصادی در بازار سرمایه، عملکرد بانک‌ها و مباحث مربوط به تولید صورت گیرد تا بتوان این ریسک‌ها را کاهش داد. پس کاهش ریسک به این معنا نیست که بتوانیم روی اعداد قسم بخوریم که حتماً محقق می‌شوند؛ بلکه به این معناست که باید پیوست فعالیت‌هایی بر اساس اقتصاد مقاومتی در کنار این بودجه وجود داشته باشد تا اقتصاد در مسیر رشد حرکت کند. اگر اقتصاد در مسیر رشد حرکت نکند، اعداد موجود در بودجه نمی‌توانند تضمین کنند درآمدهای مالیاتی حتماً محقق خواهند شد. تکرار و تأکید من این است که ما با یک سیستم پیوسته و در هم تنیده مواجه هستیم. بودجه فقط یک تصویر عددی از این سیستم است، مسئله مهم این

و... ریال مورد نیاز خودشان را تأمین کنند. در واقع، اگر درآمدها استحکام کافی نداشته و اطمینان کافی از تحقق آنها نداشته باشیم اما به هزینه‌ها دامن بزنیم، بدون شک مشکلاتی پیش می‌آید. اگر درآمدهای پیش‌بینی شده برای هزینه‌هایی همچون دو برابر شدن بودجه سلامت، ۲۲ هزار میلیارد تومان یارانه نان و گندم، ۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه معیشتی، ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه‌های نقدی و غیر نقدی و... محقق نشود، این منابع باید از جاهای دیگری تأمین شوند که یکی از این راه‌ها ممکن است از طریق استقراض از نسل‌های بعدی و بدهکار کردن آنها باشد. اتفاقی که در چنین شرایطی رخ می‌دهد، این است که شما از جیب مردم ۱۰۰ واحد پول درآورده، اما ۵۰ واحد آن را تحت عنوان افزایش حقوق یا یارانه به مردم می‌دهید. قاعده‌تاً انتظار دارید که مردم خوشحال شوند چون یارانه و حقوق بیشتری نسبت به سال گذشته می‌گیرند، اما چون شما به ازای ۵۰ واحدی که به مردم داده‌اید ۱۰۰ واحد از جیب آنها برداشته‌اید، باز هم نمی‌توانند خرید سال گذشته را انجام دهند. بنابراین اگر منابع درآمدی بودجه مطمئن نباشد هر چه از این یارانه‌ها به مردم پرداخت شود، مانند این است که این پول از جیب خود مردم داده می‌شود، آن هم با درصدی که اتفاقاً قدرت خرید آنها را بیشتر تضعیف می‌کند.

در واقع اگر منابع بودجه‌ای کشور محقق نشود افزایش دستمزد یا میزان یارانه‌ها... نه تنها شرایط معیشتی مردم را بهتر نمی‌کند، بلکه موجب کاهش قدرت خرید مردم می‌شود؟

بله، همین‌طور است. باید بدانیم افزایش یارانه در بودجه با اینکه ظاهراً حمایت از اقشار ضعیف و عموم مردم است اما اگر منابع درآمدی آن منابع

شاخص

ضربه سنگین کرونا

به گزارش «راشائوتدی»، بانک کردیت سونیس اعلام کرد: «اگرچه شرکت‌های هندی توانسته‌اند بخشی از آسیب اقتصادی ناشی از شیوع کرونا را مدیریت کنند؛ اما شیوع این ویروس آسیب جدی به اقشار فقیر این کشور وارد کرده است.» این بانک پیش‌بینی کرده بود شیوع کرونا ۲۷۰ میلیارد به اقتصاد هند آسیب خواهد زد؛ اما حالا مدعی شده است بخشی از این آسیب آن گونه که انتظار می‌رفت تداوم نداشته و خسارت وارد شده به اقتصاد هند بسیار کمتر بوده است. «میشرا» کارشناس بانک کردیت سونیس می‌گوید: «پیش‌بینی‌ها حاکی از ضربه ۲۰۰ میلیارد دلاری به اقتصاد هند است.»



منهای نفت

بودجه عمرانی

یکی از راه‌های تحقق ایران بدون نفت ایجاد پل میان درآمدهای نفتی و بودجه‌های عمرانی است؛ به گونه‌ای که درآمدهای نفتی هر چقدر بیشتر شود، این منابع به سمت بودجه‌های عمرانی سوق یابد. در چنین حالتی افزایش درآمدهای نفتی نه تنها موجب افزایش هزینه‌ها و مخارج جاری نمی‌شود؛ بلکه به واسطه افزایش بودجه‌های عمرانی موجب رشد اقتصادی کشور خواهد شد. از این رو تقویت این تفکر که باید درآمدهای نفتی بعد از واریز سهم مشخصی به صندوق توسعه ملی تماماً صرف بودجه‌های عمرانی شود، می‌تواند در میان‌مدت اقتصاد و بودجه کشور را از درآمدهای نفتی بی‌نیاز کند.



افزوده

کسری تراز عملیاتی

تا زمانی که هزینه‌ها و منابع دولت متعادل نشوند، موتور تورم روشن باقی خواهد ماند. البته کسری تراز عملیاتی لزوماً به معنای کسری بودجه نیست، زیرا درآمدهای نفتی و انتشار اوراق مالی، سبب تراز شدن بودجه می‌شود؛ اما به هر میزان درآمدهای نفتی کاهش پیدا کند، دولت نیاز دارد تا اوراق مالی بیشتری منتشر کند. از طرفی بودجه براساس سه تراز عملیاتی، سرمایه‌ای و مالی بسته می‌شود. در تراز عملیاتی تفاوت بین درآمدها را در نظر می‌گیرند. ۹۵ درصد این درآمدها را مالیات و ۵ درصد آن را سایر درآمدها تشکیل می‌دهد. به تفاوت درآمدها و اعتبارات هزینه‌ای، «تراز عملیاتی» می‌گوییم.



سبک زندگی فاطمی

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسم مقبمی**

محبوب خود در این دنیا یاد می‌کند... نکاتی که از سیره عبادی حضرت نقل شد، خود، یک الگو و سبک زندگی است که بیان می‌دارد در کنار انجام وظایف خانه و مسئولیت و مشغله‌های زندگی، چه مقدار باید روزانه به عبادت پرداخت... در بحث همسررداری و احترام به همسر، در سیره حضرت می‌بینیم که ایشان گشاده‌رویی را دروازه ورود به بهشت برای مؤمن ذکر می‌کند و در رفتار با همسرشان نیز به سخن خود عمل می‌کند. در محضر پدرش، با ابراز محبت به حضرت امیر(ع) او را با احترام یاد می‌کند و بهترین یاور و بهترین همسر معرفی می‌کند.

حضرت به اقتضای شرایط آن روز جامعه و نیز موقعیت خود، از زیورآلات گران‌قیمت استفاده نمی‌کردند؛ اما حداقل آراستگی را که برای زن در خانه لازم است، رعایت می‌کردند؛ مانند استفاده از عطر؛ گفتنی است که اطاعت صدیقه طاهره از امیرمؤمنان و همراهی با ایشان، الزاماً از آن باب نبود که همسرش، امام بود و علم غیب داشت؛

بلکه قبول این زندگی دو طرفه و مدیریت زندگی از جانب حضرت امیر بسوده که این همراهی را ایجاد می‌کند. با مرور زندگی حضرت در می‌یابیم که ایشان در نبود حضرت امیر، همواره در مسائل اقتصادی به حداقل‌ها اکتفا می‌کردند. در بحث تربیت فرزند نیز حضرت چند نکته را هنگام انتخاب همسر به عنوان مقدمه این بحث رعایت کرد؛ چرا که در روایت داریم برای فرزندان و نسل آینده‌تان، شخص مناسب را به همسری انتخاب کنید. در روایات بیش از مسائل ظاهری و مادی در انتخاب همسر، بر اخلاق و معنویت و ایمان و طهارت و پاکی نسل زن و مرد تأکید شده است.

در سیره و فرهنگی و سیاسی حضرت داریم که آن خطبه‌های معروف فدکیه را در مسجد خواندند... به این ترتیب، حضرت

زمانی که وظیفه ایجاب می‌کرد، پره‌نشین نبود و با حفظ حریم و رعایت شرایط، به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت.



یک عمر تلاش برای یک لحظه

دارد. عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ يَتَصَبَّرُكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَتَخَذْكُمْ قَمَرٌ ذَا الَّذِي يَنْصَرُّكُمْ مِنْ بَلَدِهِ» پرسیدیم. ایشان فرمود که: «هر وقت بنده‌ای اوامر و فرامین الهی را انجام داده و اطاعت نماید، آن کار او مطابق فرمان خداوند متعال است و در این صورت است که چنین بنده‌ای «موفق» (توفیق یافته) نامیده می‌شود و هر زمانی که چنین بنده‌ای بخواهد معصیت و گناهی مرتکب شود، پروردگار متعال میان او و آن معصیت‌ها مانعی ایجاد کرده و آن بنده نیز مرتکب گناه نمی‌شود و آن را ترک می‌کند و بنده با توفیق الهی موفق به ترک گناه می‌گردد و هر وقتی که خداوند میان بنده و انجام معاصی مانعی ایجاد نکند و بنده را به حال خود واگذارد تا آن را مرتکب گردد، در این صورت خداوند وی را یاری نکرده و او را نصرت نداده و توفیق را نیز نصیب او نگردانیده است.» (البرهان، ج ۲، ص ۸۰۸)

در توفیقات خاص آنچه بیشتر اهمیت دارد، نیت قلبی انسان‌هاست. شاید انسان‌هایی باشند که در صحنه‌ای قرار بگیرند و ریاکارانه رفتاری را انجام بدهند، اما خداوند از نیت آنها خبر دارد و توفیق رشد را به آنها نمی‌دهد. در سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۰ آمده است: «اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نخواهد

کرد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان باید، تنها بر خداوند توکل کنند.» این توفیق از جانب خداوند باید در تمام لحظات زندگی وجود داشته باشد و نمی‌شود انسان لحظه‌ای بدون یاری خداوند زندگی کند؛ اما توفیقات خاص که نصیب بندگان پارسا و نیکوکار می‌شود، در زندگی شاید یک یا چندبار اتفاق بیفتد. برخی بندگان خدا در طول زندگی خود روندی را پیش می‌گیرند که به توفیقی عالی منتهی شود. اگر چه آنها مدام در حال کمک گرفتن از خدا هستند، اما هدفی بزرگ نیز در سر دارند که برای رسیدن به آن مدام در حال تلاش هستند. توفیقات خاص زمینه‌هایی هم دارد، از جمله زمینه‌هایی که باید فراهم شود، عبارتند از: «توبه، توکل، دعا، عبادت، قصد اصلاح، هجرت و...» که خداوند پس از هر یک از این اعمال وعده‌هایی به بندگان داده است؛ یعنی این رفتارها مقدمه یک توفیق خاص می‌شوند. یکی از این اعمال «جهاد» است. خداوند در آیات متعددی از قرآن در مورد جهاد گفته است و آن را مخصوص بهترین بندگان می‌داند. با بررسی این‌ آیه، می‌بینیم خداوند به جهادگران وعده‌ای داده و فرموده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ آنان که در (راه) ما تَحْتَ رَايَةٍ وَلِيَكِ الْمَهْدَى(عج)» باشد.

آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است. این معرفت چیست که خداوند وعده آن را داده است؟ «سُبُلَنَا» یعنی راه‌های منتهی به خودمان. یعنی راه‌های حرکت و سیر به سوی خدا و وصول به رضایت خدا؛ هر کسی این وصول و رسیدن به رضایت خدا را طوری خاص معنا می‌کند، اما هنگامی که به روایات اهل بیت(ع) مراجعه می‌کنیم می‌بینیم، تنها راه رسیدن به وصال خداوند «شهادت» است. امام جعفر صادق(ع) می‌فرمایند: «تنها با شهادت و ریختن خون بنده است که او به وصال (معبود و) محبوب خود خواهد رسید.» (مستدرک، ج ۱۱، ص ۱۴) شهادت بالاترین سعادت و عمل نیک است. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «هر عمل نیکی، عملی نیکوتر از خود دارد، مگر شهادت در راه خدا که نیکوتر عملی از آن وجود ندارد.» (خصال، ج ۱، ص ۸) آنان که به فیض شهادت نائل می‌شوند، تمام عمر خود در حال تلاش برای رسیدن به توفیق شهادت هستند؛ چه آنکه در روایات دستور به طلب هر روزه آن شده است. حضرت علی(ع) در جنگ صفین مداوم دعا می‌کرد: «خدایا به ما توفیق شهادت را عطا کن» (نهج‌البلاغه، ص ۳۲۶) و دعای هر روز ما باید «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الشَّهَادَةِ فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةٍ وَلِيَكِ الْمَهْدَى(عج)» باشد.

سید حسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

همه انسان‌ها رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت را از خداوند طلب می‌کنند و فقط او را در رسیدن به نیت‌های پاک‌شان کمک و پشتیبان خود می‌بینند. این درخواست را طلب «توفیق» می‌نامیم، یعنی خداوند رسیدن به مراتبی از کمالات معنوی را برای ما میسر و آسان کند. در قرآن کریم و در روایات اسباب توفیق و عدم توفیق بیان شده است که همه آنها را می‌توانیم در اطاعت و عدم اطاعت خدا جمع کنیم. اما اهل لغت توفیق را به معنای (موافق گردانیدن اسباب) می‌دانند و در اصطلاح توفیق، یعنی اینکه خداوند مقدمات وصول به مقصود را برای بنده‌اش فراهم کند و سلب توفیق از میان رفتن این اسباب است. آسان شدن به اراده خدا «فَسَيُسِّرُ لِلْيُسْرَى» و سخت شدن رسیدن به آن «فَسَيُسِّرُ لِلْعُسْرَى» است؛ توفیق مانند بسیاری از آداب دینی مراتبی دارد و به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شود. در تمام رفتارهای مثبتی که انسان در طول عمر خود انجام می‌دهد، یک توفیق عمومی از جانب خداوند وجود دارد، اما برای برخی اعمال باید مقدماتی را رعایت کنیم تا خداوند رسیدن به آن را برای ما آسان بگرداند. قسمت دوم توفیقات خاص یا اختصاصی نام

سلوک

واردات و صادرات!

علامه حسن‌زاده‌املی(حفظه‌الله): انسان دو دهان دارد؛ یکی گوش که دهان روح اوست و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترمند. انسان باید خیلی مواظب آنها باشد؛ یعنی باید صادرات و واردات این دهان‌ها را خیلی مراقب باشد. آنهایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه‌کار شده و کسانی که هرزه‌شنو می‌شوند، هرزه‌گو می‌شوند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد شد.

منبع: کتاب کنه‌های اخلاقی و عرفانی از زندگی علامه حسن‌زاده



احکام مربوط به تحلیل سیاسی برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی براساس فتاوی رهبر معظم انقلاب

راهنا

تمدن حیوانی غرب

حجت‌الاسلام دکتر رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا گفت: خداوند به انسان کرامت بخشیده و مهم‌ترین سرمایه او در این عالم کرامتش می‌باشد. کرامت انسان یعنی پررنگ شدن مرز انسان و حیوان و بروز و ظهور ظرفیت‌های اختصاصی انسان که جز با مهار گرایش‌های حیوانی و تغیر نگاه انسانی از زمین به طرف آسمان محقق نمی‌شود. اگر به وضع انسان امروز نگاهی بیندازیم، تمدن غرب با توسعه بُعد حیوانی انسان و مسخ انسانیت، دیگر کرامتی برای انسان باقی نگذاشته است.



دین

شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹

صداق

آیه

رفتار پیامبر اسلام(ص) با منافقان

عبدالرضا سمیعی

کارشناس علوم اسلامی

«اخلاق» جمع «خُلُق» است و در لغت خُلُق و خُلُق از یک ریشه؛ یعنی (خ ل ق) هستند. «خُلُق» به شکل ظاهری انسان نظر دارد و «خُلُق» به شکل باطنی و نفسانی. اینکه پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «به‌درستی که برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام»؛ (کنز العمال، ج ۳، ص ۱۶) اشاره به این نکته دارد که اسلام می‌خواهد هم ظاهر افراد را بسازد و هم باطن انسان‌ها را، اما برای مسلمان دانستن یک انسان باید به ظاهر و ادعای او اکتفا کرد و اینکه آیا در دل ایمان آورده است یا نه، وظیفه ما نیست. زمانی که رسول خدا(ص) از جنگ خیبر برگشتند، اسامه بن زید را به همراه سپاهی به سمت بعضی از سرزمین‌های یهود در منطقه فدک فرستادند تا آنان را به اسلام دعوت کنند. فردی از یهودیان در یکی از آن مناطق بود که «مرداس» نام داشت؛ هنگامی که از سپاه رسول خدا(ص) باخبر شد، خانواده و مال و ثروتش را برداشت و به دامنه کوه رفت. پس از گذشت مدتی جلو آمد و گفت: «شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد(ص) رسول و فرستاده اوست.» اسامه بن زید به شهادتیش توجه نکرد و با نیزه‌ای او را کشت. هنگامی که رسول خدا(ص) باخبر شد، فرمود: «او مردی را کشتی که به یگانگی خداوند و نبوّت من شهادت داده بود.» اسامه گفت: «ای رسول خدا(ص) او فقط به خاطر حفظ جان خود، شهادتین گفت.» رسول خدا(ص) فرمود: «تو پرده از قلب او برداشتی و آنچه بر زبان جاری کرده بود، نپذیرفتی و از آنچه که در دل داشت هم آگاه نبودی.» آنگاه آیه ۹۴ سوره نساء نازل شد که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا [و برای جهاد] سفر می‌کنید، تحقیق کنید و به‌خاطر اینکه متاع ناپایدار دنیا [و غنایمی] به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند، نگویید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمت‌های فراوانی [برای شما] نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید و خداوند بر شما مِتّ نهاد [و هدایت شدید]. پس، [به‌شکرانه این نعمت بزرگ] تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» البته اشاره آیه به این هم هست که به‌خاطر مصادره اموال مرداس او را کشتند. خداوند در این آیه و آیات دیگر مانند آیه ۱۱ سوره حجرات، انسان‌ها را از قضاوت کردن و کاوش کردن در مورد ایمان و نیت قلبی‌شان در هر چیزی منع کرده است. خصوصاً اینکه کسی به دلایل مادی و دنیایی این‌کار را انجام دهد. از آن طرف تا انسانی خطا و حتی کفرش را آشکارا به زبان نیاورده، کسی نمی‌تواند او را متهم یا مجازات کند. حتی اگر احتمال بدهیم او منافق است، یعنی در دل کفر دارد و بر زبان خود را مسلمان می‌داند. پس تا وقتی که فردی آشکارا کفر خود را اظهار نکرده یا عملی که نشان کفرش باشد، انجام نداده است نمی‌توانیم او را کافر بنامیم. در قرآن آمده که فقط خداوند از دل منافقان خبر دارد(منافقون/ ۱) دلیل اینکه پیامبر اسلام(ص) با منافقان برخورد نمی‌کردند همین عدم اطلاع و شناخت مردم بود، اگر ایشان منافقان را رسوا می‌کردند، آنها ریشه اسلام را با تکذیب و انکارشان می‌سوزاندند؛ به همین دلیل تجسس هم حرام شده تا اختلافات ریشه‌دار به‌وجود نیاید.

یادداشت

مظنه اجاره‌خانه
در سوریه!

زینب گل محمدی

خبرنگار

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از جمله مراکز فرهنگی است که در راستای تحقق فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر صدبرابری تولید آثار در حوزه ادبیات دفاع مقدس، تلاش‌های چشمگیری داشته است. انتشارات «مرز و بوم» هم در این زمینه، گام‌های مهمی برداشته و در ثبت خاطرات و روایت‌های دست اول فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس، آثار مهمی را در دست انتشار دارد.

هفته گذشته کتاب «گیل‌مانا» که سیده‌نساء هاشمیان-سیگاردوی (همسر شهید اصغری‌خواه) بر اساس خاطرات سردار محمدعلی حقی‌بین نوشته و انتشارات مرز و بوم آن را روانه بازار نشر کرده، رونمایی شد. همچنین کتابی از روایت‌های این سردار از آزادسازی شهرهای نبل و الزهرا در سوریه به عنوان «ایرانی‌ها آمدند» به قلم امیر محمد عباس‌نژاد به زودی از سوی انتشارات خط‌مقدم منتشر خواهد شد.

سردار محمدعلی حقی‌بین از فرماندهان جنگ تحمیلی و نبرد در سوریه در مراسم رونمایی از کتاب خاطراتش با نام «گیل‌مانا» که در خبرگزاری مهر برگزار شد، نکات ظریفی درباره نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سوریه بیان کرد که جالب و شنیدنی بود.

سردار حقی‌بین معتقد بود، حاج قاسم سلیمانی کاری کرد که همه ناوهای آمریکایی در خلیج‌فارس هم، قدرت رویارویی با ایران را نداشتند. آنها حتی نمی‌توانستند از عهده اشغال یک شهر کوچک ایران بر بیایند. انقلاب به جایی رسیده که بسیاری از عرصه‌ها را درنور دیده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی وقتی از نقشه‌های‌شان علیه انقلاب اسلامی ناامید شدند، داعش را تأسیس کردند و مسلمانان را به جان مسلمانان انداختند.

سردار حقی‌بین عقیده داشت، اخلاق و منش سردار سلیمانی زبانزد بود. بقیه مدافعان حرم هم از این اخلاق و منش درس می‌گرفتند و بر اساس آن رفتار می‌کردند. یادم هست خانه‌ای را برای مقررمان در سوریه انتخاب کرده بودیم. وقتی وقتی فهمیدیم طلاهای خانم خانه در وپترین است، دور تا دور آن را با چسب‌های ضخیم بستیم تا آسیبی به آنها نرسد. وقتی آن منطقه امن شد و خانم صاحب خانه آمد، از اینکه طلا و جواهرهایش سالم مانده‌اند، تعجب کرده بود. از خوشحالی گریه می‌کرد و اصرار داشت همان جا بمانیم و خودش برای چند شب به خانه دخترش که پزشک بود و نزدیک همانجا بود، رفت. ما برای دفاع از مردم سوریه، مجبور بودیم در خانه‌های‌شان مقر بزنیم. سردار سلیمانی تا این حد به حقوق افراد احترام می‌گذاشت. این اوج اخلاق و عمل به اسلام از سوی حاج قاسم و سایر فرماندهان و رزمندگان جبهه مقاومت در سوریه و عراق بود.

سردار حقی‌بین می‌گفت، بیشترین آشنایی من با سردار سلیمانی در جریان آزادسازی دو شهر نبل و الزهرا بود که حدود چهار سال در محاصره سخت تکفیری‌ها بود. دشمن، خط فوق‌العاده مستحکم و غیرقابل نفوذی را دور این شهرها زده بود. در آزادسازی حلب هم که بسیار مشکل بود، خدا از طریق تدابیر سردار حاج قاسم سلیمانی به داد ما رسید تا توانستیم این شهر را آزاد کنیم.

در گفت‌وگوی صبح صادق با **سردار رحیم نوعی اقدم** مطرح شد

اخلاق حاج قاسم همه را
تسلیم خود می‌کرد

می‌گوید: «حاج قاسم با آن اقتدار و بزرگی، زمانی که به در آستانه حرم حضرت زینب(س) می‌رسیدند چنان متواضعانه، متضرعانه و مؤدبانه صورت بر زمین می‌گذاشتند و گریه می‌کردند حاج قاسم به این موضوع باور داشت که فرمانده کل قوا در سوریه حضرت زینب(س) است.»

سردار درباره ابر از ارادت فرماندهان سوری به سردار دل‌ها می‌گوید: «ارتباط و ارادت فرماندهان سوری به حاج قاسم به گونه‌ای بود که بعضی اوقات ژنرال‌ها به بنده می‌گفتند اگر زمانی حاج قاسم آمد، به ما هم خبر دهید تا برای چند دقیقه هم که شده سردار سلیمانی را ببینیم

انصافاً وقتی هم که حاج قاسم به میان نیروها می‌رفت، قدرت بسیار بزرگی از معنویت، شجاعت و توکل به بدنه نیروهای خودمان و دیگران تزریق می‌کرد. حتی در شرایط سخت، آثار وجودی و بودن او در روحیه و رفتار نیروها پیدا بود. در ادبیات جنگ، یکی از مؤلفه‌هایی که در تجزیه و تحلیل‌ها، جزء توفان فیزیکی محاسبه می‌شود شخصیت فرماندهی است.

در دنیای غرب، فرماندهی را به تجربه، سابقه، علم و عملکردهای گذشته‌اش توصیف می‌کنند؛ اما در ادبیات جنگ ما، یک توان به شکل غیر فیزیکی هم محاسبه می‌شود. وی در خصوص فرماندهی حاج قاسم این چنین می‌گوید:

«فرماندهی حاج قاسم تجلی ایمان، توکل به پروردگار و توسل به اهل بیت(ع) بود و ادبیات او هم ادبیات حماسی بود که در کلام، رفتار و برخورد آن را نشان می‌داد. برخورداری او از قدرت و توانایی فیزیکی در کنار اخلاق، محبت، صفا و عاطفه، در بحرانی‌ترین شرایط همه را تسلیم خود می‌کرد. وقتی یک مسیحی، یک سنی، یک دروزی یا یک شیعه در کنار حاج قاسم قرار می‌گرفت، دورش حلقه می‌زدند و مثل پروانه به دور او می‌چرخیدند. به هیچ عنوان احساس نمی‌کردند که حاج قاسم سلیمانی تنها به ایرانی‌ها یا لبنانی‌ها یا عراقی‌ها یا سوری‌های شیعه محبت ویژه دارد. همان احساسی که شیعیان، ایرانی‌ها و لبنانی‌ها نسبت به حاج قاسم داشتند، مسیحی‌ها، سنی‌ها، دروزی‌ها، علوی‌ها، پنج امامی‌ها، دو امامی‌ها و سه امامی‌ها هم داشتند.»

سردار نوعی اقدم همچنین در این باره ادامه می‌دهد: «من فرماندهی، اخلاق پایه و عاطفه پایه را از حاج قاسم یاد گرفتم. حاج قاسم در مقام فرماندهی مخصوصاً برای نیروهای چند ملیتی از در اخلاق و عاطفه وارد می‌شد نه از در انضباط، دین و علم. حاج قاسم نباید در صحنه نبرد و به دست داعشی‌ها شهید می‌شد یا در سوریه، لبنان یا عراق در میدان درگیری یک نفر او را با یک تیر یا خمپاره شهید می‌کرد. اراده الهی بر این بود که خون حاج قاسم نه در جغرافیای ایران بلکه در جغرافیای جهان جاری شود.»

روایتی کوتاه از زندگی **سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی**

۲۲ سال حضور
در قدس

به ۳ تیپ و یک گردان زرهی، به‌عنوان لشکر ۴۱ ثارالله به فعالیت ادامه داد. در سال ۱۳۸۶ در پی شکل‌گیری سپاه‌های استانی، نام آن به سپاه ثارالله استان کرمان تغییر پیدا کرد. لشکر ۴۱ ثارالله در طول جنگ ایران و عراق در عملیهای نصر ۴، کربلای ۱، کربلای ۴، کربلای ۵، بدر، خیبر، والفجر ۱، والفجر ۳ و والفجر ۴، عملیات رمضان، بیت‌المقدس و بیت‌المقدس ۷، فتح‌المبین و طریق‌القدس حضور داشت. فرماندهی این یگان از بدو تشکیل تا انتهای جنگ ایران و عراق، برعهده قاسم سلیمانی بود.

جنگ با اشراق

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی سلیمانی به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشراق و قاچاقچیان مواد مخدر شد، که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند. قاسم سلیمانی تا هنگام انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، این سمت را عهده‌دار بود. قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶، هم‌زمان با اوج‌گیری طالبان در افغانستان، به فرماندهی نیروی قدس سپاه منصوب شد. او با تجربه‌ای که از جنگ داخلی کردستان داشت، گزینه‌ای مناسب بود، چون بنا بود در افغانستان عصر طالبان که درگیر جنگ‌های داخلی بود، وارد عمل شود. از همه مهم‌تر اینکه سلیمانی در هشت سال جنگ با عراق و نیز مبارزه با باندهای مواد مخدر در مناطق مرزی ایران و افغانستان تا پیش از انتصابش به فرماندهی سپاه قدس، تجربه زیادی اندوخته بود.

۲۲ سال

حاج قاسم ۲۲ سال فرمانده سپاه قدس بود؛ اما اوج فعالیت‌هایش به آغاز جنگ در منطقه آسیای غربی و مشخصاً کشور سوریه برمی‌گشت. اواخر سال ۱۳۸۹ بود که شعله‌های آتش در سوریه زبانه کشید و مأموریت جدیدی برای حاج قاسم و نیروهایش تعریف شد. گروه‌های تکفیری جان تازه‌ای گرفته بودند و قرار بود با ناامن کردن منطقه، خطر ایران و لبنان را برای اسرائیل، کم‌کنند. حاج قاسم با اعزام مستشاران نظامی به سوریه، با هماهنگی دولت و ارتش این کشور، توانست راهکارهای مناسبی را برای دفع تکفیری‌ها ارائه کند و روز به روز بر محبوبیتش افزوده شد. داعش که می‌دید در سوریه جواب لازم را نمی‌گیرد، آتش حضورش را به عراق کشاند و عتبات عالیات را مورد سوء قصد قرار داد. سامرا، کربلا و نجف، هدف ناامنی‌های تکفیری‌ها و داعش بود؛ اما حاج قاسم برای آنجا هم برنامه داشت.

من قاسم سلیمانی هستم...

حاج قاسم از بین ما رفت، اما خطش باقی ماند و ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ شاهد رویش هزاران قاسم سلیمانی‌شد...

متن پیش رو تلاشی است برای پاسخ به این پرسش که من و شما در کجای تاریخ ایستاده‌ایم و چگونه می‌توانیم یک «قاسم سلیمانی» باشیم؟

قنات ملک

مأمور اداره کل آثار و ثبت احوال روی شناسنامه نوشت؛ ۲۰ اسفند ۱۳۳۵، در حالی که دو سال از این تاریخ می‌گذشت. چیزی به نوروز ۱۳۳۸ نمانده بود. اهالی روستای قنات ملک هم فهمیده بودند قرار است نوزادی به جمع اهالی عشایر طایفه سلیمانی اضافه شود و در سال جدید باید به او هم عیدی بدهند. تا کرمان ۲۰۰ کیلومتر راه بود و مردم با همان امکانات ابتدایی، نوزادان‌شان را به دنیا می‌آوردند. «قاسم» فرزند «حسن» در دامن «فاطمه» گریه می‌کرد؛ اما بقیه خوشحال بودند و هیچ کس باور نمی‌کرد ۶۱ سال بعد، قاسم می‌خندد و میلیون‌ها آدم در سراسر جهان، گریه می‌کنند! جد سلیمانی‌ها، امیرمجتب، فرزند امیرکمال از عشایر خنسه فارس و از سرداران سپاه نادرشاه افشار بود.

اداره آب

آذر و دی به بهمن رسید و روز به روز قاسم خودش را بیشتر از پیش پیدا می‌کرد و نسبتش را با انقلاب اسلامی شفاف‌تر می‌کرد. روزهای گرم سال ۱۳۵۸ رسیده بود که تصمیم گرفت کار و بارش در اداره آب را برای دیگران بگذارد و برود سراغ سپاه پاسداران که حالا تازه در کرمان شکل گرفته بود. قاسم قدرت‌بدنی خوبی داشت و از همان اول به خاطر آمادگی جسمانی‌اش به واحد آموزش سپاه رفت و در پادگان آموزشی قدس کرمان مشغول به کار شد.

تیپ می‌خواهیم!

محسن رضایی با اشاره به خاطراتش از حاج قاسم سلیمانی در دوران دفاع مقدس می‌گوید: در چنین ایامی در دی ماه سال ۱۳۵۹ بود که داشتیم برای عملیات آماده می‌شدیم. نیاز به تیپ‌های جدید داشتیم. آقایان متوسلیان و همت را از غرب کشور آوردیم. آقای علی فضل‌ی را از گچساران آوردیم و هشت تیپ درست کردیم. یک تیپ دیگر برای ارتفاعات چاه نفت می‌خواستیم. متوجه شدیم که بچه‌های کرمان در اهواز و دزفول حضور دارند. حاج قاسم فرمانده‌شان بود، ایشان را صدا کردیم و گفتیم یک تیپ می‌خواهیم! یعنی سه گردان می‌شوید؟ قول داد و تعدادی ماشین و وسایل گرفت و از ارتفاعات چاه نفت و شمال عین خوش عملیات کرد و تا امروز نقش فرماندهی در جبهه‌های داخلی و خارجی داشته است. هم او هم دوستان اطرافش عموماً جوان بودند.

لشکر ۴۱ ثارالله در سال ۱۳۵۹ در قالب یک گردان از نیروهای سپاه پاسداران استان کرمان شکل گرفت، سال ۱۳۶۰ به تیپ ارتقا پیدا کرد و از سال ۱۳۶۱ با گسترش سازمان آن

همه جوړه هوای حاج قاسم را داشت



زهرآ ظهورند

خبرنگار

آگر بخواهید از زبان دختر شهید برای مان از مشغله‌های پدر بگویید، چه تعریف می‌کنید؟

بابا بیشتر وقتش را با حاج قاسم بود و در بیشتر مأموریت‌ها همراه ایشان بود؛ وقتی هم که به منزل می‌آمد، از شدت خستگی گاهی همان‌طور که نشسته بود خوابش می‌برد؛ از سال ۱۳۸۹ به بعد اوضاع جسمی بابا به دلیل مشکل کمرش به هم ریخته بود؛ اما هیچ وقت حاضر نبود از کارش کم کند. برای همین موضوع یک بار پزشک به بابا استراحت مطلق داده بود، اما بابا روز سوم طاقت نیاورد و به سر کار رفت. این اواخر که مجدداً برای مشکل کمرش باید استراحت می‌کرد، حتی وقتی حاج قاسم تلفنی تماس می‌گرفت، بابا سعی می‌کرد هر طور شده بنشیند صحبت کند و احترام ایشان را تحت هر شرایطی داشت.

رابطه پدرتان با حاج قاسم را توصیف کنید و اینکه ایشان از حاج قاسم چقدر صحبت می‌کردند؟

رابطه بابا و حاج قاسم طوری بود که حاج قاسم می‌گفت در مراسم‌های عقد فرزندانش حتماً شما هم باشید. به خاطر دارم که فقط برای مراسم عقد دختر بزرگ‌شان رفتیم و مراسم عقد بقیه را نرفتیم؛ چون بابا می‌گفت نمی‌خواهم دیگران فکر کنند از شرایط سوءاستفاده می‌کنم و نسبت به حاج قاسم خیلی حجب و حیا داشت. بابا هیچ‌گاه درباره حاج قاسم صحبت نمی‌کرد، فقط گاهی اوقات می‌گفت صبر ایشان خیلی زیاد است یا اینکه مثلاً حاجی مریض است و فقط صحبت‌های سطحی درباره ایشان می‌کرد. همان زمان که کمر بابا مشکل داشت، دکترش که دوست مشترک

بابا و حاجی بود، به منزل ما آمد تا بابا را ویزیت کند؛ یک ماه قبل از این جریان حاج قاسم در مأموریت سوریه کسالتی پیدا کرده بودند که همان جا از ایشان سسی تی اسکن گرفته بودند؛ جواب سسی تی اسکن دست بابا بود و روزی که دکتر آمد



منزل وقتی خواست جواب ام.آر.آی بابا را ببیند بابا گفت قبل از دیدن آن، اول جواب سسی تی اسکن حاجی را ببین، چون ایشان واجب‌تر است و بگذار خیالم راحت شود که مشکلی ندارد. بابا در هر سسی تی اسکن در خانه یا محل کار اولویت را به حاج

سردار سرتیپ «حسین پورجعفری» همراه‌ترین یار و یاور سردار شهید «حاج قاسم سلیمانی» بود. کسی که چهل سال یکی از فرماندهان ارشد عملیاتی جبهه انقلاب را به عنوان افسر همراه، پا به پا همراهی کرد؛ به گونه‌ای که همه او را صندوقچه اسرار حاج قاسم می‌دانستند. شهید پورجعفری از جانبازان دوران دفاع مقدس بود که در همان سال‌های ابتدایی جنگ و در اوج جوانی از ناحیه کمر دچار شکستگی شده بود و درد آن همیشه همراهش بود و گاهی زمین‌گیرش می‌کرد، اما از آرمان‌هایش و هم‌قدم شدن با حاج قاسم دست برنداشت تا جایی که در ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ در حمله تروریستی آمریکا در فرودگاه بغداد همراه ایشان به یاران شهیدشان پیوست. به همین مناسبت با «نعمه پورجعفری» دختر شهید پورجعفری گفت‌وگو کردیم که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:

قاسم می‌داد. برخی اوقات که از سوریه، لبنان یا عراق تماس می‌گرفتند و با حاج قاسم کار فوری داشتند، بابا می‌گفت حاجی الان خسته است؛ بگذارید نیم ساعت یا یک ساعت بعد؛ یعنی حاضر بود خودش بیدار باشد، اما حاج قاسم نیم ساعت بخواید. همه جوړه هوای حاج قاسم را داشت.

حتی وقتی صبح‌ها می‌خواستند به پیاده‌روی بروند، بابا برای حاج قاسم سیب، آب معدنی و نخودچی و کشمش برمی‌داشت. دختر حاج قاسم می‌گفت ما خیال‌مان راحت بود که آقای پورجعفری همیشه یک سیب سرخ گلچین شده با آب معدنی همراه دارد که جایی گیر کردند سیب را به بابا بدهد؛ در واقع نصفش برای بابای ما و نصفش برای بابای شما بود. من تا حالا کسی را از لحاظ مهر و محبت به فرمانده‌اش، مثل بابا ندیده‌ام و رابطه بابا و حاج قاسم قابل توصیف نیست.

چرا همه می‌گویند پدر شما محرم‌ترین فرد نسبت به حاج قاسم بود؟

ما هیچ وقت با آنها نبودیم، اما همه می‌گویند بابا محرم اسرار حاج قاسم بود؛ بابا هیچ وقت از خصوصیات ایشان نمی‌گفت و سعی می‌کرد عین صندوقچه‌ای باشد که فقط خودش کلید آن را داشت و خودش می‌دانست چه زمانی باید در این صندوقچه را باز کند؛ در واقع دو روح در یک بدن بودند. رابطه‌شان طوری بود که فقط خودشان می‌دانستند و قسمت هم این بود که تا آخرین لحظه با هم باشند. اگر حاج قاسم بدون بابا به مأموریت می‌رفت که خیلی کم پیش می‌آمد، بابا در خانه دوام نمی‌آورد و به سر کار می‌رفت یا هر طوری بود، خود را به حاج قاسم می‌رساند.

همکاری مشترک دانشگاهی



«مراسم دانش‌آموختگی امسال طبق فرمایشات فرمانده معظم کل قوا یک سرآغاز بسیار نورانی و با ارزش در نشان‌دادن اقتدار نیروهای مسلح، هماهنگی، هم‌افزایی و یکی بودن آن پیوندها و دلبستگی‌هایی که از قبل بوده و امروز در گام دوم انقلاب به قله خود رسیده و این مراسم سرآغاز جدیدی در روابط نیروهای مسلح است.» سردار بختیاری هم با تأکید بر ارزش این حرکت مفید گفت: «این برنامه می‌تواند آغازگر نشست‌های بیشتر و ادامه‌داری در طول سال شده و حتی با ایجاد یک کارگروه مشترک بین سه دانشگاه زمینه همکاری در امر آموزش افسران آینده نیروهای مسلح را تا جایی بالا ببرد که مطالبات ولی امر مسلمین را که حرکت در جهت تربیت اخلاقی است، در برگیرد.» امیر اجاقی نیز گفت: «آنچه قلب نازنین حضرت آقا را خوشحال می‌کند و در فرمایشات امسال ایشان نیز نمود پیدا کرد، وحدت و همدلی است.»

اولین نشست هم‌اندیشی و همکاری مابین دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به میزبانی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) برگزار شد. به گزارش صبح صادق در این مراسم «امیرعلی اجاقی» فرمانده دانشگاه امام علی (ع) ارتش، «سردار لطفعلی بختیاری» فرمانده دانشگاه امین ناجا و «سردار نعمان غلامی» فرمانده دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) به تبادل نظرات و جمع‌بندی مباحث اقدام کردند. سردار غلامی در این نشست گفت:

سه‌میه یکسان‌سازی ۱۳۹۹ کامل شد



در کارت‌های عزیزان شاغل و وابسته شارژ شده و کل سه‌میه سال ۱۳۹۹ از اول دی ماه تا پایان فروردین سال ۱۴۰۰ قابل استفاده خواهد بود. گفتنی است، سهم هر عائله واریزی در کارت یکسان‌سازی برای سال ۱۳۹۹ ده هزار تومان بوده و با توجه به محدودیت‌های موجود بهتر است استفاده از سه‌میه‌ها به آخرین روزهای فروردین ماه موکول نشده و صاحبان کارت یکسان‌سازی طی این مدت به مرور از سه‌میه استفاده کنند تا مراکز و رستوران‌های سازمانی و طرف قرارداد یکسان‌سازی دچار شلوغی و ازدحام زیاد نشوند.

همچنین این مدیریت با اعلام اینکه تا زمان ابلاغ ستاد مقابله با کرونا عده مراکز به صورت بیرون‌بر فعالیت خواهند کرد، تأکید کرد بعد از اعلام این ستاد رستوران‌ها و تالارهای عروسی با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی خدمات حضوری هم ارائه خواهند کرد.

سه‌میه یکسان‌سازی در جهت ارائه خدمات رفاهی به کارکنان و بازنشستگان (وابستگان) سپاه به صورت ماهیانه هر نفر عائله یک سهم در کارت یکسان‌سازی شارژ می‌شود که به تازگی این امر به شکل فصلی انجام شده و تا اول دی ماه کل سه‌میه سال ۱۳۹۹ در کارت‌های یکسان‌سازی شارژ شده و قابل استفاده است.

به گزارش صبح صادق بر اساس اعلام مدیریت سیاحتی و زیارتی مرکز خدمات کارکنان سپاه سه‌میه سه ماه، چهارم سال ۱۳۹۹

کتاب صوتی

بچه‌های حاج قاسم



حاجی طاقت نیاورد و اشک از چشمانش سرازیر شد، من هم متحول شدم. دیدن اشک‌های حاجی دل‌م را لرزاند. حاجی گفت: چاره‌ای ندارم، مجبورم شما رو به میدون مین بفرستم. احتمال برگشتن از میدان مین خیلی کم بود از سنگر آمدیم بیرون. حاجی هم پشت سرمان آمد، دیدم خیلی نگران است و دارد به ما نگاه می‌کند. به علویان گفتم علی سریع‌تر بریم و از دید حاجی دور شویم تا اینقدر اذیت نشه...

انتشارات فاتحان و با قلم افسر فاضلی شهر بابکی به رشته تحریر درآمده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: رفتیم داخل یک سنگر خیلی کوچک، حاجی با یک نفر نشسته بود. توضیحات و تذکرات لازم را به ما داد؛ چون قرار بود از میدان مین عبور کنیم و خط را بشکنیم. رمز عملیات را هم به ما اعلام کرد (با ابوالفضل العباس)، رشادت و فداکاری حضرت ابوالفضل (علیه السلام) به ما انگیزه و توان بیشتری می‌داد. موقع خدا حافظی

به مناسبت سیزدهم دی، روزی که سردار دل‌ها سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی آسمانی شد، کتاب صوتی بچه‌های حاج قاسم منتشر شد؛ این کتاب مروری است بر بخش کوچکی از خاطرات لشکر ۴۱ ثارالله در طول دوران دفاع مقدس از زبان سردار حسین معروفی؛ فردی که بنا به گفته سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، کم سن و سال‌ترین فرمانده گردان لشکر ۴۱ ثارالله در طول دوران دفاع مقدس بوده است. این کتاب توسط

روی خط

عاقبت سهام بانک انصار چه می‌شود؟

۰۹۱۱۰۰۰۴۹۴۲ / چرا سپاه طرح تشویق تحصیلی فرزندان شاغلان را حذف کرد؟

۰۹۱۳۰۰۰۷۶۰۱ / مشکل مسکن ما را که ۱۵ سال خدمت هستیم، حل کنید. برادران سواره، فکری به حال ما پیاده‌ها کنید

۰۹۱۳۰۰۰۳۳۵۷ / عاقبت سهام بانک انصار چه می‌شود؟ چرا اینقدر تعلل می‌شود؟

۰۹۹۲۰۰۰۷۰۹۲ / مدیرعامل آب و فاضلاب خوزستان، حقوق و مزایای بسیار بالایی دارد؛ ولی متأسفانه نسبت به مشکلات فاضلاب بی‌کفایت است؛ مردم اهواز انتظار دارند با نامبرده برابر قانون و مقررات برخورد شود.

۰۹۱۳۰۰۰۷۶۰۱ / چرا سپاه به سابقه بسیج نیروهای رسمی اهمیت و ارزش نمی‌دهد؟

۰۹۱۳۰۰۰۳۰۲۲ / در پروژه آرمان ۲ ملک شهر اصفهان، واحدهای با کیفیت و جنوبی که با پول اعضا ساخته شده با قیمت آزاد و به صورت مزایده به افراد غیر واگذار می‌شود.

۰۹۱۳۰۰۰۰۷۲۵ / سه سال است که پرونده بنده از طریق بنیاد شهید کرمان برای طرح در کمیسیون احراز به تهران ارسال شده است؛ در این مدت هر وقت پیگیری می‌کنم، مسئولان محترم بنیاد می‌گویند که باید کمیسیون مشترک بین سپاه و بنیاد برگزار بشود.

۰۹۱۴۰۰۰۵۳۴۳ / مسئولان سپاه با این همه تورم خواهشمندم فوق‌العاده عملیاتی بسیجیان ۸۹ را اعمال کنید.

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱ / چطور می‌توانیم به آرشو هفته‌نامه دسترسی داشته باشیم؛ به طوری که شماره‌های قدیمی را نیز ببینیم؟ «جهانگیری» از تبریز

صبح صادق: از طریق پایگاه اینترنتی نشریه و پایگاه خبری - تحلیلی بصیرت

۰۹۱۷۰۰۰۶۷۱۷ / سلام نزدیک ۱۰ سال است که از خدمت بنده می‌گذرد؛ اما هنوز خانه‌ای ندارم. چرا وام مسکن (حکمت) را نمی‌دهند؟ چرا با وجود تصویب حق نوار مرزی، این طرح برای کارمندان کشوری اجرا می‌شود اما برای نظامیان (لشکری) اجرا نمی‌شود؟

۰۹۱۹۰۰۰۵۷۴۹ / مطلبی در مورد واتس‌آپ با اسم هفته‌نامه شما در اینترنت هست که واتس‌آپ زیر نظر رژیم صهیونیستی است و استفاده از آن طبق نظر آقا حرام است؛ آیا صحت دارد؟

صبح صادق: هفته‌نامه صبح صادق در واتس‌آپ هیچ گروهی ندارد.

۰۹۱۷۰۰۰۶۷۱۷ / تیپ ما عقبه یکی از جزایر خلیج فارس است و جزیره که می‌رویم کد و جایگاه ندارد، فقط حق عملیاتی و بسدی آب و هوا می‌گیریم. با توجه به اینکه چند ماه یک بار به جزیره می‌رویم، مرخصی استحقاقی ما را حذف کردند. زمانی که در تیپ حضور داریم، مرخصی استحقاقی شامل مان نمی‌شود.

۰۹۱۹۰۰۰۰۰۲۸ / چه تفاوتی میان جانبازان سپاه و بنیاد شهید است؟ چرا بنیاد شهید برخی‌ها را پذیرش نمی‌کند؟ من ۴۰ درصد جانباز سپاهم و یک چشمم را از دست داده‌ام؛ اما بنیاد شهید رأی منفی داده است.

۰۹۹۲۰۰۰۹۴۶۲ / سامانه نوای ماهانه حقوق چرا قطع است؟ لطفاً پیگیر شوید.

تقویم انقلاب

آخرین نخست‌وزیر



سقوط پی در پی نخست‌وزیران منصوب شاه، کار را به آنجا کشاند که دیگر هیچ کس حاضر به پذیرش این سمت نبود. تا آنکه شاپور بختیار پیشگاه پذیرش این سمت شد. او در جلسه‌ای که با تراب سلطان‌پور، مسئول روزنامه «آهنگ سیاسی» داشت، خطاب به او می‌گوید: «شما چرا برای نخست‌وزیری من تلاش نمی‌کنید.» جالب است بدانید که سلطان‌پور کسی بود که در اوج انقلاب از شاه و سلطنت دفاع می‌کرد. او این تمایل بختیار را برای احراز پست نخست‌وزیری به اطلاع اویسی و ناصر مقدم، رئیس وقت ساواک رساند و آنها هم او را به شاه معرفی کردند. به این ترتیب شاه از بختیار دعوت به عمل می‌آورد. از طرف دیگر آمریکایی‌ها هم به این نتیجه رسیده بودند که باید دولتی تشکیل شود که از طرفداران جبهه ملی در صدر آن باشند و از سوی دیگر بتواند نیروهای مذهبی را کنترل کند.

بختیار در مدرسه فرانسوی‌ها در بیروت درس خوانده بود و برای ادامه تحصیل در رشته حقوق به پاریس رفته و پس از اخذ درجه دکتری حقوق بین‌الملل عمومی در دانشگاه سوربن فرانسه در رشته علوم سیاسی نیز موفق به دریافت دکتری شده بود. وی با یک دختر فرانسوی ازدواج کرد و برای فرزندانش نام‌های فرانسوی برگزید.

او در سال ۱۳۲۶ وارد ایران شده و در وزارت کار مشغول می‌شود. بختیار مدتی هم معاون وزارت کار بود و تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در این سمت باقی ماند. پس از محاکمه مصدق در جبهه ملی فعالیت سیاسی می‌کند و در جبهه ملی دوم، سوم و چهارم حضور داشته‌و در این رابطه چند بار دستگیر و زندانی و سپس آزاد می‌شود. بختیار وقتی در نهم دی ماه سال ۱۳۵۷ نخست‌وزیری را پذیرفت، جبهه ملی طی اطلاعیه‌ای از او اعلام برائت کرد. بختیار در برابر مخالفان خود می‌گفت: «هیچ کس جز من نمی‌تواند تخته پاره این مملکت در حال متلاشی را به هم متصل کند.» او در سوگندنامه خود گفت: «با در نظر گرفتن اوضاع خطیر کشور و به پشتوانه سی سال سابقه سیاسی و ملی و آزادی‌گ از تمام هم‌میهنان خود تقاضا دارم که از جریاناتی که منجر به تخریب، قتل و یا جلوگیری از آسایش دیگران می‌شود حتی اگر موقت هم شده باشد، دست بردارید. در صورتی که ظرف یک مدت معقول تمام وعده‌ها جامه عمل نپوشند، خواهید توانست که در قضاوت خود تجدیدنظر کنید و اعتبار سی ساله مرا باطل نمایید. ولی دشمنان کشور باید بدانند که من با علم و اطلاع از اوضاع اسفبار مملکت قبول مسئولیت نمودم و با قدرت ایمان و پشتیبانی همه شما دوستان امیدوارم به آشتنگی کشور سروسامان داده و کشور را به سوی یک کشور سوسیال دموکرات واقعی سوق دهم.»

در ایسن فرصت پیش آمده شاه و اطرفانش همه اموال خود را از کشور خارج کردند و به گفته حسین فردوست: «پس از اینکه بختیار نخست‌وزیری را پذیرفت، دوزوز بعد (۱۱ دی) محمدرضا شاه در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که برای معالجه چند روز دیگر از کشور خارج خواهد شد. یعنی یک‌فرصت برای رفتن.»

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

انتخابات سال ۱۳۸۵، یکی از فرازهای تأمل‌برانگیز رقابت‌های سیاسی در کشور بود که با طرح برگزاری هم‌زمان انتخابات شوراها و مجلس خبرگان رهبری همراه بود. با پیروزی اصولگرایان در انتخابات نهم ریاست‌جمهوری و پس از آنکه مجلس هفتم با اکثریت آنها شکل گرفته بود، تمام نهادهای مهم تصمیم‌گیری از اختیار جریان دوم خرداد خارج شد. این جریان که وضعیت را برای خود بحرانی می‌دید، تلاش کرد با نشانه رفتن انتخابات شوراها و مجلس خبرگان در ۲۴ آذر ۱۳۸۵، برای بازگشت به قدرت تلاش کند و چنین بود که با آغاز سال ۱۳۸۵، فضای سیاسی کشور خیلی زود انتخاباتی شد. در این میان یکی از مسائلی که اولین مناقشات انتخاباتی را آغاز کرد، طرح تجمیع انتخابات از سوی وزارت کشور و دولت بود. «مصطفی پورمحمدی» وزیر کشور لایحه‌ای را برای تجمیع انتخابات تدوین کرد و به مجلس فرستاد. این لایحه برای برگزاری هم‌زمان انتخابات مجلس خبرگان و شوراها در اسفندماه ۱۳۸۵ تدوین شده بود. البته پورمحمدی هنگامی که آن طرح را ارائه می‌کرد، خود امید چندانی به تصویب آن نداشت و دلیلش را هم «فرصت اندک» باقیمانده به برگزاری انتخابات عنوان کرد؛ اما این پیشنهاد به تصویب رسید و اجرایی شد و روز جمعه ۲۴ آذر ۱۳۸۵ به عنوان روز انتخابات دوره سوم شورا‌های اسلامی شهر و روستا و دور چهارم مجلس خبرگان رهبری اعلام شد. انتخابات سومین دوره شوراها در حالی فرا می‌رسید که اردوگاه اصولگرایان دچار تششت بود. جریانی با عنوان «رایحه خوش خدمت» که خود را هواداران تمام عیار احمدی‌نژاد معرفی می‌کردند، در یک سو قرار گرفته و در مقابل دیگر جریان‌های اصولگرا بودند که ضمن حمایت از دولت نهم، انتقاداتی را نیز وارد می‌دانستند. این اختلاف بدانجا انجامید که اصولگرایان مجبور شدند با دو فهرست متفاوت در انتخابات ۲۴ آذر شرکت کنند. فهرست «اتلاف اصولگرایان» که حاصل رایزنی‌های شورای معتمدین و مورد حمایت اصولگرایان اصلاح‌طلب بود و با فهرست جبهه پیروان خط امام و رهبری اشتراکات زیادی داشتند و چهره‌های شاخص آن «مهدی چمران»، «عباس شبیبانی» و «مرتضی طلابی» بودند و در دیگر سو

فهرست کاملاً متفاوت «رایحه خوش خدمت» که «پروین احمدی‌نژاد»، «مهرداد بذریاش» و «مسعود زرببافان» از چهره‌های شاخص آن به‌شمار می‌آمدند. در مقابل اردوگاه جریان دوم خرداد قرار داشت که فعالان آن برای بازگشت مجدد به قدرت تنها به ائتلاف می‌اندیشیدند و سرانجام حدود سه‌ماه مانده به انتخابات در مهرماه ۱۳۸۵ ائتلاف آنها شکل گرفت. اعضای این ائتلاف را احزاب جریان دوم خرداد از جمله «مجمع روحانیون مبارز»، «حزب مشارکت ایران اسلامی»، «حزب کارگزاران سازندگی ایران»، «حزب «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، «حزب اسلامی کار»، «خانه کارگر»، «مجمع محققین و

فهرست نهایی ائتلاف اصلاح‌طلبان در شهر تهران که تبلیغات خود را با عکس بزرگی از خاتمی همراه کرده بودند، مشخص شد که در آن اسامی ۱۵ نفر به چشم می‌خورد: ۱- محمدعلی نجفی، ۲- معصومه ابتکار، ۳- احمد مسجدجامعی، ۴- سیدکامل تقوی‌نژاد، ۵- قاسم تقی‌زاده‌خامسی، ۶- افشین حبیب‌زاده، ۷- پیروز حناچی، ۸- اسماعیل دوستی، ۹- الهه راستگو، ۱۰- هادی ساعی، ۱۱- زهرا صدراعظم‌نوری، ۱۲- سیدشهاب‌الدین طباطبایی، ۱۳- حسن کریمی، ۱۴- عباس میرزا بوطالبی، ۱۵- علی نوذریور. هم‌زمانی برگزاری انتخابات شوراها و مجلس خبرگان، ویژگی مهم انتخابات



خبرگان دور چهارم بود که آن را از انتخابات سه دوره قبل متمایز کرده بود. در این سال صف‌آرایی جریان‌های سیاسی در حوزه انتخابات شوراها باقی نماند و انتخابات مجلس خبرگان نیز شاهد صف‌آرایی و رقابت انتخاباتی بود. هاشمی‌رفسنجانی که خود از اعضای جامعه روحانیت مبارز بوده است، به عنوان چهره‌ای شاخص در فهرست جامع‌تین معرفی شد، فهرستی که بسیاری از تشکل‌های اصولگرا از آن تبعیت می‌کردند. اما جریان نزدیک به رایحه خوش خدمت، ستادی را تحت عنوان «نخبگان حوزه و دانشگاه» تشکیل داد و اعلام کرد که فهرستی جداگانه ارائه خواهد کرد. این گروه سرلیست خود را در شهر تهران «آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی» قرار داد و از آوردن نام آقای

انتخابات تجمیع شده

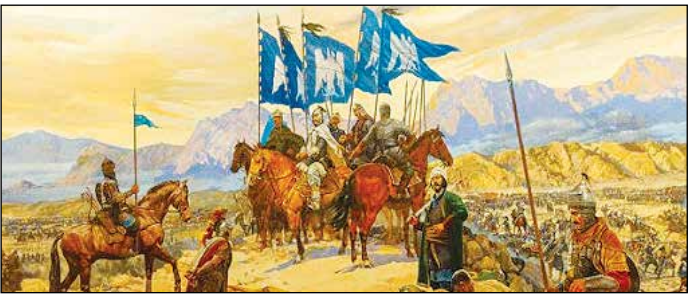
رقابت‌های سیاسی در انتخابات سال ۱۳۸۵- بخش اول

هاشمی‌رفسنجانی پرهیز کرد. اصلاح‌طلبان مدعی بودند: «در انتخابات خبرگان ظاهرأ هدف آن است که با ابزار رد صلاحیت از طریق امتحانی به‌ظاهر علمی و با گزینش سیاسی، اصولاً فرصتی به اصلاح‌طلبان برای حضور در این صحنه داده نشود. از طرف دیگر چون امکان اعلام عدم شرکت آنها هم وجود دارد لذا از سیاست‌های تأخیری (مثلاً عدم اعلام قطعی واجدان شرایط تا آخرین لحظه و بلا تکلیف نهادن) و همچنین تأیید صلاحیت و تشویق به شرکت عده محدودی از شخصیت‌های قابل قبول مثل حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی‌رفسنجانی برای در محذور اخلاقی قراردادن اصلاح‌طلبان استفاده خواهد شد. این ترند باعث می‌شود که اولاً تحریم انتخابات به صورت مؤثر از سوی اصلاح‌طلبان دچار مشکل شود و ثانیاً فضا به گونه‌ای رقم بخورد که شخصیت‌های چون هاشمی‌رفسنجانی در این انتخابات نیز رأی نیاورند و یا با آرای کم به مجلس خبرگان راه یابند و در نتیجه برای همیشه از صحنه سیاسی کشور حذف شوند. در عین حال روستاییانی که به دلیل انتخابات شوراها و علایق محلی به پای صندوق‌های رأی می‌روند، آققدر در صندوق‌های خبرگان با تشویق عوامل پای صندوق رأی بریزند که مقبولیت مردمی آقایان تأمین نشود.» گروه‌های دوم خرداد نیز اعلام کرده بودند در انتخابات خبرگان از نظر مجممین (مجمع روحانیون مبارز و مجمع محققین حوزه علمیه) پیروی خواهند کرد، اما مجممین به دلیل آنچه رد صلاحیت‌های گسترده و ناعادلانه می‌خواندند، فهرستی منتشر نکردند. پس از امتناع مجممین از ارائه لیست، احزاب کارگزاران سازندگی و اعتماد ملی لیست خود را برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری ارائه کردند که در هر دو نام هاشمی‌رفسنجانی در صدر بود. دیگر گروه‌های دوم خرداد نیز با تمکین از نظر مجممین، بدون ارائه فهرست از پشتیبانی هاشمی دریغ نکردند. بعد از فراز و نشیب‌های مختلف و ارائه ندادن فهرست از سوی مجممین، سرانجام حزب کرویی اقدام به انتشار فهرست کرد که اسامی اعضای آن در تهران به این شرح است: «هاشمی‌رفسنجانی، مشکینی، محمدمحمدی گیلانی، محسن قمی، هاشم‌زاده هریسی، محسن اسماعیلی، باقری‌کنی، محسن خرازی، محسن موسوی‌تیریزی، هاشم بطحایی، امین سبزواری، هادوی، قائم مقامی، کازرونی، حسن روحانی و فاضل گلپایگانی.»

حافظه

نبرد ملازگرد

شکست امپراتوری بیزانس به دست ترکان سلجوقی



رومانوس به مراتب از سلجوقیان بیشتر بود. در این نبرد، رومانوس به اسارت درآمد، اما آلپ ارسلان او را پس از دریافت امتیاز رها کرد. نتیجه این نبرد افزوده شدن ۸۰ هزار کیلومتر مربع بر متصرفات آلپ ارسلان بود. این نبرد که نتیجه آن نابودی ارتش بیزانس به‌دست سلجوقیان بود، می‌توان یکی از تأثیرگذارترین نبردهای تاریخ دانست؛ چرا که سبب ورود ترکان سلجوقی به آسیای صغیر یا آناتولی و فتح بیشتر این نواحی به دست آنان شد. جنگ ملازگرد موجب شد تا امپراتوری سلجوقی در پهنه‌ای از خراسان و (ترکستان) آسیای میانه تا بین‌النهرین و عربستان و آناتولی پدیدار شود. این نیروی بزرگ برای نخستین بار دنیای مسیحیت را در اندیشه بسیج علیه مسلمانان انداخت، چرا که بیزانس به‌عنوان کشور مقدس مسیحیت در خطر بود. افزون بر این، سلجوقیان شهرهای مقدس مسیحیان همچون اورشلیم (بیت‌المقدس) را نیز تسخیر کردند. مورخان کارشناس تحولات قرون وسطی شکست بیزانس در نبرد ملازگرد را آغاز پایان امپراتوری روم شرقی دانسته‌اند.

جنگ ملازگرد از جایگاهی ممتاز برخوردار است. این جنگ میان سلجوقیان و امپراتوری بیزانس درگرفت و با پیروزی سلجوقیان پایان یافت. سلجوقیان شعبه‌ای از ترکان غز بودند. این ایل که از ترکستان گذشته و وارد ماوراءالنهر شد، در حقیقت گله‌بان و بیابانگرد بود؛ اما طی مدت بسیار کوتاه با درهم کوبیدن قدرت غزنویان و سایر قدرت‌های ملوک‌الطوایفی، از ترکستان در شرق تا سواحل مدیترانه در غرب راه به‌تصرف درآورد. در ۲۶ اوت ۱۰۷۱ میلادی بود که نبرد ملازگرد میان آلپ ارسلان سلجوقی و رمانوس چهارم، امپراتور روم شرقی روی داد و آلپ ارسلان برنده آن بود. نبرد در ملازگرد (ملازگرت) واقع در شمال دریاچه وان (آناتولی شرقی) روی داد. آلپ ارسلان نوزده سلجوق که بر سرزمینی از کوه‌های هندوکش تا فرات حکومت داشت، از طریق آناتولی شرقی و جنوبی رهسپار تصرف سوریه بود که با نیروهای نظامی روم شرقی رویه‌ور شد و دو بار از آنان شکست خورد. بار سوم امپراتور رومانوس چهارم شخصاً به جنگ او آمده بود. شمار افراد

دهلیز

ساختار سیاسی نوین

تغییر سبک زندگی ایرانیان در دوران ناصری

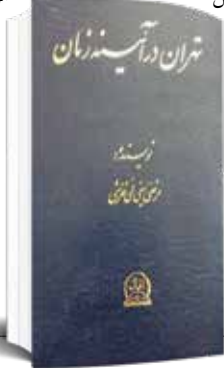
انتشار کرد و از آن پس به تدریج روزنامه‌های مریخ، فرهنگ، دانش، تبریز، اردوی همایون، شرف، و اطلاع، به زبان فارسی و «ژورنال اکوپرس» به زبان فرانسه منتشر گشت. وزارت انطباعات شامل دار‌الترجمه، دایره انطباعات، دایره جریده مصوره، و اداره سانسور بود. در دوران ناصرالدین شاه با دولت‌های آلمان، اتریش، ایتالیا، بلژیک، هلند، آمریکا، برمه، ژاپن، اسپانیا، پرتغال، سوئد و نروژ روابط سیاسی برقرار شد. به تقلید از کشورهای غربی سالنامه تنظیم گردید.

به تدریج موسیقی اروپایی رواج یافت، شناخت سکه‌های قدیمی مربوط به ادوار تاریخ ایران متداول گشت و دار‌الضرب به شیوه اروپا گشایش یافت. پیش از ایجاد دار‌الضرب در هر یک از شهرهای عمده ایران ضرابخانه جداگانه وجود داشت. از طرف حکومت مرکزی نیز در هر یک از شهرهای مزبور قیمی با سمت معیر انجام وظیفه می‌کرد. سه راه ضرابخانه تهران امروز منسوب به همین ضرابخانه مرکزی است. با شناخت بیشتر درباره مسکوکات، بسیاری از سکه‌های قدیمی به مجموعه‌های شخصی راه پیدا کرد یا به وسیله دلالان و خاورشناسان به موزه‌های غرب و شرق انتقال یافت و استفاده از تلسکوپ و میکروسکوپ از همین دوره آغاز گشت. فوج‌های قشون نیز از همین زمان به تفنگ‌های سوزنی و ماشینی مسلح شدند.»

مواجهه ایرانیان با غرب در دوران ناصری موجب تغییرات سریع سبک زندگی ایرانی‌ها شد؛ مواجهه‌ای که در حوزه ساختار سیاسی نیز خود را نمایان کرد و شاهد شکل‌گیری نهادها و مجموعه‌های جدیدی بودیم که پیش از آن در اداره کشور وجود نداشتند. در کتاب «تهران در آیین زمان» که به قلم «مرتضی سیفی قمی‌نقرشی» تحریر شده، آمده است:

«گذشته از تشکیل دار‌الشورای کبری و مجلس تحقیق، وزارتخانه‌هایی به نام تجارت، دربار اعظم، قوایدعامه، پست‌ممالک‌محروسه، امور خارجه، وظایف و اوقاف، رسائل خاصه، خالصه و دیوان، فلاحت و زراعت بحریه، حرمانخانه، قورخانه، نظام، تلگراف، بقایای حکام، صنایع و معادن و انطباعات تأسیس شد. همچنین به تقلید از کشورهای غربی اداره‌ای به نام تذکره (گذرنامه) ایجاد گشت و نیز مؤسساتی مانند دیوانخانه صندوق عدالت و مصلحت‌خانه در تهران گشایش یافت.

نهادهای اخیر، حکم مُسکِن را داشت و برای فرونشاندن شور و هیجان روشنفکران و خواستاران حکومت قانون به وجود آمده بود. ضمناً برای آنکه مشاغل دولتی مهم جلوه داده شوند، به همه آنها عنوان «وزارت» دادند. در چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه یک روزنامه رسمی شروع به



سیاست نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری-۷ شناخت ظرفیت‌ اصلاحاتی ایران

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

همان طور که در شماره گذشته اشاره شد، آیت‌الله فضل‌الله نوری به علت تماس روزانه با طبقات مختلف مردم در مجلس درس و روضه و محاکمه شرع و به‌ویژه حضور مستمر (حدود ۳۰ ساله) در پایتخت و سابقه طولانی مبارزاتی (شرکت در جنبش تنبکاو و عدالت‌خانه و...)، از پیشینه فکری و عملی اشخاص و گروه‌های مؤثر در حوادث کشور اطلاع وافر داشت. روی این جهات به طور طبیعی از مراجع مشروطه‌خواه نجف که ارتباطشان با قضایای تهران به نحو غیر مستقیم بود، در ریشه‌یابی و کالبدشکافی قضایا، شناخت ماهیت و اغراض صحنه گردانان و پیش‌بینی عواقب امور، بسیار موفق‌تر بود. ناظم‌الاسلام کرمانی که خود از پیشگامان مشروطه بود، با اشاره به درگذشت آیت‌الله میرزا حسین خلیلی‌تهرانی (از مراجع مشروطه‌خواه نجف) در شوال ۱۳۲۶ ق می‌نویسد: «اگر چه این بزرگوار مشروطه‌خواه بوده، ولی هرگز راضی به این وضع هرج و مرج نبود و اگر مطلع بر مقاصد فرنگی‌مآب‌ها و اشخاص مفسد و شر طلب می‌شد، اصلاً مشروطیت را اجازه و اذن نمی‌داد[۱]!». اگر قرار باشد فهرستی از نامان و ندامت مخالفان شهید نوری و نیز سیر معکوس و منزل تاریخ مشروطه تهیه شود، امثال کسروی‌ها و عبدالهادی حائری، عین‌السلطنه تا قهرمانان بزرگ مشروطه مانند ستارخان و باقرخان نیز در آن‌جای خواهند یافت و همه اینها، بی‌گمان گواه دوربینی و آینده‌نگری شیخ شهید و صحت هشدارهای اوست و در این زمینه باید حق را به مرحوم «جلال‌آل‌احمد» داد که می‌گوید: «... در نهضت مشروطه، گویا حضرات روحانیان شرکت‌کننده، گمان می‌کردند که سلطنت را از غاصبان حق و مقام «امام زمان» پس خواهند گرفت یا دست کم حکومت که به شورا بدل شد ایشان را نیز به نمایندگی «صاحب‌الأمر» در آن حقیی خواهد بود. ولی با خلع ید از روحانیت که حاصل اصلی مشروطه بود، گویا امروز حق داریم که نظر شیخ شهید نوری را صائب بدانیم که به مخالفت با مشروطه برخاست و مخاطرات آن را برای روحانیت گوشزد کرد. چرا که او می‌دید مشروطیت به جای خلع ید از حکومت جبار زمان(سلطنت قاجار)، از روحانیت خلع ید خواهد کرد...!»^۲ فرد مصلح باید میزان ظرفیت و آمادگی مردم را برای پذیرش و انجام طرح‌های اصلاحی خُرد و کلان خود، دقیقاً مدنظر قرار داده و به‌ویژه از تقلید «شکلی» و کپی‌برداری نسنجیده از الگوها و برنامه‌ریزی‌های دیگر کشور-ه که در اوضاع و شرایط فرهنگی، سیاسی و اقلیمی مغایری به سر می‌برند بهره‌یزد. یکی از مهم‌ترین ایرادهای شیخ به مشروطه‌چیان تندرو و سکولار این بود که آنها می‌خواستند بدون در نظر گرفتن آمادگی ملت ایران و رسوم و عقاید و سنن ریشه‌دار ملی و دینی این سرزمین، قوانین غربی را بر کشور تحمیل کنند. در همین راستا وی استقرار نظام پارلمانی مطلقه غربی و رواج آزادی‌های بی‌حد و حضر اروپایی را در اوضاع و احوال آن روز کشورمان به دلایل جامعه‌شناختی و ملاحظه اوضاع و شرایط فرهنگی- اجتماعی و اقلیمی خاص این مرز و بوم در آن روزگار به نفع ملت ارزیابی نمی‌کرد. منابع در دفتر نشریه موجود است.

بازنمایی مبانی اندیشه‌ای **قصه پر غصه خصوصی‌سازی‌های ناقص**

پایگاه دولتی بورژوازی کمپرادور



مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی

قصه خصوصی‌سازی ناقص و آلوده به فساد و رانت در سال‌های اخیر از موضوع‌های مهم و در عین حال تأسف‌بار است که کم و بیش در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور مورد توجه بوده و قوه قضائیه نیز تاکنون اقدامات مؤثر و مفیدی برای مقابله با آن انجام داده است. برخی از مهم‌ترین نمونه‌های این اقدامات بازدارنده دستگاه قضا را می‌توان در ملغی اعلام کردن واگذاری کشت و صنعت مغان، تن‌ماهی‌سازی هرمزگان، کشتارگاه صنعتی شهرکردو... دید.

❖ خصوصی‌سازی به شیوه شرکت هفت‌تپه، مطالعه موردی

هفته گذشته احمد نادری، نماینده مردم تهران در مجلس، در جریان سؤال از آقای دژپسند، وزیر اقتصاد در خصوص علت استنکاف سازمان خصوصی‌سازی از اجرای رأی صادره از سوی دیوان محاسبات مبنی بر خلع ید مالک شرکت هفت تپه، اظهار داشت: «هفت تپه به یک پاشنه آشیل برای نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده؛ آن هم با ناکارآمدی‌هایی که در دولت آقای روحانی مشاهده می‌کنیم.» نادری در ادامه ماجرای واگذاری هفت تپه را این گونه شرح داده است: «یک ابرمتهم ارزی حدود یک و نیم میلیارد دلار از می‌گیرد که به خارج برود و کالای اساسی مورد نیاز مردم را تأمین کند و به داخل کشور وارد کند. این فرد پول را در این اتاق می‌گیرد و در اتاق بفل آن را به ریال تبدیل می‌کند و بدون اینکه داری از این پول را از کشور خارج

کند و بدون اینکه کالایی وارد کشور شود و این پول یک و نیم میلیارد دلار شروع به چرخش کثیف در کشور می‌کند و نهایتاً به یک منبع برای یک سری کارهای غیرقانونی تبدیل می‌شود. با بخش اندکی از این پول، یعنی حدود ۶ میلیارد تومان هفت تپه را خریداری می‌کند؛ یعنی منشأ خرید هفت تپه همان ارزی است که از دولت گرفته است. زمانی که هفت تپه خریداری می‌شود مالک آن شروع به یک سری کارها می‌کند که در امنیت استان (خوزستان) و زندگی و معیشت کارکنان اختلال ایجاد می‌کند... شرکتی با آن عظمت را واگذار کرده‌اند، ارزش واقعی آن ۲۴۰۰ میلیارد تومان بوده که همان موقع یعنی سال ۱۳۹۴، ۲۹۰ میلیارد تومان قیمت‌گذاری کرده‌اند و آقایان دولتی مجدده ۲۵ درصد تخفیف دادند و نهایتاً ۲۱۰ میلیارد تومان به ایشان دادند که نهایتاً ۶ میلیارد تومان بیشتر پرداختی نداشته است.» آنچه در هفت تپه اتفاق افتاده، ماجرای عجیب و تأسف‌بار است که البته شبیه آن در جریان واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان، آلو مینوم المهدی، پتروشیمی کرمانشاه، کارخانه قند یاسوج، کشتارگاه صنعتی شهرکرد، کارخانه تن ماهی هرمزگان و... تکرار شده و به واسطه فسادها و بی‌تدبیری‌هایی که در این واگذاری‌ها صورت گرفته، عمده این واحدهای تولیدی با توان تولیدی خود را از دست داده‌اند یا اینکه با حداقل توان و ظرفیت خود مشغول کار هستند.

❖ پیامدهای خصوصی‌سازی ناقص پیامدهای خسارت‌بار این قضیه مشخص بوده و به توضیح چندانی نیاز ندارد، اما به طور مختصر باید گفت به تعطیلی کشاندن حیات تولید در کشور و وابسته‌سازی بیشتر کشور به خارج تبعات اجتماعی- امنیتی دارد و بیکار شدن کارگران و افزایش مشکلات

معیشتی- اجتماعی آنها و بروز اعتراض و حتی ناامنی در کشور، از مهم‌ترین تبعات این قبیل خصوصی‌سازی‌های فسادآلود است. نکته جالب در این میان آن است که همه این اتفاقات ناگوار در شرایط اعمال تحریم‌های فلج‌کننده و فشارهای حداکثری دشمنان صورت گرفته است. در واقع، با وجود آنکه شرایط تحریم و فشار خارجی باید ایجاب می‌کرد تا حیات تولید در کشور رونق بگیرد، اما با این قبیل اقدامات خلاف، در عمل، بخشی از جورجین و نقشه تحریمی دشمن تکمیل شده است. به عبارت دقیق‌تر، با وجود تلاش بخش‌هایی از کشور برای مقابله با تهاجم اقتصادی دشمن، تلاش‌ها چندان ثمربخش نخواهد بود؛ زیرا کشور هم باید با عوامل خارجی و هم هم‌پیمانان داخلی آنها مبارزه کند. با این حال، یک سؤال اساسی در اینجا مطرح می‌شود که عبارت است از اینکه چرا دولت جلسوی این قبیل اقدامات را نکرفته است؟

❖ مبانی اندیشه‌ای و رویکردی خصوصی‌سازی‌های ناقص در پاسخ به پرسش مطرح شده باید گفت، دولت خود بخشی از پروژه خصوصی‌سازی ناقص است و خواسته یا ناخواسته به این روند کمک کرده است. برای نمونه، این بخش از سخنان نادری نماینده تهران، بسیار گویا بوده و جای تأمل دارد: «سه دستگاه نظارتی سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سازمان خصوصی‌سازی گزارش دادند که این فرد اهلیت و صلاحیت ندارد و باید این خصوصی‌سازی لغو شود. این نامه صالعی، رئیس معزول سازمان خصوصی‌سازی توسط آقای دژپسند است که به آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهور نوشته که ایشان اهلیت ندارد و

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۳۴

دستاوردهای علمی و فناوری

خاکی با هسته رُسی و ارتفاع ۱۲۷ متر است که به دست پرتوان متخصصان داخلی ساخته شده است. استفاده از سلول‌های بنیادین برای ترمیم ضایعات قلبی برای اولین بار در جهان، تولید سلول‌های بنیادین جنینی که نام ایران را در میان ۱۰ کشور برتر دنیا که به این فناوری دست یافته‌اند، ثبت کرد.

ماهواره امید که با تلاش متخصصان ایرانی در داخل کشور تولید و به فضا پرتاب شد، ماهواره‌بر سفیر با به کارگیری بیش از ۱۰ هزار قطعه متون، نخستین موشک ماهواره‌بر ایران بود که با پرتاب موفق آن، توانایی کشور در قرار دادن محموله‌های سبک در مدار پایین زمین به اثبات رسید. دستیابی به فناوری شبیه‌سازی هواپیما موجب شد ایران در رتبه اول غرب آسیا در زمینه ساخت سیمپلاتور قرار گیرد. ساخت داروی نوترکیب گاما اینترفرون به‌دست محققان ایرانی، بعد از آلمان و آمریکا، ایران را به سومین کشور تولیدکننده این دارو تبدیل کرد. این دارو نوعی داروی نوترکیب انسانی به شمار می‌رود که در درمان جانباران شیمیایی مبتلا به عوارض ریوی و بیماران CGO – که مبتلا به نقص ژنتیکی منجر به گرانولوماتوز مزمن هستند-به کار می‌رود.

در حوزه نظامی که دستاوردهای بی‌شماری ثبت شده است. از ساخت تجهیزات نظیر تانک ذوالفقار۳، جنگنده رادارگریز شفق، زیردریایی غدیر تا طراحی و ساخت انواع موشک‌ها از جمله دستاوردهای نظام انقلابی در حوزه نظامی به شمار می‌آید.

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتمه آموزش عالی شهید محلاتی(ره)



از دیگر دستاوردهای نظام انقلابی، پیشرفت علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی در ایران پس‌انقلاب است. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی، حمل‌ونقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل کرده دانشگاهی، ده‌ها طرح بزرگ بنیادی، فناوری نانو، زیست فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد.

برای نمونه در انرژی هسته‌ای که بر اساس آن ایران جزء ۱۰ کشور دارنده فناوری غنی‌سازی در دنیا قرار گرفته است، شبیه‌سازی مدرن اولین جاندار ایران با عنوان رویانا که موجب شد، ایران به جمع معدود کشورهای جهان بپیوندد، صنعت سدسازی شامل کارون۳ و سد بتنی کارون۴ به‌عنوان بزرگ‌ترین سد خاوریانه با ارتفاع ۲۳۰ متر و طول تاج ۵۷۴ متر، سد کرخه استان خوزستان به‌عنوان سدی



سرعت و عمق دگردیسی و تطور فکری دکتر عبدالکریم سروش روند افزایشی بالایی پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که روز به روز مطالبی عجیب‌تر از وی یا درباره وی شنیده می‌شود. تمرکز این شاذاندیشی‌ها و نادرگویی‌ها بیشتر جهت دینسی دارند. برای نمونه، وی در یک ادعای عجیب و بی‌اساس درباره ارتباط جنسی با محارم می‌گوید: «در گذشته ارتباط جنسی با محارم داشتن، اخلاقاً ممنوع بوده است-اصلاً کاری به ادیان نداریم، خوب حرام هم بود-ولی امروز به عنوان یک حق شناخته می‌شود... در گذشته اگر یک زن شوهردار ارتباطی با مرد بیگانه داشته باشد، اخلاقاً جرم بود و شرعاً البته حرام، ولی امروزه جزء حقوق زنان است، یعنی اگر چنین کاری کند هیچ قانونی گریبانش را نمی‌گیرد.» وی در اقدامی عجیب‌تر همجنس‌گرایی را یک حق انسان حق‌مدار عصر حاضر می‌داند و به خود اجازه اظهار نظر در رابطه با چنین حقی را



نمی‌دهد. این در حالی است که تمامی ادیان مخالفت صریح خود با همجنس‌گرایی را اعلام داشته‌اند. آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی و آیت‌الله حسین نوری‌همدانی از مراجع تقلیدی هستند که در این باره به شدت از سروش انتقاد کردند.

آیت‌الله جعفر سبحانی هم طی یادداشتی، با عنوان «اندیشه‌های عبدالکریم سروش در مورد قرآن» به این یاووسرایی‌ها واکنش نشان داد و این سؤال را طرح کرد که «او با آن چهره نورانی و بیان شیرین، روزگاری مدرس نهج‌البلاغه بود، خطبه همام را به نحو دلپذیری تفسیر می‌کرد، چه شد که از این گروه این همه فاصله گرفت؟»

عده‌ای در پی طرح سؤالی از آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی از وی در مورد دیدگاه‌های سروش پرسیدند که وی در جواب نوشت: «به یقین این گونه سخنان هیچ گونه سازگاری با متون اسلامی به خصوص قرآن مجید ندارد و دانسته یا ندانسته جسارت عظیمی به قرآن مجید و پیامبر عظیم‌الشان اسلام است و قداست قرآن را زیر سؤال می‌برد.»

انتقادات به سروش به پایگاه‌های فلسفه غرب هم کشید. افرادی مانند محمدرضا نیکفر(فیلسوف پدیدارشناس) و جواد طباطبایی(فیلسوف سیاسی) از سروش انتقاد کردند. «عدم انسجام فکری عبدالکریم سروش»، «تکیه او بر ذات باوری»، «درک نارسش از مفاهیم بنیادی فلسفه سیاسی» و نیز «الهیات مسیحی» از جمله انتقادات آنان بود.



مجیدی رضاخواه، نماینده مجلس: به دلیل اشکالات ساختاری متعدد، موافق تأیید لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیستم. بازگرداندن آن به دولت هم ثمری ندارد؛ دولتی که در یک سال فرصت این بودجه را تهیه کرده، در دو هفته معجزه نمی‌کند! در کمیسیون تلفیق، پیگیر پیشنهادهای اصلاح ساختاری مبتنی بر سیاست‌های سیاست‌های کلی و قانون برنامه هستم.



مجید شاکری، کارشناس مسائل اقتصادی: می‌شد متن نامه رئیس‌جمهور محترم به رئیس مجلس درباره اصلاح بودجه را در یک جمله خلاصه و پیامک کرد تا در هزینه‌های اداری هم صرفه‌جویی شود. مثلاً: «خدا کریمه» یا «بینم چی میشه» یا «یه کاری‌اش می‌کنم حالا».



رضا رشیدپور، مجری تلویزیون: در واکنش به تمسخر تست واکسن ایرانی کرونا؛ شما درست می‌گویید. ایرانی توان هیچ پیشرفتی را ندارد و کلاً باید مسخره‌اش کرد. هر چه مسخره‌تر روشن‌فکر(نما)‌تر. نانو و رویان و ماهواره و رکورد پیوند کبد و شگفت‌انگیزترین جراحی‌های قلب‌ودانش ساخت ساختمان‌های عظیم و تعمیرات پیچیده‌ی هواپیما و... همگی مسخره است. تاکماچی می‌خواهیدین مسخره کنید؟



امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل: سران جمهوری‌خواه با درخواست ترامپ برای افزایش کمک مالی کرونایی به خانواده‌های آمریکایی و همچنین، وتوی بودجه دفاعی امریکا-آمریکا مخالفت می‌کنند و ترامپ نیز متقابلاً سران حزب جمهوری‌خواه را رقت‌انگیز می‌خواند و در مورد مرگ آنان هشدار می‌دهد. جنگ به درون «خانه» کشیده شده است.



هادی سمیعی؛ فعال فضای مجازی: توریست‌های اسرائیلی که به امارات سفر می‌کنند، اشیاء درون هتل‌ها را از حوله حمام و اتو گرفته تا چوب لباسی، قهوه اسپرسو و... به سرقت برده، داد هتل‌داران اماراتی را در آورده‌اند. این جماعت به دزدی و غصب عادت کرده‌اند!



امیر حسام؛ فعال فضای مجازی: دستگاه شتاب‌دهنده خطی با نام ۶MV OMID برای نخستین بار در ایران توسط از سوی شرکت دانش‌بنیان بهیار صنعت سپاهان به عنوان طرح کلان ملی طراحی و تولید شد. این دستگاه برای رادیوتراپی بیماران سرطانی استفاده می‌شود و حالا ایران چهارمین کشور تولیدکننده در جهان شد. وسط تحریم، زیبا نیست؟

پشت پرده تولید و اکران فیلم سینمایی «بانوی بهشت» در ایام فاطمیه و سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی

تفرقه بینداز و حکومت کن!



نوید کمالی

دبیر گروه رسانه



اوایل هفته گذشته انتشار نسخه تبلیغاتی فیلم انگلیسی «بانوی بهشت» در فضای مجازی توجه افکار عمومی کشورمان را به خود جلب کرد؛ به گونه‌ای که جست‌وجوی اخبار و اطلاعات جدید در رابطه با این فیلم سینمایی به ترند اول فضای مجازی کشورمان بدل شد که در پی آن بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی در صفحات مجازی خود به این فیلم و حواشی آن توجه کردند.

فیلم «THE LADY OF HEAVEN» در زبان عربی «سیده‌الجنة» و در فارسی «بانوی بهشت» نام‌گذاری شده است و بر اساس اطلاعات پایگاه IMDb ضبط این فیلم در شهرهای تقلیس و لندن انجام شده و بودجه ساخت آن نیز معادل ۱۵ میلیون دلار بوده است.

این فیلم محصول جریان تفرقه‌افکن «شیعه انگلیسی» است که در کارنامه آن جز اقدام علیه وحدت مسلمانان جهان چیز دیگری نمی‌توان یافت، لذا بدون نیاز به هیچ تحلیل و بررسی ویژه‌ای، قرار گرفتن این جریان در پشت صحنه تولید و انتشار این فیلم به ظاهر تاریخی خود نشان از ماهیت تفرقه‌افکنانه این محصول سینمایی دارد.

البته خوشبختانه با توجه به روشنگری‌های صورت گرفته در چند سال اخیر شیعه انگلیسی یا همان «شیعه لندن» دیگر برای عموم مردم کشورمان معنا پیدا کرده و مانند سابق ناشناخته نیست؛ به ویژه به این دلیل که پس از تبیین «اسلام آمریکایی» در برابر اسلام ناب محمدی(ص) از سوی امام خمینی(ره)، اقدام بهنگام رهبر معظم انقلاب(حفظه‌الله) در معرفی «تشیع انگلیسی» موجب شد تا سطح آسیب‌پذیری افکار عمومی کشورمان در برابر توطئه‌های ادرافی و عقیدتی این فرقه تحت نفوذ و هدایت سرویس اطلاعاتی

تفرقه‌اندازی غرب، در سایه غفلت ما

با معامله قرن هستند، فیلم تفرقه‌افکن «بانوی بهشت» از سوی جریان شیعه انگلیسی را تولید و اکران کند!

این فیلم انگلیسی که نام اصلی آن «THE LADY OF HEAVEN» است در ظاهر با هدف ریشه‌یابی تفکر داعش و بازنمایی حوادث مهم صدر اسلام تولید شده است؛ اما هدف از پرداختن این فیلم به وقایع تاریخی حساس و مهم تاریخ صدر اسلام چیزی جز تفرقه افکنی در جهان اسلام نیست! این فیلم یک درام اکشن و تاریخی انگلیسی-آمریکایی با ظواهری اسلامی است و سرمایه‌گذاران آن تلاش کرده‌اند با به‌کارگیری تکنیک‌های روز سینمایی این اثر تفرقه‌ساز را برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان جوان جذاب و تماشایی کنند تا این گونه ادراک آنها را تحت تأثیر قرار داده و ناخواسته آنها را به سمت اجرای گام بعدی توطئه خویش بکشاند و این گونه افکار عمومی جهان اسلام را از توجه به مسئله فلسطین بازدارند!

شیعه انگلیسی به سرکردگی «یاسر الحبيب» مشاهده کرد.

متأسفانه باید پذیرفت، این جریان و سایر جریان‌های معاند تفرقه‌ساز بخش قابل توجهی از مأموریت ضد اسلامی خود را با بهره‌برداری از کم‌کاری‌نهادهای مسئول کشورمان پیش می‌برند!

به عبارت دقیق‌تر وقتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام و تشیع بعد از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی یک محصول سینمایی ویژه راجع به زندگی حضرت زهرا(س) تولید نکرده است، بدیهی است که جریان نفاق درست در برهه‌ای که پرونده داعش به پایان رسیده و افکار عمومی جهان اسلام بار دیگر به سمت مسئله فلسطین جلب شده و مسلمانان در حال متحد شدن برای مقابله



به مقصود خود برسند؛ چرا که از منظر آنها ایجاد تفرقه بین مسلمانان می‌تواند از اشاعه و رشد اسلام جلوگیری کرده و زمینه را برای چپاول و سرقت دارایی‌های ملت‌های مسلمان مهیا کند؛ از این رو تفرقه‌افکنی در بین مذاهب اسلامی را می‌توان یکی از حربه‌های کلیدی دشمن در جهت تضعیف جهان اسلام دانست.

ایجاد نفاق و تفرقه در جهان اسلام عمدتاً منشأ خارجی دارد، اما گاه برخی جریان‌های منافق خودفروخته در راستای تأمین منافع اربابان خارجی خود زمینه‌های ایجاد نفاق و تفرقه در کشورهای اسلامی را فراهم می‌کنند که نمونه آن را می‌توان در ماجرای تولید و انتشار فیلم تفرقه‌افکن «بانوی بهشت» از سوی جریان

علی گلشن

کارشناس بین‌الملل



دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی از سوی پیامبر اکرم(ص) به بشریت عرضه شد تا با نور بصیرت خودگمراهی و ناآگاهی را از زندگی نوع بشر بزدايد، اما از آنجا که روشنگری و آگاهی‌بخشی دین اسلام موجب از دست رفتن سلطه و استعمار مستکبران عالم می‌شد؛ لذا همان شروع دعوت عمومی پیامبر(ص)، دشمنان آزادی بشر برای مقابله با اسلام و متوقف کردن جریان پیش‌رونده و پیش‌برنده آن بسیج شدند و با انواع ترفندها و نیرنگ‌ها برای به انحراف کشیدن آن تلاش کردند، به همین دلیل نیز مستکبران عالم از حجاز ۱۴۰۰ سال قبل گرفته تا آمریکا و اروپای ۲۰۲۱ سال همواره کوشیده‌اند با بهره‌گیری از ترفند تفرقه‌افکنی در جوامع اسلامی

پژواک

ربات‌های تب‌سنج!

تشخیص هوشمند مبتلایان به کرونا



کرونا هنوز درمان مشخصی ندارد و بهترین راهکارها برای کاهش آمار ابتلا به آن و مرگ و میر ناشی از آن، تشخیص به موقع و قرنطینه کردن افراد و مناطق آلوده است. به همین منظور، شهر بمبئی در هند، به تازگی از ربات‌های هوشمندی رونمایی کرده است که با قرارگیری در راه آهن مرکزی این شهر از مسافران تب‌سنجی می‌کنند. این ربات‌ها از طریق غربالگری حرارتی به افراد کمک می‌کنند تا از سلامت خود و همسفران‌شان مطمئن شوند.

خبر خوب

۲ هزار مقاله

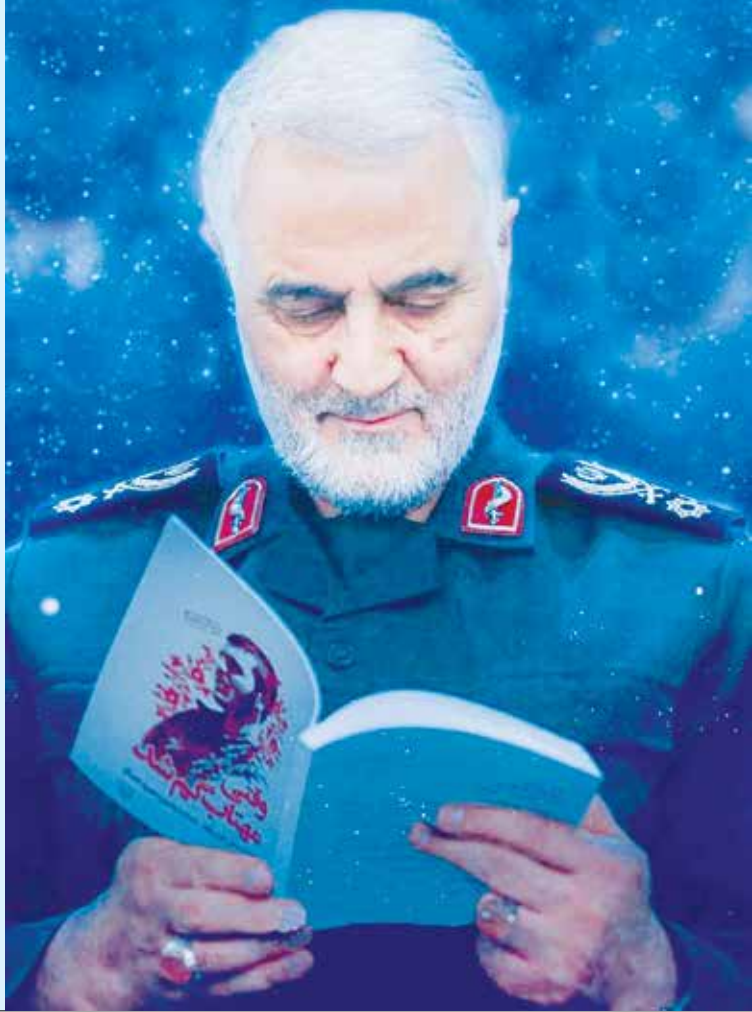
دانشمندان ایرانی علیه کرونا



رئیس مرکز تحقیقات ایمونولوژی، آسم و آلرژی دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به سهم دانشمندان ایرانی از تولید علم در راستای مقابله با کرونا اظهار داشت: «دانشمندان ایرانی در کمتر از یک سال حدود ۲ هزار مقاله در زمینه مقابله با کرونا منتشر کرده‌اند.» معین افزود: «کارهای علمی بسیار خوبی در کشور و به دست دانشمندان جوان ایران اسلامی انجام شده که این موضوع نشان‌دهنده استعداد و جدیت دانشمندان ایرانی است.»

به بهانه نخستین سالگرد شهادت «سیدالشهدای مقاومت»

معرفت حاج قاسم از دنیای کتاب



حامد کرمانی زاده

خبرنگار

از جمله ابعاد سبک زندگی «حاج قاسم»، انس او با دنیای کتاب و کتابخوانی و تنوع سلیقه و عمق نگاهش به موضوعات مطالعاتی بوده است. به این بهانه، نگاهی به کتاب‌هایی که سیدالشهدای مقاومت خواندن آنها را توصیه کرده بود و نیز کتاب‌هایی که در این یک سال فراق، گوشه‌ای از شخصیت او را نشان داده، برای اهل کتاب سودمند است.

♦ معرف، حاج قاسم!

در میان صدها کتابی که حاج قاسم خوانده و توصیه کرده یا بر آنها تقریظ نوشته بود، چند کتاب در سال‌های اخیر بیشتر بر سر زبان‌ها افتاد. کتاب‌های «من زنده‌ام» خاطرات دوران اسارت معصومه‌آباد، «آن بیست و سه نفر» گزارشی از ماجرای اسارت ۲۳ نوجوان بسیجی لشکر ۴۱ ثارالله(ع) به قلم احمد یوسف‌زاده، «وقتی مهتاب گم شد» خاطرات شهید جانباز علی خوش‌لفظ به قلم حمید حسام، «رادیو» خاطرات سردار آزاده محمدرضا حسینی‌سعدی، «گردان ۴۰۹» روایتی از ساعات پیش از علمیات والفجر ۱۰ نوشته عبدالرضا مزاری و «سربلند» زندگینامه شهید مدافع حرم محسن حججی به قلم محمدعلی جعفری، از جمله آثاری بود که حاج قاسم سلیمانی به آنها اشاره‌های جالبی کرده است. در میان این کتاب‌ها و این تقریظ‌ها، روح لطیف و غیرتمند حاج قاسم در تقریظش بر کتاب «من زنده‌ام» معصومه‌آباد اینطور نشان داده شده است: «خواهرم، مثل همان برادرهای اسیرت همه جا با تعصب مراقبت می‌کردم کسی عکس روی جلد کتابت را نبیند و در تمام کتاب با ناراحتی و استرس به دنبال این بودم که آیا کسی به شما جسارت کرد؟ آخر مجبور شدم روی عکست را با کاغذ بچسبانم تا نامحرمی او را نبیند. برادرت، سلیمانی، بغداد».

یا توصیه جالب حاج قاسم به خواندن کتاب

اعتقادی «الغارات» هم خواندنی است که نوشته بود: «این کتاب الغارات را که قدیمی‌ترین کتاب شیعه هست، بخوانید! حتما بخوانید! مقتل کامل است. اگر آن را بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی‌بن ابی‌طالب است، آگاهانه‌تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم.»

♦ معرف حاج قاسم

در یک سال گذشته، به موازات تولید آثار مختلف هنری اعم از کلیپ، مستند و... درباره فرمانده شهید سپاه قدس، دنیای کتاب و ادبیات هم تلاش کرده تا دین خود را به سردار دل‌ها ادا کند. کتاب «سلیمانی عزیز» یکی از این آثار است که حاصل مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و خاطرات شفاهی دوستان، هم‌زمان و آشنایان شهید سلیمانی است و سعی دارد با قلمی ساده و دلنشین، گوشه‌ای از زندگی مرد همیشه در صحنه جبهه مقاومت را پیشکش نگاه خوانندگان کند. همچنین کتاب «شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی» که بر مبنای سخنان و خاطرات سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی نوشته شده، اثری جامع و مستند از خصوصیات مکتب و تفکرات این شهید است. و انتشارات «خط مقدم» آن را منتشر کرده است. این کتاب به قلم «حجت‌الاسلام علی شیرازی» هم‌رزم قدیمی حاج قاسم و مسئول سابق نمایندگی ولی فقیه در نیروی قدس سپاه نوشته شده و در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: «برای تبیین مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی باید اول مکتب اسلام را بشناسیم. پس از آن، سراغ تشریح مکتب پیامبر(ص) و اولیای الهی برویم و مکتب حضرت سیدالشهدا(ع) را دقیق و عمیق بشناسیم. آن زمان است که مکتب امام خمینی(ره) نمود پیدا می‌کند. با شناخت مکتب خمینی کبیر، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی نیز شناخته شده است.» کتاب دیگری هم با عنوان «مکتب سلیمانی؛ مروری بر آنچه حاج قاسم را شهیدسلیمانی کرد» به همت مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی منتشر شده است.

برداشت

حق قهرمانان بر اهاالی هنر

نگاهی به غفلت از معرفی قهرمانان ملی در سینمای ایران

برای نمونه، هالیوود که مسئولیتش بیش از سرگرم کردن مردم، تزریق ایدئولوژی‌های لیبرال سرمایه‌داری غربی است، از طریق سوپرمن‌ها و بتمن‌ها تلاش می‌کند هم تاریخی جعلی برای آمریکا بسازد و هم قهرمانانی پوشالی! اما موضوع

زمانی دردناک می‌شود که کشوری با پیشینه بسیار غنی و داشتن قهرمانان بزرگی که نه یک بُعد از زندگی‌شان، بلکه تمام وجوه شخصیتی‌شان می‌تواند الگویی برای یک ملت باشد، در سینما و تولیدات تلویزیونی خود از معرفی این قهرمانان

غفلت می‌کند. اگر از چند اثر قابل ستایش در سال‌های اخیر، همچون ایستاده در غبار، ج. و.. بگذریم سینمای ما نتوانسته‌آطور که باید قهرمانان واقعی مانند باکری‌ها و جهان‌آراها به مردم معرفی کند و اگر کاری هم شده است، آنقدر ضعیف و کلیشه‌ای بوده که نتوانسته به خوبی دین خود را به آنان ادا کند؛ این در حالی است که در یک مقایسه ساده میان آنچه در سینمای ایران می‌گذرد و آنچه در صنعتی چون هالیوود جریان دارد، می‌توان به این مهم پی برد که هالیوود به جز خلق آثار جذاب سینمایی، تلاش می‌کند برای مردم به خصوص نوجوانان قهرمان‌پر دازی کند. با همه کارهای کرده و ناکرده‌ای که در تمامی این سال‌ها در سینما و تلویزیون مادر حوزه قهرمان‌سازی صورت گرفته، حالا وقت آن رسیده که به این موضوع بیش از پیش توجه شود تا ذره‌ای از حق مطلب درباره قهرمانانی مانند شهید سلیمانی که در قلب مردم جا داشته و دارند، ادا شود.



نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



«قهرمان‌سازی» یکی از اولویت‌های فرهنگی هر کشور است که باید با ادبیات و به ویژه تولیدات سینمایی و تلویزیونی به آن توجه کرد. برخی کشورها در این رابطه تاریخ‌سازی کرده و تلاش می‌کنند بعضی از شخصیت‌های مهم خود را که شاید ابعاد مختلف زندگی و شخصیتی‌شان هیچ‌گونه قربانی با یک قهرمان ندارد، تنها به دلیل موفقیت در یک حوزه، قهرمان ملی معرفی کنند. موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که برخی کشورها به دلیل نداشتن یک قهرمان واقعی، دست به دامن سوپرمن‌های خیالی شده و تلاش می‌کنند از آنها الگویی برای جامعه خود بسازند، و اصولاً این کار را با صنعت سینمایی خود جلو می‌برند.

رسانه ملی

جلال

سربالی برای دهه فجر



فصل دوم سریال «جلال» روزهای پایانی تصویربرداری‌اش را می‌گذراند و گروه می‌کوشد همچون فصل اول، سریال را به برنامه‌های دهه فجر شبکه یک سیما برساند. کاری که قرار است تا آزادسازی سوسنگرد به دست نیروهای قهرمان آذربایجان در جنگ هشت ساله پیش برود.

در جلال ۲ به تهیه‌کنندگی علیرضا جلالی و کارگردانی حسن نجفی بازیگران جدیدی همچون همایون ارشادی اضافه شده‌اند. عمار تقی و حمیرا ریاضی و دیگر بازیگران فصل اول در این بخش هم گروه را همراهی می‌کنند.

کتاب

به امین بگو دوستش دارم

روایتی از عصر پیامبر(ص)



«به امین بگو دوستش دارم» نوشته مریم راهی است که انتشارات کتاب نیستان آن را منتشر کرده است. مریم راهی که پیش از این کتاب «فردا مسافرم» از او منتشر شده، در این داستان به روایت تاریخی از صدر اسلام دست زده است. وی در این کتاب وقایع شهر مکه را قبل از ولادت

حضرت محمد(ص) و حتی قبل از ولادت پدر بزرگوارشان روایت کرده و تا دوره نوجوانی پیامبر(ص) پیش می‌رود. در ادامه مخاطب با زوایای تازه‌ای از عصر پیامبر اکرم(ص) آشنا می‌شود.

مستند

گردان تک نفره

قصه ناگفته یک قهرمان



گردان تک نفره که در چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت به نمایش درآمد، مستندی جذاب درباره مردی گچسارانی است که در میدان جنگ تحمیلی صدام به ملت ایران یک چهره سرشناس و تأثیرگذار بود. مردی که تبحر فوق‌العاده‌اش در استفاده از اسلحه در اگائف و را آنچنان

معروف می‌کند که بی‌شباهت به قهرمان‌های اسطوره‌ای نیست. «گردان تک نفره» لقبی است که شهید خرازی به تک تیراندازش، یعنی «عبدالرسول زرین» داده بود. داریوش یاری برای روایت این مستند، برخی از صحنه‌ها را بازسازی کرده است.

۱۳

فرهنگ

شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

انتظارات و بودجه ناچیز

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار

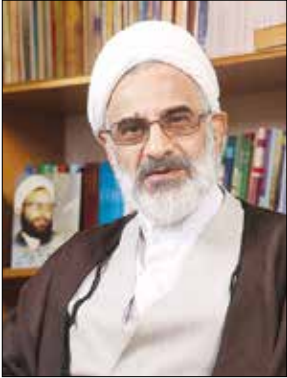


کرونا بخش مهمی از فعالیت هنرمندان حوزه‌های تجسمی را با بحران مواجه کرده است؛ بحران اقتصادی سفارش محصولات تجسمی را کاهش داده و کرونا هم بر این بحران، مزید بر علت شده است. این شرایط البته چندان از سوی مسئولان جدی گرفته نشده است و نگاهی به بودجه کل کشور در سال آینده نشان می‌دهد، سهم هنرهای تجسمی از بودجه عمومی دولت در سال آینده در حدود یک ده هزارم بودجه عمومی است. اما سؤال اینجاست که با چنین شرایطی آیا می‌توان چشم‌انداز خوبی از توسعه هنرهای تجسمی در کشور داشت؟ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور در حالی این روزها در مجلس بررسی می‌شود که مقایسه بودجه‌های درج شده برای وزارتخانه‌های مختلف کشور نشان می‌دهد، از ۹۲۹ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی دولت در سال آینده تنها ۱۲۵۰ میلیارد تومان آن سهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و از این سهم ناچیزی که اندکی بیش از یک هزارم بودجه است، فقط ۱۲۵ میلیارد آن- که ۱۰ درصد کل بودجه وزارت مذکور را شامل می‌شود- به هنرهای تجسمی اختصاص یافته است. اقتصاد هنرهای تجسمی که یکی از مزیت‌های نسبی هنر ایران است، در سال‌های اخیر با بحران جدی در کشور روبه‌رو شده است؛ از یک‌سوتعداد هنرمندان و دانش‌آموختگان هنرهای تجسمی در کشور رو به افزایش است و از سوی دیگر، تعداد خریداران آثار هنری با وجود برگزاری گالری‌های مختلف در کشور، رو به کاهش است و «کرونا» نیز بیش از گذشته این هنر را دچار مشکل کرده است. البته در همین شرایط، برخی هنرمندان قیمت‌های بالایی روی آثار خود می‌گذارند و نکته جالب توجه این است که برخی از این آثار در قالب حراجی‌ها یا با واسطه برخی لابی‌ها در نمایشگاه‌های خارجی فروش می‌رود، اما بخش بزرگ‌تری از هنرمندان امکان عرضه آثار خود را در این قالب‌ها نداشته و سهمی هم از فروش آثار هنری ندارند. فعالان عرصه هنرهای تجسمی معتقدند، در این وضعیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی هنر باید به کمک هنرمندان بیاید؛ اما واقعیت عملی که بودجه این وزارتخانه است، نشان می‌دهد نمی‌توان امید چندانی به این حمایت‌ها داشت. در لایحه بودجه تنظیم شده از سوی دولت برای سال آینده، سهم «برنامه حمایت و گسترش هنرهای تجسمی» ۴۵ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان برآورد شده است. این رقم پیشنهادی برای سال جاری ۳۳ میلیارد و ۹۲۵ میلیون تومان بود که تمام آن هم تخصیص داده نشده و با پیش‌بینی انجام شده برای سال آینده، این رقم با حدود ۱۰ میلیارد افزایش همراه خواهد بود. البته حمایت مذکور در این بند، قرار است در قالب‌های مختلفی مانند آموزش، ترویج و حفظ آثار بومی و قومی ایران اسلامی، حمایت از مؤسسات، انجمن‌ها، مراکز و تشکل‌های صنفی هنرهای تجسمی، نظارت بر فعالیت‌های تجسمی، حمایت از حضور بین‌المللی هنرمندان تجسمی، کمک به تقویت آرشیوهای هنر بومی، کمک و حمایت از برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های هنری تجسمی و فعالیت‌های موزه هنرهای معاصر هزینه شود که بررسی این بندها هم نشان می‌دهد هنرمندان نمی‌توانند چشم امید چندانی به حمایت مستقیم دولت از آنها داشته باشند.

پیام

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد

فیلسوف برجسته و مجاهد استوار



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار پیامی ارتحال آیت‌الله مصباح‌یزدی را تسلیت گفت. متن پیام نماینده ولی فقیه در سپاه به این شرح است:

بیت مکرم و معزز حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی «رحمه‌الله‌علیه» سلام‌علیکم بماصبرتم نفعم عقبی الدار ارتحال عالم ربانی، فیلسوف برجسته و مجاهد استوار حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی مصباح‌یزدی «رحمه‌الله‌علیه» عضو مجلس خبرگان رهبری و بنیانگذار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره» موجب تأثر و تألم فراوان اینجانب گردید.

فقدان این فقیه عالیقدر و یار دیرین امام و سرباز مخلص رهبری و عمار انقلاب در حوزه‌های اعتقادی و فکری که به حق در بیان حقایق بصیرت و صراحت بالایی داشتند، ثلمه‌ای است که به مصداق حدیث شریف «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثَلُمَ فِی الْإِسْلَامِ ثَلْمَةً لَا یَسْدُهَا شَیْءٌ» هیچ چیز جای آن را پر نخواهد کرد.

آن عالم وارسته از یک سو از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی «رحمه‌الله‌علیه» و حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌علیه» و علامه طباطبایی «ره» حظ وافر فکری و معنوی بردند و از سوی دیگر صدها شاگرد توانمند و برجسته در حوزه‌های مختلف علمی تربیت نمودند و در زمان حیات خود نیز نقش مؤثری در رشد فلسفه اسلامی و تقویت انقلاب اسلامی داشته و در عرصه سیاست نیز با جان و دل از انقلاب و رهبری صیانت و در نامالایمات و حوادث چه در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن عمر پربرکت خود را در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی، ترویج فرهنگ اسلامی و پاسداری از حریم ولایت علوی و استقرار نظام جمهوری اسلامی سپری نمود.

اینجانب از عمق جان عروج ملکوتی این عالم فرزانه و بنده مخلص خداوند را به محضر حضرت ولی‌عصر «ارواح‌النفاه»، ولی امر مسلمین حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»، مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه به ویژه بیت مکرم تسلیت و تعزیت عرض نموده و برای آن فقید سعید همجواری با اولیاء‌الله و علو درجات معنوی را از درگاه ذات اقدس ربوبی مسئلت نموده و صبر جمیل و اجر جزیل را برای همه بازماندگان و همراهان داغدار آرزو می‌نمایم.

عبدالله حاجی صادقی
نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی

نگاهی به رابطه علمی و عاطفی آیت‌الله مصباح‌یزدی با امام خامنه‌ای



دیگر نیاز دارد، اما می‌توان از اهم این صحنه‌ها مجمل سخن گفت. آیت‌الله مصباح در هنگامه‌ای پرخطر و پرشبهه که طیفی از مراکز علمی و مطالعاتی در خارج و داخل رسالتی جز تولید شبهه در باره ابعاد اعتقادی و عینی نظام دینی نداشتند و تنها راه ضربه زدن به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را در ایجاد تردید در مبانی و بنیادهای محکم آن می‌دانستند، یک تنه در میدان دفاع ایستاد و در دورانی که امواج فتنه‌ها و طوفان تهاجمات فرهنگی و شبهات بنیان‌کن فکری، اندیشه‌های نارس و دل‌های ضعیف‌الایمان را متزلزل می‌کرد، غیرتمندانه و شجاعانه چونان عمار در وسط معرکه معرفت‌ها و روایت‌ها به تبیین و بصیرت‌افزایی پرداخت و در راه دفاع از نظام ولایی مصباح هدایت و پرچمدار بصیرت شد. وی با اخلاصی که داشت و با تعهد و مسئولیت‌پذیری بالایی که در خود احساس می‌کرد، در این مسیر از هیچ چیز و هیچ کس ملاحظه و پروا نداشت و مصداق روشن آیات «وَلَا یَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» و «وَلَا تَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» بود. آیت‌الله مصباح‌یزدی به تعبیر رهبر حکیم انقلاب، مطهری زمانه بود و همانند شهید مطهری نیازشناس قهرای بود که آستینی پر از نکات علمی نغز در عرصه‌ها و ابعاد مختلف اسلامی و دفاعیات خدشه‌ناپذیر اقناعی در مصاف با طوفان‌های شبهات و سؤالات علمی بود. زمان‌آگاهی و بصیرت دینی و سیاسی آیت‌الله مصباح را می‌توان در راه‌اندازی مراکز و مؤسساتی از جمله «مؤسسه در راه حق»، «بنیاد فرهنگی باقرالعلوم» و در نهایت «مؤسسه بزرگ آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی (ره)» دید که در زمینه پژوهش دین و تربیت طلاب و علاقمندان به دروس دینی و حوزوی سهم فراوانی در پاسداری از حریم اسلام و شعائر اهل بیت(ع) در طول سال‌های گذشته داشتند که حاصل آن تربیت و معرفی چندین چهره شاخص و برجسته در این عرصه بود؛ ایشان با ایستادگی در مقابل هجمه شبهات

رابطه دو‌سویه بود و لذا رهبران عالی انقلاب و نظام، یعنی هم امام راحل و هم رهبر معظم انقلاب، بسیار آیت‌الله مصباح‌یزدی را گرامی می‌داشتند و همواره وی را مورد وثوق و محلی مطمئن برای رجوع خویش در راستای گره‌گشایی از نظام می‌دانستند و آثار وی را مفید در تربیت جامعه اسلامی برای گام گذاشتن در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی و تحقق الزامات بیانیه دوم انقلاب در آغاز چله دوم انقلاب مبارک اسلامی معرفی می‌کردند. آخرین توصیف و تعریف‌ها در کلام رهبر عزیزمان در پیام تسلیت سرشار از حزن و اندوه ایشان متبلور و متجلی است. رهبر معظم انقلاب در سیزده دی ماه در بیانیه‌ای که به مناسبت ارتحال این عالم ربانی و «حکیم مجاهد» صادر کردند، با بیان اینکه «اینجانب خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز می‌باشم»، به خودشان به دلیل فقدان جبران‌ناپذیر مرحوم مصباح تسلا دادند. گستره و عمق رشته محکم پیوندی بین رهبری و مرحوم آقای مصباح را می‌توان در کلماتی همچون «گویایی زبان در اظهار حق» و «پای با استقامتی در صراط مستقیم» داشتن آقای مصباح را در سطور پیام ایشان به وضوح مشاهده کرد. در دیدگاه رهبر معظم انقصاب، خدمات آیت‌الله مصباح‌یزدی در تولید اندیشه دینی، نگارش کتب راه‌گشا، تربیت شاگردان ممتاز و اثر‌گذار و در «حضور انقلابی» در همه میدان‌هایی که احساس نیاز به حضور ایشان می‌شد، از آقای مصباح اندیشمند، مدیر و کارگزاری در «تراز بالای اسلامی و انقلابی» ساخته بود که می‌شد امیدوار به پر کردن جای خالی امثال شهید مطهری به مثابه ایدئولوگ فکری انقلاب در زمانه ما بود.

صحنه‌هایی ناب از دلدادگی ولایی

با همین نگاه اگر اوراق تاریخ را تسور کنیم، شاهد صحنه‌های ناب از دلدادگی ولایی آیت‌الله مصباح‌یزدی در حضور انقلابی و فدعاز ولایت خواهیم بود که اگر چه پردازش مفصل آنها به مجالی

نقادی بزرگان فلسفه بود. او نه تنها در فلسفه اسلامی، بلکه در فلسفه غرب نیز سری در سر هاداشت.

با مرور زندگی ایشان، می‌توان همان گونه‌که علامه طباطبایی بیان داشته بود، تقوای حاصل از فلسفه اسلامی را مشاهده کرد.

این به معنای آن نیست که نقد و نقصی بر ایشان وارد نبود؛ بلکه سخن این است که ممشا و مبنای مواضع و تصمیماتش بر اساس تقصوا و یقین بود، نه هوی و هوس و قدرت و سیاست‌بازی.

او می‌توانست در کنجی به درس و بحث ممحض شود و طمطراق علمی خود را افزونی بخشد و گرد اهانت و هتاک‌ی دونمایگان سیاست به دامنش ننشیند؛ اما بر اساس همین تقوا تشخیص داد باید به عرصه سیاست پا بگذارد و حتی در جزئیات و مصادیق ورود کند. اگر چه آماج هجوم و هتک حرمت قدرت‌طلبان بی‌تقوا هم قرار گیرد و وجهه علمی و آبرویش هم مخلوش شود. این مهم جز با تقوایی عمیق و ریشه‌دار حاصل نمی‌شد.

تواضع و کرنش ایشان در مقابل رهبری، مؤید دیگری بر متقی بودن مصباح‌یزدی است.

انسان تا نفسش را ذلیل نکرده باشد، نمی‌تواند

فتح‌الله پریشان

کارشناس سیاسی



فیلسوف مجاهد، مبارز خستگی‌ناپذیر، یار صدیق حضرت امام خمینی(ره) و عسار رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی)، آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی، رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده چند دوره مجلس خبرگان رهبری، عضو سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی، پس از صرف عمر پر برکت خود در راه اعتلای اسلام، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و تربیت شاگردانی مبارز به مثابه پشتوانه کادرسازی انقلاب و هدایت و روشنگری دینی و انقلابی جامعه، بالاخص نسل جوان رخ در نقاب خاک کشید و به جانان پیوست. ذیل عنوان «بررسی رابطه عاطفی و اعتقادی آیت‌الله مصباح‌یزدی با رهبر معظم انقلاب»، اولین چیزی که به یاد انسان می‌افتد، دیدار سرزده رهبر معظم انقلاب از بیت و مؤسسه آموزشی مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی در قم است که چگونه مر حوم مصباح که خود از حیث علمی، تقوایی و سیاسی در جایگاه بلند و رفیعی قرار داشتند، پروانه‌وار گرد آفتاب وجود رهبر معظم انقلاب می‌گشتند و تلاش می‌کردند بر دستان عمود خیمه انقلاب و نظام اسلامی و نایب امام زمان(عج) بوسه بزنند. این حالت به شدت روحانی و معنوی علاوه بر حکایت از رابطه‌ای مولسوی و مرید و مرادی بین ایسن دو بزرگوار، گویای عمق رابطه اعتقادی مر حوم مصباح به جایگاه رهبری جامعه اسلامی بود.البته این رابطه اعتقادی و عاطفی در زمان امام خمینی(ره) نیز با همین قوت و عمق وجود داشت و سبب‌ساز دفاع قاطعانه و پر قدرت ایشان از مقام ولایت و رهبری و مصداق عینی آن امام و به ویژه رهبری معظم انقلاب می‌شد. می‌توان به جرت ادعا کرد، آقای مصباح در جایگاه اول دفاع از ولایت و رهبری در هر عرصه‌ای که پیش می‌آمد و به دفاع نیاز بود، قرار داشت و با تمام وجود و سرمایه‌سترگ علمی، قدرت استدلالی و فهم اقناع‌گرش حاضر بود.

رابطه دو سویه رهبری و مطهری زمانه

در دهه هفتاد یک جریان خاص سیاسی که نه ظرفیت تحمل آیت‌الله را داشت و نه توان علمی هم‌اوردی با منطق قوی و نظرات علمی وی در دفاع از ولایت فقیه را برمی‌تایید، روی به توهین و تخریب شخصیت حقیقی و علمی وی آورد، اما با دفاع مستحکم رهبر حکیم انقلاب مواجه شد که آیت‌الله مصباح‌یزدی را پرکننده خلأ علمی و فلسفی علامه طباطبایی و شهید مطهری دانستند و به جامعه ایرانی عموماً و جوانان خصوصاً توصیه اکید کردند که از شخصیت علمی و معنوی آیت‌الله مصباح نهایت بهره را ببرند. البته این

مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی



علامه طباطبائی پس از شهادت استاد مطهری در وصف ایشان گفته بود: «انسان باتقوایی بود، تقوایی که از فلسفه اسلامی به دست آورده بود. راز این رابطه شاید این باشد که فلسفه، اندیشه را نظم می‌دهد. مبنای فلسفه بر هان و استدلال و تلاش برای رسیدن به یقین است؛ از این رو فیلسوف می‌کوشد تا از مغالطه و بیان نامرتب دوری کند و همین امر از اندیشه به بیان و عیان او نیز سرایت می‌کند. فلسفه اسلامی به همین امر اکتفا نمی‌کند و به خصوص در حکمت متعالیه و اشراق، در کنار تعقل و تفلسف، تهذیب نفس و نورانیت درون نیز لازم است.»

موضوعی که بی‌تردید مر حوم آیت‌الله مصباح‌یزدی نیز مصداق بارز آن است، چرا که به گواه موافق و مخالف، در چهل سال اخیر، آیت‌الله مصباح جزء فیلسوفان برجسته رده اول جهان اسلام بوده است. او در فلسفه تنها یک مدرس نبود؛ بلکه صاحب ایده و جسارت

فیلسوف پرهیزکار

کاملاً آشنا بود، هم به نظرات روز در علوم انسانی مسلط بود. هم معجهد فقه اکبر بود و هم معجهد فقه اصغر که امروزه این خصوصیت در کمتر دانشمندی دیده می‌شود.

انسجام فکری و استحکام اندیشه ایشان به این دلیل بود که با فلسفه اسلامی بین همه این علوم پیوند برقرار کرده بود و به هر کدام به مثابه یک جزیره از هم جدا نمی‌نگریست؛ بلایی که امروز آسیب بزرگی به علوم انسانی اسلامی زده است. نگرش نقطه‌ای و تک بعدی به مسائل دینی بدون توجه به ابعاد دیگر، ثمره‌ای جز بیان نظرات سست و شبهه‌افکن ندارد.

اتفاقی که در اواخر دهه هفتاد در کشور به وفور رخ می‌داد و شبهات فراوانی را روانه جامعه می‌کرد و در این میان، آیت‌الله مصباح با تفکری یکپارچه و کامل در مقابله با این حملات، بسیار مؤثر بود.

آیت‌الله مصباح‌یزدی را به جرئت می‌توان روحانیت اصیل و تراز منشور روحانیت امام(ره) دانست که نه حیات علمی‌اش را بهانه کوتاهی در حیات اجتماعی و سیاسی‌اش قرار داد و نه به بهانه حضور سیاسی از شاگردپروری و فعالیت علمی دست کشید و در هر دو نیز در اوج بود.

نامنصفانه دشمنان در سراسر حیات پربرکت خویش، نقشی مؤثر در تبیین مبانی و اصول انقلاب اسلامی ایفا کردند و با برگزاری طرح ولایت، گامی بلند در جهت تحقق اهداف بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی و تربیت نسل جدیدی از کارگزاران انقلابی برداشتند. رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از موفقیت‌های آیت‌الله مصباح‌یزدی را تربیت شاگردانی می‌داند که حاصل تلاش ایشان در مؤسسه در راه حق و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) بود: «خوشبختانه یکی از موفقیت‌های آقای مصباح یزدی در قم این است که ایشان بر خلاف خیلی از فضایی ما که فضل‌شان در خودشان منحصر مانده، فضلش در شاگردان خوب سرریز شده است.»

مظهر جهادگری فکری و فرهنگی

یکی دیگر از مظاهر جهاد فرهنگی آیت‌الله مصباح‌یزدی علاوه بر مجموعه سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، طراحی و راه‌اندازی دوره «طرح ولایت» برای دانشجویان سراسر کشور بود. درست در زمانی که دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی با استفاده از فضای دوم خرداد ۱۳۷۶، هجمه گسترده‌ای را به مبانی اسلام و انقلاب اسلامی وارد می‌کردند؛ به همین دلیل آیت‌الله مصباح‌یزدی از جمله شخصیت‌هایی بود که در سال‌های دوران اصلاحات، حجم وسیعی از جوسازی‌ها برای تخریب شخصیت وی صورت گرفت تا او را از صحنه تأثیرگذاری فرهنگی کشور خارج کند؛ اما نه تنها این امواج اهانت‌آمیز خللی در ادامه حرکت روشنگرانه‌وی ایجاد نکرد، بلکه عزم آیت‌الله مصباح را بر پیمودن مسیر خود راسخ‌تر کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» در شهریورماه ۱۳۷۸ نقش آیت‌الله مصباح‌یزدی را در هدایت طرح و برنامه طرح ولایت حائز اهمیت خواندند و فرمودند: «امروز بحمدالله نظام اسلامی ما مفتخر است که شخصیت‌های برجسته علمی و معنوی در آن حضور دارند؛ مثل همین شخصیت عزیز و عظیم ـ جناب آقای مصباح‌یزدی ـ که بحمدالله این کار هم از برکات ایشان است. من ایشان را نزدیک به چهل سال است می‌شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای تعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه طباطبایی، یا مرحوم شهید مطهری استفاده کند، بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کنند. من حقیقتاً خدا را حمد و شکر می‌کنم که جامعه ما و بخصوص نسل جوان ما به ایشان خیلی علاقه دارند. بنده از هر جا که کسب خبر کردم، در سرتاسر کشور اطلاع‌یافتم که نسل جوان ما به ایشان شدیداً علاقه‌مند و معتقد و قلدران است. این هم نعمت بزرگ خدا و دلیل سلامت این کار است.»

گفتمان روشنگر

نگاهی به نقش آیت‌الله مصباح‌یزدی در مواجهه منطقی با جریان التقاط



دکتر مهدی جمشیدی
عضو هیئت علمی
پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه اسلامی

مناظره‌ای تلویزیونی در سال ۱۳۶۰ برگزار شد که در یک سوی این مناظره به عنوان مدافعین تفکر اسلامی آیت‌الله مصباح از طرف حوزه و دکتر سروس از طرف دانشگاه حضور داشتند و از طرف دیگر آقای احسان تبری به عنوان نماینده حزب توده و فرخ نگهدار به عنوان نماینده سازمان فدائیان خلق حضور پیدا کردند. این مناظره پیرامون یکی از آموزه‌های کلیدی مارکسیسم انجام شد که «ماتریالیسم دیالکتیکی» نام داشت؛ تمام محتوای این مناظره به صورت متن در قالب کتابی به اسم «گفتنمان روشنگر» در مؤسسه امام خمینی (ره) چاپ شده است. این مناظره حواشی و جوانب در خور توجهی داشته است که به آنها اشاره می‌شود. نکته اول اینکه یکی از ریشه‌های شکل‌گیری این مناظره خاص، به این برمی‌گردد که بعد از انقلاب جریان‌های مارکسیسم، احساس حذف شدن و کنار زده شدن داشتند؛ یعنی تصور می‌کردند در انقلابی که واقع شده آنها هم باید سهمی باشند و بخش‌هایی از قدرت سیاسی هم به دست آنها باشد و بیشتر از همه جریان مارکسیستی که طلبکار بود سازمان مجاهدین خلق بود؛ البته اندکی بعد از این مناظره کار به درگیری کشیده شد و قضیه ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ به وجود آمد و حمله مسلحانه شهری شکل گرفت و متأسفانه به واسطه این تهاجم‌ها و خشونت‌هایی که سازمان مجاهدین به خرج داد، تا سال‌های سال باب مناظره و گفت‌وگو مسدود شد. البته در این مناظره نماینده‌ای از سازمان مجاهدین خلق حضور نداشت، اما به هر حال ریشه شکل‌گیری این مناظره به این برمی‌گردد که جریان اسلامی به این فکر افتاد که باید از طریق مواجهه نظریه شفاف و انتقادی اثبات کند که استدلال‌ها و گفته‌های شاخه‌های مختلف جریان مارکسیستی اعتبار و علمیت ندارد و واجب البطالن است و اینطور نیست که روحانیت به ناروا و به صورت غیر اخلاقی قدرت را تصاحب کرده باشد و آنها را کنار زده باشد و جریان اسلامی-انقلابی، استدلال‌های متقنی برای ابطال مارکسیسم دارد؛ به صورتی که حاضر است در یک مناظره عمومی و تلویزیونی با سرآمانان و برجستگان جریان مارکسیسم رویه‌رو شود و استدلال‌های خود را مطرح و استدلال‌های آنها را ابطال کند؛ لذا مناظره در چنین فضایی شکل گرفت.

نکته دوم اینکه مرحوم آیت‌الله مصباح در ابتدای مناظره، این مسئله را مطرح می‌کند با وجود اینکه ما در وضعیت جنگی قرار داریم و رژیم بعث به ما حمله کرده و در شرایط دشواری قرار داریم، اما هیچ کدام از این بحران‌ها و تلاطم‌های بزرگ و زمین‌گیر باعث نمی‌شود که ما باب گفت‌وگو را مسدود کنیم و مناظره را کنار

بگذاریم؛ بلکه حتی در شرایطی که مورد حمله نظامی یک دشمن هم واقع شده‌ایم همچنان صدا و سیما موظف است بستر را برای مواجهه جریان‌های مختلف فکری آماده کند و این سخن را نشانه حقانیت جریان اسلامی معرفی می‌کند. حقیقتاً هم‌ینطور است، یعنی امام (ره) و جریان اسلامی می‌توانست با این توجیه که کشور در بطن جنگ قرار دارد و خطرات و تهدیدهای بسیار جدی هم علیه نظام سیاسی وجود دارد، این نوع مواجهات و مناظرات را به حاشیه ببرد، آنها را برگزار نکند و به دوره بعد از جنگ موکول کند؛ اما امام (ره) چنین کاری نکرد، بلکه از این مناظرات آن هم به شکل تلویزیونی و بدون سانسور استقبال کردند.

نکته سوم اینکه آیت‌الله مصباح در تمام جلسات مناظرات نه تنها عصبانی نشد و به آن دو نفر از جریان مارکسیستی، تندی نکرد بلکه حتی اندکی از اقتدار غیر معرفتی استفاده نکرد؛ یعنی اینطور نبود که با استناد به اینکه قدرت سیاسی در اختیار ماست؛ چنین و چنان می‌کنیم. این مناظره به شیوه‌ای برگزار شد که انگار در دوره قبل از انقلاب برگزار شده بود و ایشان بدون ذره‌ای استنادات و ارجاعات مبتنی بر اقتدار غیر معرفتی سخن گفتند و در این نشست فقط استدلال و دلیل آقای مصباح، حرف اول را می‌زد نه چیز دیگر، که این هم فضیلت اخلاقی ایشان و هم فضیلت علمی ایشان را می‌رساند که ایشان به دلیل توانمندی عقلی و

فکری بی‌نیاز از این جرگه و جاهات و استنادات بود. نکته چهارم اینکه برخلاف فضای غالب در حوزه‌های علمیه که بیشتر به علوم رسمی سنتی معطوف هستند و از علوم جدید بیگانه هستند و اطلاع چندانی ندارند، فکر آیت‌الله مصباح از دهه‌های قبل از انقلاب درگیر مسئله‌های جدید علوم انسانی بود و هرگز به درس‌های رسمی و کلیشه‌ای حوزه بسنده نمی‌کرد؛ بلکه وقت قابل توجهی را صرف این قبیل مطالعات که مربوط به علوم انسانی و به صورت خاص ایدئولوژی مارکسیستی بود می‌کرد؛ به همین جهت در طول این مناظرات آشکارا مشاهده می‌کنیم که ایشان اشعار و احاطه مثال‌زدنی نسبت به «ماتریالیسم دیالکتیکی» دارد؛ یعنی در هیچ بخشی از این مناظره، آقای فرخ نگهدار یا احسان تبری نتوانستند هیچ اشکال و ایراد صریح و برجسته‌ای نسبت به آقای مصباح مطرح کنند و در هیچ بخش از مناظره نتوانستند مشاهده کنند که ایشان در فهم فلان گزاره مارکسیستی دچار اشتباه شده‌اند یا اینکه آنها علاوه بر دارا بودن منزلت سازمانی، از جهت تئوری هم به شدت توانمند بودند و جزء برجستگان ایدئولوژی مارکسیسم در ایران بودند.

نکته پنجم اینکه آیت‌الله مصباح در این مناظره، یک نوع عقل فرانگر از خود نشان دادند؛ به این معنی که از ایدئولوژی مارکسیستی فراتر رفته بود و آن را از یک افق بالا و چشم‌انداز وسیع نقد می‌کرد؛ دلایلی که ایشان



عنوان می‌کرد، دلایل ساختارشکنانه و از یک وسعت بسیار بسیار گسترده برخوردار بود، به حالتی که آن دو نفر از جنبه قوی ساختارشکنانه آیت‌الله مصباح متحیر می‌شدند که چطور ایشان تمام محفوظات و بدیهیات ذهنی آنها را با سخن منطقی و عقلی محض، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهد. فضیلت ششم و نکته نهایی اینکه اگر صفحات آخر این کتاب را مشاهده کنید، به یک جمع‌بندی جالب از آیت‌الله مصباح می‌رسید؛ اجمالاً اینکه، ایشان در جمع‌بندی خود در این مناظره توانست تناقض‌های آن دو نفر را آشکار کند و نشان دهد که دعاوی آنها با آنچه مطرح می‌کنند، یعنی استدلال‌های‌شان دچار دواپارگی و تشکیک بود، یعنی دچار تناقض درونی بودند و حل آن متوقف، و اگر هم می‌خواستند از این تناقض خارج شوند چاره‌ای نداشتند جز اینکه نظر تشدید آقای مصباح را بپذیرند. یعنی مخیر بودند بین دو گزینه؛ یا پذیرش تناقض درونی یا پذیرش نظر آیت‌الله مصباح و بعد از این جمع‌بندی، آن دو نفر نتوانستند پاسخی ارائه کنند. این مناظره حقیقتاً یک مناظره تاریخی و معرفتی محض بود که تبصر و ورزیدگی و پختگی ذهنی آیت‌الله را در مواجهه با ایدئولوژی مارکسیستی نشان داد. مخاطبان را دعوت می‌کنم به مطالعه بخش‌هایی از این کتاب و نحوه اشکال‌گیری و نقیصه‌ای آیت‌الله که فنی و مبتنی بر منطق و استدلال عقلی محض ایشان بود که آن دو نفر را به حاشیه راندند.

۱۵
مصباح

ویژه ارتحال آیت‌الله مصباح یزدی

شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹

صداق

یادداشت

متفکر انقلابی

سید محمود نبویان

نایب رئیس کمیسیون
اصل نمود



شخصیت سردار تفکر اسلامی حضرت آیت‌الله علامه مصباح‌یزدی ابعاد گوناگونی دارد؛ زندگی ایشان از بنده که عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره) هستم، پایین‌تر بود و زندگی عادی، بسیار مؤمنانه و ساده‌زیست داشتند، همانطور که رهبر معظم انقلاب در پیام‌شان به آن اشاره فرمودند. دکتر سروس اعلام کرده بود من با همه مناظره می‌کنم الا آیت‌الله مصباح‌یزدی، چرا که ایشان قوی‌ترین فیلسوف زنده کشور است. یکی از به ظاهر روشنفکرها که هیچ چیز و حتی خدا را قبول ندارد، می‌گفت اشکال آیت‌الله این است که حدود پنج تا هشت سال جلوتر از دیگران آینده را می‌بیند؛ در واقع چون زودتر به نتیجه می‌رسیدند، به ایشان حمله می‌کنند و می‌گویند چرا بد می‌گویید یا الکی حرف می‌زنید؛ ایشان قوی‌ترین چهره در این زمان بود. برخی اصلاح‌طلبان هیچ منطقی ندارند و زمان‌های مناظره، ایشان اعلام کردند هر کسی که نسبت به حرف‌های من در حوزه علوم سیاسی حرف دارد، برای مناظره بیاید که هیچ کس جز یک نفر آمادگی نداشت. طبیعی است کسانی که منطق ندارند، در مقابل منطق قوی اندیشه‌های اسلامی که از حلقوم و تفکر آیت‌الله مصباح بیرون می‌آمد، مقاومت و جوابی داشته باشند و ایشان را متهم کنند. اعضای ایشان از سال ۱۳۴۲ و آغاز مبارزات، پسی نامه‌های حمایت از امام (ره) بوده است؛ مرحوم آیت‌الله رفسنجانی در خاطره‌ای نقل می‌کنند که در زمان مبارزات و وقتی آقای مصباح در تعقیب بودند، من عمامه سیاه بر سرشان گذاشتم و ایشان را فراری دادم و در آن زمان با هم علیه رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کردیم. زمانی که آیت‌الله شهید بهشتی به آلمان رفته بودند از ایشان سؤال می‌کنند، در ایران باید به چه کسی مراجعه کنیم که ایشان به آقای مصباح ارجاع می‌دهند و می‌گویند آقای مصباح‌یزدی مصباح دوستان و چراغ برای دوستان ماست. ایشان از همان ابتدا و آغاز قیام امام (ره) و بعد از انقلاب هم مورد حمایت جدی امام (ره) بودند؛ به خاطر دارم که ابتدای انقلاب خیلی‌ها به امام مراجعه می‌کردند تا برای تأسیس مؤسسه یا کار دیگر از ایشان پول و بودجه بگیرند که امام همه را طرد می‌کرد. آقای مصباح در جلسه‌ای خدمت امام رسیده و توضیح داده بودند که مؤسسه‌ای ایجاد کرده‌ایم و این تعداد طلبه و دانشجو داریم و چه کارهایی باید انجام دهیم. مهرماه بود که ایشان خدمت امام رسیده بود و روال جذب دانشجو از طریق مؤسسه قبل از مهرماه و از اوایل اسفند تا تابستان بود. امام فرموده بودند من فقط یک شرط دارم و اینکه همین الان دانشجویهای جدید بگیرید که ایشان گفته بود طبق قانون امکان‌پذیر نیست که امام فرموده بودند من می‌گویم باید بگیرید. آقای مصباح تعریف می‌کردند یک هفته نگذشته بود که یک نماینده از طرف امام (ره) آمد که دستور امام را اجرا کنید یا خیر. در واقع ۹۰ درصد بودجه مؤسسه را امام (ره) پرداخت کردند و ایشان کاملاً مورد تأیید امام بود و از کارهای ایشان باخبر بود. زمانی که انقلاب فرهنگی شده و دانشگاه‌ها تعطیل شده بود، امام فرمودند که این دانشگاه به درد این مردم و انقلاب و اسلام نمی‌خورد و دستور دادند به قم و جامعه مدرسین بروید و یک نفر را پیدا کنید که بتواند در حوزه علوم انسانی دانش اسلامی تولید کند؛ که جامعه مدرسین آیت‌الله مصباح یزدی را معرفی کرد. طبیعی است که باید حملاتی علیه ایشان داشته باشند و تهمت‌هایی که می‌زدند ارزش پاسخ هم نداشت.

صداق
ssweekly.ir

عمرانقلاب

نگاهی گذر به زندگی

علامه محمد تقی مصباح یزدی



صادق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

علی قاسمی،سیامکباقری،سعداللهزارعی،
فرهادمهدوی، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پیشان،
محمدرضامهدیار،اسماعیلی،حسین‌عبداللهی‌فر
دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد‌گودرزی
ناظر‌چاپ:سعید‌قاسمی
چاپ: مرکز چاپ‌سیاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰و ۷۷۴۶۰۱۰۰ ۰۲۱) ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۸۳ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۹

کتیبه سبز

شهید حریم حرم



کشیده شد بدنت در میان خون سردار
که دشمنت بشود زود سر نگوں سردار
که بلبلان همه نام تو را بخوانند و
تورا شهید حریم حرم بنامند و
برایت از دل و جان عاشقانه جان بدهند
و عکس چشم تو را هی به هم نشان بدهند
شراب نابی و این رسم ناب بودن‌هاست
در اوج بودن، از الطاف پر گشودن‌هاست

وحید اشجع

جوان

ناامیدی تهدیدی علیه جوانی

محبوبه ابراهیمی

پژوهشگر سبک زندگی

جوان، سرشار از انرژی و نشاط است و
آرزوهای بلند و گاه دست‌نیافتنی را در سر
می‌پروراند. امید به آینده آرمانی و مطلوب،
محرک اصلی جوانان برای تلاش و شادی
و پویایی است. اما این روزها وضعیت
اقتصادی و مشکلات تحصیل و اشتغال،
در کنار فراگیری اخبار منفی، موجی از
ناامیدی را در میان افراد، از جمله جوانان
ایجاد کرده و متأسفانه شاهد هستیم
جوانان هیچ انگیزه‌ای برای ادامه زندگی
نداشته و با افکار منفی نسبت به آینده،
دست و پنجه نرم می‌کنند. البته مطالعات
و تحقیقات نشان داده است، این مسئله
محدود به جوانان ایرانی نبوده و نزدیک به
۶۰ درصد جوانان جهان، حسن ناامیدی
را تجربه می‌کنند. این فراگیری ناامیدی در
میان جوانان، علاوه بر پیامدهای فردی،
جامعه را نیز با آسیب‌های مهمی مواجه
می‌کند؛ چرا که مهم‌ترین وارزشمندترین
سرمایه انسانی هر کشور، جوانان هستند.
بنابر این خانواده و دولت موظفند با کاهش
مشکلات این قشر و تدبیر راه‌های افزایش
انگیزه و امید، به تقویت این روحیه کمک
کرده و مسیر ترقی و پیشرفت جامعه را
هموارتر کنند؛ اما بیش از همه لازم است
تا خود جوانان، اهداف زندگی را تعیین و
با امیدواری تلاش کند. دشواری‌های
زندگی را عادی دانسته و با سلاح امید به
استقبال موانع بروند تا ایستادن بر سکوی
موفقیت را تجربه کنند.

صبحانه

معیار

ارزش هر انسان به چیزی است که به آن بها می دهد. داشته‌ها را که بررسی کنیم، خاستگاه و رشد و ذهن هر کس خود را نمایان می‌کند. چیزی که روح یک انسان را می‌سازد و صیقل می‌دهد، باید آنی باشد که به عیار روح و ارزش فکر بیفزاید، نه آنکه آن را در حد خواسته‌های زمینی تنزل دهد. مراقب علاقه‌ها و آرزوها باشیم، چرا که شناسنامه واقعی انسان است و به همان میزان اعتبار می‌بخشد.

تلخند

واکسن ایرانی تست انسانی را با موفقیت پشت سر گذاشت / بهمن ۵۷ رژیم سلطنتی پهلوی روا شکست دادیم، ۶۷ ارتش متجاوز یعنی... مرداد ۶۷ سازمان منافقین... آبان ۹۶ گروه جنایتکار داعش... امروز هم با تست آزمایش واکسن ایرانی کرونا، شکست کرونا را آغاز کردیم؛ ان‌شاء‌الله



نگاه رسمی به غیررسمی!

آن هنوز هم در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود.

آنها که پادشاهان می‌آید، غیر رسمی‌تر از سفر رهبری به مناطق زلزله‌بم سراغ دارید؟ عبور ایشان از کنار آواره‌های بم با لباس مبدل و سر زدن به مردم، در غیر رسمی‌ترین وضع ممکن...
کوهنوردی‌های رهبری با پوشش مخصوص پیاده‌روی را هم همه بارها از صدا و سیما دیده‌اند. اولین سال تأسیس سازمان ملی جوانان، جمعی از جوانان ديداری ویژه با ایشان داشتند. صحبت‌ها و سؤالات رامبد جوان و عادل فردوسی‌پور و...
از ایشان را همان موقع خیلی‌ها دیدند. دیدار رهبری با آیت‌الله مصباح در منزل ایشان، سفر به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه، مراسم‌های افطاری با گروه‌های مختلف، مستند دیدارهای دانشجویی با ایشان، حضور در نمایشگاه کتاب و...چندین مورد دیگر که می‌تواند به این فهرست اضافه شود، نشان می‌دهد، غیر رسمی یک مستند خاص و منحصر به فرد نبوده است. جالب است دیدار رهبری با کارگردانان در سال ۱۳۸۵ دست کمی از دیداری که در غیر رسمی نشان داد، نداشت. انتقادهای کارگردانان در آن جلسه، حتی حاتمی‌کیا، تندتر از چیزی بود که در غیر رسمی دیدیم!نقد‌های جوانان

مهدی عامری

روز نامه نگار



«داستان سیستان» نگاشته‌های رضا امیرخانی از همراهی‌اش با رهبری در سفر استانی به سیستان و بلوچستان است. قلم روان و خلاقانه‌ای که پشت صحنه‌های سفر رهبری را روایت می‌کند. از غذا خوردن، شوخی کردن، مواجهه با نقدها، دورهمی‌ها و... همه و همه حکایت شده است. پس از این بود که روایت‌نویسی از سفرهای استانی رهبری ادامه یافت اگر چه هیچ کدام به خوبی داستان سیستان نشد. البته روایت‌های غیر رسمی از رهبری به ایسن مکتوبات منحصر نمی‌شد.

دیدارهای رهبر معظم انقلاب با خانواده شهدا در منزل آنها از جمله جلوه‌های تماشایی زندگی ایشان بود. تصاویری که آن روزها از صدا و سیما پخش نمی‌شد، اما سی دی و بلوتوثش را خیلی‌ها می‌دیدند. دیدارهای بدون تکلف ایشان با پدران و مادرانی که چندین شهید تقدیم انقلاب کردند، از برنامه منظم ایشان بوده است. یا حضور در خانه شهدای مسیحی در آغاز سال نو میلادی که تصاویر

صادقانه

حق‌شناسی

حضرت فاطمه(س) فرمودند: به خدا سوگند، اگر حقّ، یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند و از عترت و اهل بیت پیامبر (ص) پیروی و متابعت کرده بودند، حتّی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی‌کردند و مقام خلافت و امامت از طریق افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می‌گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد(عج) می‌شد که او نهمین فرزند از حسین(ع) است.

بحارالانوار: ج ۳۶، ص ۳۵۲

قبیله عشق

زندگی و مرگ با عزت



عزت‌الملوک، زمستان‌ها به کرج می‌رفت و در آنجا درس قرآن می‌داد. در میدان غار و جوادیه کتابخانه درست کرده بود، کلاس‌های نهضت تشکیل داده و در کنار آن تدریس کمک‌های اولیه نیز داشت. یک روز کودک فلجی را دید که از بیمارستان به علت نداشتن هزینه کنار خیابان گذاشته بودند. برایش اتاقی گرفت و هر روز به او سر می‌زد و برایش آذوقه می‌برد. یک‌روز در میان او را به کول می‌گرفت و از پله‌های مسافر خانه با زبان روزه در ظهر تابستان پایین می‌آورد و برای فیزیوتراپی به بیمارستان می‌برد، تا اینکه پس از مدتی برایش ویلچر گرفت و کارهای درمانی او را تا آخر پیگیری کرد. همیشه به زندگی با عزت و مرگ با عزت اعتقاد داشت و آن را در یاری به دیگران و زیر بار ظلم سر خم نکردن می‌دانست.

به نقل از خواهر شهید عزت‌الملوک کاووسی

عزت‌الملوک در سال ۱۳۳۷ در مشهد به دنیا آمد، پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی همراه با خانواده به تهران آمد و بعد از اتمام دوره دبیرستان، در همان سال در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در تظاهرات زمان انقلاب حضوری پررنگ و مستمر داشت، مؤانست با قرآن و نهج‌البلاغه او را حق‌جو کرده بود؛ لذا زیر بار ستم نمی‌رفت و سرانجام در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ اوج انقلاب خوئین ایران، در حالی که مشغول یاری رساندن به مجروحان بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به آرزوی دیرینه‌اش، یعنی شهادت مفتخر شد. آرامگاه ابدی این بانوی قهرمان در صحن بیمارستان امام خمینی (ره) است.

حسن ختام

غریب بود و از غریبی می‌گفت

صدایش سوز غریبی داشت که بند دل آدم را پاره می‌کرد. می‌گفت تازه از راه رسیده. از جایی دور. اسمش را خاطرم نیست. آنقدر سخت و غریب بود که به جز چند حروف جابه‌جا و مهمّل، چیز دیگری در ذهنم نمانده است.

صدایش سوز داشت. شبیه خودش، شبیه شهرش. غریب بود و از غریبی می‌گفت. از خورشیدی که بعد از غیبتش عالم را سردی و تاریکی برداشت. از مردی که ۱۱۸۵ سال منتظر است؛ منتظر عده‌ای که پایان یلسدای غیبتش را درک کنند و مضطر بهانه‌بخوانند:

مَتَى يَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ
فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نَعَادِيكَ
وَ تَرَاوِحَكَ فَتَقَرَّ عَيْنًا (فَتَقَرَّ عَيْنُتَا)
چه زمان از آب وصل خوشگوارت بهره‌مند می‌شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می‌کنیم، تا دیده از این کار روشن کنیم.

سلامت

با خیال راحت شام بخورید!

زهر ا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

بیشتر افراد فکر می‌کنند برای لاغر شدن باید وعده شام را حذف کنند، ولی آیا واقعاً این باور درست است؟ در هیچ الگوی علمی تغذیه‌ای حذف وعده شام و خوابیدن با شکم گرسنه توصیه نمی‌شود. در روایات نیز انمه معصوم(ع) توصیه اکید به خوردن شام می‌کنند؛ پیامبر(ص) نیز می‌فرمایند: «نخوردن شام انسان را پیر می‌کند. غذای شب را ترک مکن ولو آنکه تکه نان خشکی باشد.» برای رسیدن به وزن مطلوب به اندازه نیاز بدن‌تان و نه بیشتر کالری دریافت کنید و هیچ یک از گروه‌های غذایی و وعده‌های غذایی را حذف نکنید؛ چرا که باعث ایجاد مشکلات تغذیه‌ای می‌شود. بهترین زمان مصرف شام حداقل سه ساعت قبل از خواب است. کربوهیدرات‌های پیچیده مانند حبوبات، دانه‌های کامل غلات و سبزیجات همراه با مقدار پروتئین مورد نیاز انتخاب‌هایی سالم برای وعده شام هستند؛ اما مصرف نوشیدنی‌های شیرین، مانند نوشابه و دلستر به ویژه در شب تعادل قند خون شما را مختل می‌کند. مصرف میوه به جای شام هم رفتاری ناسالم و حتی چاق‌کننده است؛ زیرا میوه دارای قند ساده است که خیلی سریع قند خون را بالا می‌برد و بعد از مدتی باعث افت قند خون و گرسنگی شما می‌شود. همچنین می‌تواند کالری‌ای بیش از نیازتان به شما برساند؛ چرا که هر فرد برای داشتن احساس سیری بیشتر از نیاز میوه میل می‌کند.

مدیقه‌سادات شجاعی

مشاور خانواده



افزایش اعتماد به نفس

اعتماد به نفس طرز فکر مثبت درباره خودتان و توانایی‌های‌تان است، در ادامه روش‌هایی را برای بالا بردن اعتماد به نفس معرفی می‌کنیم. ۱- ورزش کنید. اثرات روانی ورزش باعث ایجاد حسن اعتماد در شما می‌شود. ۲- محیط اطراف شما مستقیماً بر درک‌تان از خود تأثیر می‌گذارد، اگر اطراف‌تان به هم ریخته و شلوغ است همه چیز را مرتب و منظم کنید. ۳- فهرستی از چیزهای جالبی که دوست دارید در زندگی‌تان انجام دهید، آماده کنید و با اولین چیزی که شمارا سر شوق می‌آورد، روزتان را آغاز کنید. ۴- در زمان حال زندگی کنید. ۵- ریسک‌پذیر باشید، اما با مراقبت و احتیاط. ۶- به دنبال یادگیری مطالب جدید باشید. ۷- خودتان را باور داشته باشید یعنی قبول کنید که شما هم می‌توانید. ۸- مطمئن و با صلابت صحبت کنید. صدای رسا و محکم را ز موفقیت شماست. ۹- به زبان بدن‌تان دقت داشته باشید، سر و شانه بالا، راست قامت، ارتباط چشمی خوب و حرکات دست به موقع. ۱۰- طرز پوشش یکی از فاکتورهای اصلی بالا رفتن اعتماد به نفس است، مرتب و تمیز و آراسته باشید. ۱۱- مثبت‌نگر باشید، افراد با اعتماد به نفس بالا نمی‌گذارند افکار منفی وارد ذهن‌شان شود. ۱۲- خودتان را درست کم نگیرید و به قول معروف خودزنی نکنید. ۱۳- قدرت نه گفتن را در خود تقویت کنید. ۱۴- افکاری واضح و روشن درباره اهداف‌تان داشته باشید. ۱۵- به خدا توکل کنید و همواره با یاد او به خود آرامش ببخشید.